پاسخ به سوالات زائران حرمین

**تهیه‌کننده:**

**بخش اطلاع رسانی اداره ارشاد**

**ریاست عمومی مسجد النبی** ج

**1435-1436** هـ ق

**مترجم:**

**سعود عباسی**

**تصحیح و مراجعه:**

**عبدالله عبدالرحمن بلوچی**

**این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**

**www.aqeedeh.com**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **آدرس ايميل:** |  | **book@aqeedeh.com** | | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv | | |  | | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  www.shabnam.cc  www.sadaislam.com | |
|  | | | | | | |
|  | | | |  | |  |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب 3](#_Toc416206326)

[مقدمه 5](#_Toc416206327)

[پیشگفتار: فضلیت حج و عمره 9](#_Toc416206328)

[روش حج رسول الله ج 19](#_Toc416206329)

[فصل اول: احرام و مواقیت 31](#_Toc416206330)

[فصل دوم: سوال‌های عمومی در حج و عمره 39](#_Toc416206331)

[فصل سوم: سوال‌های مربوط به زنان 79](#_Toc416206332)

[فصل چهارم: سوال‌های مربوط به نماز و روزه 89](#_Toc416206333)

[فصل پنجم: زیارت مدینه و احکام آن 103](#_Toc416206334)

[مآخذ 109](#_Toc416206335)

مقدمه

حمد و سپاس شایسته کسی است علما را میراث بران پیامبران قرار داده است، خداوند فرموده: ﴿فَسۡ‍َٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٤٣﴾ [النحل: 43]. و درود و سلام بر بهترین کسی که زمانی که در مورد حکم دین الله از او سوال شد به آن جواب داد، و فرمود: «درمان انسان سرگردان سوال کردن است»([[1]](#footnote-1)) و فرموده: «سخنان من را به دیگران برسانید اگرچه یک آیه باشد»([[2]](#footnote-2)). صلی الله علیه وعلی آله وصحبه أجمعین.

اما بعد: مدينه منوره از همان زمانی که رسول الله ج بر آن قدم گذاشت و مسجد مبارکش را بنا کرد تبدیل به مرکز انتشار نور و هدایت مردم شد، از همان زمان و تا زمان حال، مسجد النبی ج، آن مسئولیت دینی که بر عهده‌اش گذاشته شده را بجا می‌آورد، یکی از مهمترین این مسئولیت‌ها پاسخ دادن به سوال‌های شرعی مردم می‌باشد، هنوز نیز فتواهایی که از مسجد النبی صادر می‌شود، نزد مسلمان‌های سراسر دنیا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، کاملا به آن فتواها اعتماد دارند، و علمای حرم مکی و مدنی مورد احترام و تقدیر همه مسلمین هستند، هیچ کسی نتوانسته است جایگاه آنها -علما- را کم اهمیت قرار دهد، اگر به تمام دوره‌ها و حکومت‌هایی که سر کار می‌آمدند، بنگریم می‌بینیم جایگاه علمای حرم ویژه و خاص بوده.

زمانی که حکومت سعودی بر سرکار آمد علما را بیشتر از گذشته تکریم کرد، و «هیئت کبار علما و (لجنة الدائمة للإفتاء) گروه دائمی فتوا» را تاسیس نمود.

و از طریق امواج رادیویی برنامه‌ای به عنوان «نور على الدرب» (چراغی بر سر راه) را به گوش شنوندگان رساند، که در این برنامه سوال‌های شنوندگان را از سراسر دنیا دریافت می‌کند و علمای بزرگ که متخصص هستند به آن پاسخ می‌دهد، در تمامی مناطق سعودی نماینده‌گی از هیئت فتوا را افتتاح نمود و چندین مراکز اسلامی را در سراسر دنیا بازگشایی نمود که بوسیله این مراکز پاسخ شرعی را به مردم هر منطقه‌ای می‌رسانند، حکم خداوند را به مردم می‌رسانند، و به مردم کمک می‌کنند تا به نحو احسن و به بهترین شکل عبادات را انجام دهند، و در داخل خود کشور سعودی علما هنوز این رسالت پاسخ دادن به سوال‌های شرعی را بر عهده دارند، و در میان سوال‌های شرعی که پرسیده می‌شود جزء زیادی از آن در مورد حج و عمره و زیارت هست که توسط حاجیان و عمره گزاران از کشورها و مذهب‌های مختلف پرسیده می‌شود، بر همین مبنا، قسم توجیه و ارشاد ریاست عمومی حرم نبوی تصمیم گرفته این سوال‌ها که همیشه تکرار می‌شود و همه جاجیان و عمره‌گزاران چه زن و چه مرد، سالم و بیمار، باید جواب‌های آن را بدانند را جمع آوری کند چون این سوال‌ها در تمامی موسم‌های حج و عمره در هر روز و هر ساعت پرسیده می‌شود، و علمای محقق و گروه دائمی فتوا به آن پاسخ داده‌اند، این سوال‌ها را در این کتاب جمع‌آوری نموده و به شما تقدیم می‌کنیم، محتویات این کتاب به اینصورت است.

**پیشگفتار و پنج فصل:**

**اما در پیشگفتار:** در مورد فضایل حج و عمره و روش آن صحبت می‌شود.

**فصل اول:** سوال‌های در مورد احرام و میقات‌ها می‌باشد

**فصل دوم:** سوال‌های مربوط به حج و عمره.

**فصل سوم:** در مورد سوال‌های خاص زنان

**فصل چهارم:** سوال‌های مربوط به نماز و روزه.

**فصل پنجم:** زیارت شهر مدینه و آداب آن.

ریاست عمومی امور مسجد الحرام و مسجد النبوی این کتاب را در اختیار تمامی زائرین بیت الله الحرام و مسجد رسول الله ج قرار می‌دهد، از همه حجاج و عمره‌گزار و زائرین در خواست می‌کند که امور عبادی خود را خوب یاد بگیرند و بفهمند تا اینکه با حج و عمره‌ای مقبول و پذیرفته شده به کشورهای خود بازگردند.

والله ولي التوفیق والهادي إلى سواء السبیل

پیشگفتار:  
فضلیت حج و عمره

واجب بودن یک بار حج در طول عمر انسان از طریق قرآن و احادیث پیامبر و اجماع مسلمین به اثبات رسیده است. و به اجماع، یکی از ستون‌های پنجگانه اسلام حج می‌باشد.

اما در قرآن این آیه بر واجب بودن حج دلالت می‌کند: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩٧﴾ [آل عمران: 97].

یعنی «حج این خانه برای الله بر کسی که توانایی رفتن به آنجا را دارد، واجب است. و هر کس انکار ورزد، بداند که الله از جهانیان بی‌نیاز است».

اما دلیل واجب بودن حج که از زبان رسول الله که در حدیث ذکر شده زیاد می‌باشد به عنوان نمونه حدیثی را که امام مسلم در کتاب صحیح خود از ابوهریره روایت کرده را می‌آوریم: خَطَبَنَا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، قَدْ فَرَضَ اللهُ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ فَحُجُّوا». فَقَالَ رَجُلٌ: أَكُلَّ عَامٍ يَا رَسُولَ الله؟ فَسَكَتَ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ قُلْتُ: نَعَمْ، لَوَجَبَتْ وَلَمَا اسْتَطَعْتُمْ، ثُمَّ قَالَ: ذَرُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِكَثْرَةِ سُؤَالِهِمْ، وَاخْتِلَافِهِمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ، فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأْتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، وَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَدَعُوهُ»([[3]](#footnote-3)). «رسول الله ج برای ما موعظه کرد فرمود: «ای مردم، خداوند بر شما حج را فرض قرار داده است پس حج را انجام دهید» شخصی پرسید: یا رسول الله ج آیا هر سال حج انجام دهیم؟ رسول الله جواب نداد و آن مرد سه بار سوال خود را تکرار نمود، بعد از آن رسول الله ج فرمود: «اگر می‌گفتم بله فرض می‌شد و شما توان هر سال انجام دادن آن را نداشتید و فرمود: در حکمی که بر شما قرار نداده‌ام مرا رها کنید، چون چیزی که باعث شد ملت‌های قبل از شما هلاک شوند سوال‌های زیادی آنها و مخالفت با پیامبرانشان بود، وقتی که شما را به کاری امر کردم تا جای توان آن را انجام دهید واگر شما را از انجام کاری منع کردم، از آن دوری کنید».

اما در مورد فضیلت حج و تشویق بر انجام آن نیز احادیث فراوانی آمده از جمله حدیثی که ابوهریره روایت کرده است: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ «إِيمَانٌ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»، قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: «حَجٌّ مَبْرُورٌ»([[4]](#footnote-4)) «از رسول الله ج سوال شد کدام یک از اعمال بیشتر از همه فضیلت دارد؟ رسول الله فرمود: ایمان به خدا و رسولش، پرسیده شد بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه خدا، پرسیده شد بعد از آن؟ فرمود: حج مقبول». ابوهریره حدیث یگری را روایت کرده است که: «مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»([[5]](#footnote-5)).

«ابوهریره می‌گوید: شنیدم رسول الله ج می‌فرماید: کسی که حج انجام دهد و درحج آمیزش جنسی و گناه انجام ندهد از گناهان پاک می‌شود مانند روزی که از مادر متولد شده است» ابوهریره در حدیثی دیگر روایت کرده: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ»([[6]](#footnote-6)). « رسول الله ج فرمود: انجام یک عمره بعد از عمره دیگر کفاره گناهانی است که در بین آن دو عمره رخ داده، و حج مقبول پاداش آن بهشت است». عایشهل روایت کرده است: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، نَرَى الْجِهَادَ أَفْضَلَ الْعَمَلِ، أَفَلَا نُجَاهِدُ؟ قَالَ: «لَكِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ حَجٌّ مَبْرُورٌ»([[7]](#footnote-7)). «گفتم ای رسول الله، ما جهاد را پر فضیلت ترین عمل می‌دانیم، آیا ما جهاد نکنیم؟ رسول الله فرمود: اما پرفضیلت ترین جهاد حج مقبول است» و در جایی دیگر از عایشهل روایت شده که فرمود: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُعْتِقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَإِنَّهُ لَيَدْنُو ثُمَّ يُبَاهِي بِهِمُ الْمَلَائِكَةَ، فَيَقُولُ: مَا أَرَادَ هَؤُلَاءِ»([[8]](#footnote-8)). «هیچ روزی به اندازه روز عرفه خداوند بندگانش را از آتش جهنم آزاد نمی‌کند، در آن روز نزدیک می‌شود، در جلو ملائکه‌ها به آنها افتخار می‌کند، می‌فرماید اینها چه می‌خواهند؟».

اما در مورد فضیلت عمره نیز احادیثی از رسول الله ج ذکر شده است، مانند حدیثی که رسول الله فرمود: «العُمْرَةُ إِلَى العُمْرَةِ تُكَفِّرُ مَا بَيْنَهُمَا، وَالحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلاَّ الجَنَّةُ»([[9]](#footnote-9)) «انجام یک عمره بعد از عمره دیگر کفاره گناهانی است که در بین آن دو عمره رخ داده، و حج مقبول پاداش آن بهشت است».

حج از دیدگاه اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است چون در آن وسعت و گستردگی دین اسلام نهفته است، این را به نمایش می‌گذارد که همه انسان‌ها با هم برابرند، هیچ عربی بر عجمی، برتری ندارد مگر با تقوای خداوند، تاجر و فقیر حاکم و رعیت همه یک نوع لباس می‌پوشند، در یکجا جمع می‌شوند، و همه با هم یک نوع کار را انجام می‌دهند،

انجام حج و عمره نشان می‌دهد که اسلام دین نظم و یکپارچگی است، این عبادت فقط در یک زمان مشخص و در یک جای مشخصی و به یک روش مشخص و یک نفر رهبری می‌کند یعنی امامی که در روز عرفه امامت می‌دهد.

یکی دیگر از فواید حج و عمره این است که بزرگترین فرصتی است برای جمع شدن مسلمان‌ها که مسلمین از سراسر دنیا با زبانهای مختلف و قیافه‌های متنوع هیچ مصلحت دنیایی آنها را با هم جمع نکرده است، فقط یک چیز آنها را با هم جمع کرده است، آنهم عبادت الله یگانه می‌باشد.

**در اینجا خونندگان عزیز را به صورت خلاصه وار با کارهایی که در عمره صورت می‌گیرد آشنا میکنیم:**

1. زمانی که شخص عمره‌گزار به محل میقات رسید مستحب است غسل بزند و خود را پاک نماید، زن نیز همین کار را انجام می‌دهد اگرچه که در حالت حیض یا نفاس باشد، تنها کاری که نباید انجام دهد طواف خانه خداست که بعد از پاکی انجام می‌دهد. مرد می‌تواند بوخوشی را بر بدن خود استفاده کند اما در لباس احرامش اجازه ندارد، اگر عمره‌گزار این امکان برایش میسر نبود که غسل بزند هیچ اشکالی ندارد، اما چون غسل زدن سنت است اگر توانست در شهر مکه قبل از انجام طواف غسل بزند.
2. مرد لباس‌های دوخته شده را از تن خود بیرون می‌آورد و فقط ازار و رداء می‌پوشد. سنت است که ازار و رداء سفید و تمیز باشند. ولی زن در لباس عادی که زینت در آن نباشد و باعث جلب توجه نباشد احرام می‌بندد.
3. سپس با قلب نیت حج و یا عمره را می‌کند و آن را بر زبان می‌آورد می‌گوید: «لبیك عمرة» یا می‌گوید: «اللهم لبیك عمرة» و اگر ترس این را دارد که نتواند عبادت عمره‌اش را کامل کند بخاطر مریضی یا ترس از دشمن و مانند این امور، اجازه دارد که در زمان بستن احرام و نیت عمره شرط را نیز ذکر بکند و بگوید: «فإن حبسني حابس فمحلي حيث حبستني» یعنی اگر چیزی مانع شد محل خروج من از احرام همانجاست که منع شده ام. این حدیث را ضباعه بنت زبیرل روایت کرده([[10]](#footnote-10)). بعد از نیت احرام، به روش رسول الله ج لبیک می‌گوید که عبارت است از: «لَبَّيْكَ اللهم لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ». تا قبل از رسیدن به کعبه در بین راه، خود را به گفتن «لَبَّيْكَ اللهم لَبَّيْكَ...» و ذکر و دعا مشغول می‌کند.
4. زمانی که می‌خواهد وارد مسجد الحرام شود پای راست را جلو می‌گذارد و می‌گوید: «بِسْمِ اللهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللهِ أَعُوذُ بِاللهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الكْرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. اللهمّ اِفْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»([[11]](#footnote-11)).
5. وقتی که نزدیک کعبه، خانه خدا رسید لبیک گفتن را قطع می‌کند و به طرف حجرالاسود می‌رود بر آن سلام می‌دهد و در صورت امکان می‌بوسد اما برای مردم مزاحمت و ناراحتی ایجاد نمی‌کند، هنگام سلام‌دادن به حجرالاسود می‌گوید: «بسم الله والله أكبر» اگر بوسیدن مشکل بود با دستش سلام می‌دهد یا با عصا و مانند آن، و چیزی را که بوسیله آن بر حجرالاسود سلام داده را می‌بوسد، اما اگر سلام و لمس‌کردن نیز مشکل بود از راه دور اشاره می‌کند و می‌گوید «الله اکبر» اما چیزی که بوسیله آن به حجر اشاره کرده را نمی‌بوسد([[12]](#footnote-12)). شرط درست‌بودن طواف این است که شخص هم بر طهارت کامل باشد و هم با وضو و هم نیاز به غسل واجب نداشته باشد، زیرا طواف به مانند نماز است ولی در طواف اجازه صحبت کردن وجود دارد([[13]](#footnote-13)).
6. خانه خدا را در سمت چپ خود قرار می‌دهد و هفت دور طواف می‌کند، زمانی که به روبرروی رکن یمانی رسید اگر توانست بر آن سلام می‌دهد و می‌گوید «بسم الله الله أكبر» اما آن را نمی‌بوسد([[14]](#footnote-14)). اگر سلام دادن بر رکن مشکل بود آن را ترک می‌کند و به طواف خود ادامه می‌دهد به آن اشاره نمی‌کند و تکبیر نمی‌گوید؛ زیرا این امور از رسول الله ج روایت نشده است. اما هر زمان که به روبروی حجرالاسود رسید بر آن سلام می‌دهد و می‌بوسد به همان روشی که گفته شد، اگر نتوانست به آن اشاره کرده و تکبیر می‌گوید. در طواف قدوم برای مرد، سنت است که در سه دور اول در حالی که گام‌هایش به هم نزدیک است به سرعت گام بردارد و حرکت کند که به آن رمل در حرکت می‌گویند([[15]](#footnote-15)).

همچنین برای مرد سنت است که در طواف قدوم در تمامی دورها به حالت اضطباع باشد([[16]](#footnote-16)) اضطباع یعنی: حاجی رداء را از وسط آن زیر بغل سمت راست خود رد کند و دو طرف آن را بر روی دوش سمت چپ بیندازد. مستحب است که در تمامی دورها تا می‌تواند مشغول به ذکر و دعا باشد، در طواف دعا و ذکر مخصوص وارد نشده است و هر دعای و ذکری که بلد هست و برایش تکرارش راحت هست را می‌خواند اما در بین دو رکن می‌گوید: ﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ٢٠١﴾ [البقرة: 201]. در هر هفت دور آن را تکرار می‌کند؛ چون این دعا و ذکر از رسول الله ج روایت شده است([[17]](#footnote-17)). و دور هفتم را سلام دادن به حجر الاسود و در صورت امکان بوسیدن آن و یا با اشاره به آن همرا با تکبیر همانگون که در قبل نیز گفته شد، به پایان می‌رساند. بعد از تمام شدن طواف قدوم، رداء خود را دوباره به حالت اول باز می‌گرداند آن را بر دوش دو طرف دوش خود می‌اندازد و از روی سینه به پایین می‌اندازد.

1. اگر توانست بعد از پایان طواف دو رکعت پشت مقام ابراهیمی نماز می‌خواند اما اگر مشکل بود می‌تواند در هر کجای مسجد الحرام که خواست نماز بخواند؛ در رکعت اول آن بعد از سوره فاتحه ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١﴾، و در رکعت دوم ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١﴾ می‌خواند، خواندن این سوره‌ها بهتر است اما اگر سوره‌های دیگری را نیز تلاوت کرد هیچ اشکالی ندارد([[18]](#footnote-18))، بعد از اینکه دو رکعت نماز را به اتمام رساند به سمت حجرالاسود می‌رود البته اگر این امکان برایش فراهم بود.
2. سپس به سمت صفا می‌رود از آن بالا می‌رود یا کنار آن می‌ایستد اما اگر ممکن بود بالا رفتن بهتر است. وقتی که بر صفا بالا رفت این آیه 158 سوره بقره را می‌خواند: ﴿۞إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ فَمَنۡ حَجَّ ٱلۡبَيۡتَ أَوِ ٱعۡتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَاۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ١٥٨﴾ [البقرة: 158]. «همانا صفا و مروه از شعائر (نشانه‌های) خداست، پس هر که حج خانه (خدا) کند و یا عمره انجام دهد، بر او گناهی نیست که میان آن دو طواف (سعی) کند، و کسی که به رغبت خود کار نیکی را انجام دهد پس بدرستی که خداوند سپاسگزار داناست». سنت است که رو به قبله بایستد و حمد و ثنای خداوند و تکبیر انجام دهد و بگوید: «لا إله إلا الله والله أكبر. لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير. لا إله إلا الله وحده أنجز وعده ونصر عبده وهزم الأحزاب وحده»([[19]](#footnote-19)). سپس دعا می‌کند و دستان خود را برای دعا بلند می‌کند و سپس دست را پایین می‌اندازد و دوباره دست‌های خود را بلند می‌کند و دعا می‌کند سه بار این کار را تکرار می‌کند، سپس روبه به پایین به سوی مروه حرکت می‌کند وقتی به علامت (سبز) اول رسید حرکت خود را سریعتر می‌کند و تا علامت دوم سریع حرکت می‌کند و بعد از آن به صورت عادی حرکت می‌کند، سریع حرکت کردن فقط برای مردها می‌باشد و زن‌ها فقط با آرامی حرک می‌کند؛ وقتی به مروه رسید بر آن بالا می‌رود یا کنار آن می‌ایستد اما بالا رفتن اگر امکان آن را داشت بهتر هست، و در مروه نیز به همان حالت که در صفا گفته شد دعا می‌کند.

و از مروه به سوی صفا حرکت می‌کند در همه جا به صورت عادی حرکت می‌کند و زمانی که به مکان علامت گذاری شده رسید حرکت خود را سریع می‌کند تا اینکه به صفا برسد، هفت بار این کار را تکرار می‌کند رفتنش از صفا به مروه یک دور به حساب می‌آید و بازگشتش از مروه به سوی صفا یک دور دیگر. اگر سوار بر چیزی، سعی انجام داد اشکالی ندارد بخصوص اگر به سوار شدن بر چیزی نیاز داشته باشد. سنت است در حال سعی دعا و ذکر کند، و کاملا پاک و با وضو باشد و احتیاج به وضو و غسل نداشته باشد، اما اگر بدون وضو سعی انجام داد سعیش درست است.

1. زمانی که مرد سعی خود را تمام کرد سر خود را یا کوتاه می‌کند و یا می‌تراشد، اما تراشیدن بهتر است، اگر زمانی که عمره انجام می‌دهد نزدیک به ایام حج هست، برای این شخص کوتاه کردن مو بهتر از تراشیدن است، چون می‌تواند در بعد از انجام حج موهای خود را بتراشد، اما زن از موهای خود فقط به اندازه یک انگشت و یا کمتر از موهای خود می‌گیرد. اگر شخص محرم این کارهایی که گفته شد را تمام کرد، عمره‌اش را به صورت کامل انجام داده است. از احرام بیرون می‌آید و می‌تواند تمام کارهایی که در زمان بستن احرام برایش حرام شده را انجام دهد([[20]](#footnote-20)).

روش حج رسول الله ج

برادران مسلمان: نصیحت من برای همه این است که: تقوای خدا را در همه حالت‌ها در نظر بگیرند، در دین ثبات و پایداری داشته باشند، از کارهایی که غضب و خشم خدا در آن هست دوری کنند، مهمترین فرض‌ها و بالاترین واجب‌ها یگانگی الله و همه عبادت‌ها را فقط برای او قرار دادن می‌باشد، آنهم در قول و عمل، با پیروی از دستورات رسول الله ج است، باید عبادت حج و سایر عبادت‌ها را به همان روشی که الله متعال از طریق رسول و خلیل و بهترین خلقش و امام و سید ما محمد بن عبدالله ج به ما ابلاغ کرده را انجام دهیم، بزرگترین منکرات و خطرناک ترین گناهان شرک به خداوند سبحانه و تعالی می‌باشد، شرک یعنی یک عبادت به طور کامل یا جزئی از یک عبادت را برای غیر خداوند انجام دهیم، خداوند متعال فرمود: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ﴾ [النساء: 48]. «همانا الله این را که به او شرک ورزند، نمی‌آمرزد و جز شرک را برای هر که بخواهد می‌بخشد». در جایی دیگر خداوند سبحانه و تعالی پیامبر ج را مورد خطاب قرار می‌هد و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٦٥﴾ [الزمر: 65]. «و به ‌راستی به تو و به پیامبران پیش از تو وحی شده که اگر شرک بورزی، به‌طور قطع عملت نابود و تباه می‌شود و از زیان‌کاران می‌گردی».

**حاجیان بیت الله الحرام**: رسول الله ج بعد از اینکه به شهر مدینه هجرت نمود تنها یک بار حج کرد و آن هم حجة الوداع بود، که در سال‌های آخر عمرش انجام داد؛ در آن حج روش انجام دادن این عبادت را با گفتار و عملکردش به مردم یاد داد؛ و خطاب به مردم فرمود: «خذوا عنی مناسککم»([[21]](#footnote-21)) «از من عبادتتان را یاد بگیرید». واجب است که مسلمان‌ها در انجام دادن امور حج از رسول الله ج پیروی کنند، و به همان روشی که این عبادت را برایشان مشخص کرده انجام دهند، زیرا رسول الله ج معلم و راهنمای ماست و خداوند او را رحمتی برای جهانیان قرار داده است، و راهنمایی است برای همه بندگان، خداوند به بندگانش دستور داده است که از او پیروی کنند، راه ورود به بهشت و نجات از آتش جهنم را در پیروی از او قرار داده، بوسیله ایشان مشخص می‌شود که بنده تا چه اندازه با پروردگارش راست است، نشانه محبت الله به بنده‌اش می‌باشد، خداوند فرموده: ﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْۚ﴾ [الحشر: 7]. «آنچه پیامبر به شما داد، آن ‌را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت، بازآیید». و فرموده: ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ٥٦﴾ [النور: 56]. «و نماز را برپا دارید و زکات دهید و از پیامبر اطاعت کنید تا مشمول رحمت شوید». و در جایی دیگر فرموده: ﴿مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَۖ﴾ [النساء: 80]. «کسی که از پیامبر اطاعت کند، از الله اطاعت نموده است». و فرموده: ﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ٢١﴾ [الأحزاب: 21]. «به‌راستی برای شما، برای کسی که به (پاداش) الله و روز قیامت امیدوار است و الله را فراوان یاد می‌کند، در رسول‌الله، الگو و سرمشقی نیکوست». و فرموده: ﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ١٣ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ يُدۡخِلۡهُ نَارًا خَٰلِدٗا فِيهَا وَلَهُۥ عَذَابٞ مُّهِينٞ ١٤﴾ [النساء: 13-14]. «و هر کس از الله و پیامبرش اطاعت نماید، الله او را وارد باغ‌هایی می‌کند که در آن جویبارها روان است و چنین کسانی جاودانه در آن خواهند ماند. این است رستگاری بزرگ. هر کس از الله و پیامبرش نافرمانی کند و از حدود الهی تجاوز نماید، الله او را وارد دوزخی می‌گرداند که جاودانه در آن خواهد ماند و عذابی خوارکننده، (در پیش) دارد». و فرموده: ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَ‍َٔامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ٱلنَّبِيِّ ٱلۡأُمِّيِّ ٱلَّذِي يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَكَلِمَٰتِهِۦ وَٱتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ ١٥٨﴾ [الأعراف: 158]. «بگو: ای مردم! به راستی من فرستاده‌ی الله به سوی همه¬ی شما هستم؛ فرستادهی پروردگاری که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست؛ هیچ معبود برحقی جز او وجود ندارد؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس به الله و فرستاده‌اش ایمان بیاورید؛ همان پیامبر درس نخوانده‌ای که به الله و سخنانش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید». و فرموده: ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾. «بگو اگر الله را دوست دارید از من پیروی کنید، در این صورت الله نیز شما را دوست می‌دارد و گناهان شما را می‌بخشد، و الله بخشاینده مهربان است». آیه‌های فراون دیگری نیز دال بر همین معنا دارد. من به خودم و به شما این توصیه را می‌کنم که تقوای خداوند را در همه حالت‌ها درنظر بگیرید، و با صدق و اخلاص از گفته‌ها و کردار رسول الله ج پیروی کنید، چون تنها راه رسیدن به سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت همین می‌باشد.

**حاجیان گرامی خانه خدا**: رسول الله ج در روز هشتم ذی الحجه از شهر مکه به منطقه منی رفت و دستور نداد کسی طواف وداع انجام دهد، این کار نشان می‌دهد که سنت است در روز هشتم افرادی از خود شهر مکه و کسانی که در آنجا هستند و قصد حج را دارند و کسانی که عمره انجام دادند و از احرام بیرن آمده‌اند (حج تمتع) و همه حاجیان در روز هشتم لبیک گویان به منی بروند، و لازم نیست که قبل از رفتن به منی طواف وداع انجام دهند سنت است وقتی لباس احرام برای حج را می‌بندد همان کاری که در میقات انجام داده مثل غسل زدن و استفاده از بو خوشی و تمیز کردن خود را انجام دهد، همانطور که رسول الله ج به عایشهل وقتی که قصد ونیت حج را نمود دستور داد، چون حضرت عایشه نیت عمره کرده بود وقتی به مکه وارد شد حیض شد، نتوانست قبل از رفتن به منی طواف انجام دهد، رسول‌الله‌ج به ایشان دستور داد که غسل بزند و لبیک برای حج بگوید، حضرت عایشه نیز چنین کرد، حج و عمره‌اش حج قران شد. رسول الله ج به همراه صحابه گرامیشان ش نماز ظهر و عصر و مغرب وعشا را در منی به صورت قصر خواندند، اما نمازها را با هم جمع کردند، و سنت نیز چنین است که رسول الله ج انجام داده است، سنت است که حاجی مشغول به لبیک گویی باشد، ذکر بگوید، مشغول به خواندن قرآن باشد، و کارهای خیر و خوب دیگری انجام دهد، مثل امر به معروف نهی از منکر، کمک به فقرا. وقتی که خورشید روز عرفه برآمد رسول الله ج به همراه صحابه ش به سوی عرفات حرکت کردند، بعضی‌ها لبیک می‌گفتند و بعضی تکبیر می‌گفت، وقتی که عرفات رسید وارد خیمه‌ای شد که از پشم درست شده بود و در قسمت نمره غربی عرفات برپا شده بود، رسول الله از سایه آن استفاده کرد، این کار ایشان نشان می‌دهد که حاجی اجازه دارد از سایه خیمه و درخت و بقیه چیزها استفاده نماید، زمانی که خورشید به وقت زوال رسید، رسول الله ج بر حیوان سواری‌اش سوار شد و برای مردم خطبه نمود، به مردم مناسک حج را یا داد و به آنها توصیه‌هایی نمود، آنها را از ربا و کارهایی که در جاهلیت انجام می‌دادند برحذر داشت، به آنها گفت که خون و مال و ناموسشان بر آنها حرام هست، به آنها دستور داد که به کتاب خدا و سنت رسولش ج چنگ بزنند، و این مژده را به مسلمان‌ها داد که تا زمانی که به کتاب خدا و سنت رسولش ج پایبند باشند به گمراهی کشانده نمی‌شوند([[22]](#footnote-22)). بر همه مسلمان‌ها واجب هست که این وصیت‌ها را بگیرند، و آن را در هیچ حالتی رها نکنند، بر تمامی حاکمان کشورهای اسلامی واجب است که به کتاب خدا و سنت رسول الله ج پایبند باشند، و در تمامی امور بر اساس این دو چیز حکم بکنند، مردم را تشویق کنند که به کتاب خدا و سنت رسول الله ملتزم باشند و آن را برنامه زندگی شان قرار دهند، زیرا تنها راه عزت و سربلندی و خوشبختی و موفقیت در دنیا و آخرت در این دو چیز نهفته است، خداوند همه ما را بر التزام به آن موفق گرداند. در آن روز رسول الله ج نماز ظهر و عصر را به صورت قصر و جمع خواند، بعد از زوال خورشید جمع تقدیم خواند با یک اذان و دو اقامه، بین این دو نماز هیچ نماز دیگری نخواند، سپس به جایگاه رفت رو به قبله سوار بر حیوان سواری خود شروع به دعا و ذکر کرد، دستان خود را برای دعا بلند کرده و تا غروب خورشید مشغول به دعا شد، رسول الله در روز عرفه روزه دار نبود و این دلالت می‌کند بر اینکه حاجیان باید مانند رسول الله روزه دار نباشند و مشغول به ذکر و دعا و لبیک گفتن باشند تا خورشید غروب کند، دستان خود را برای دعا بلند کنند، روزه دار نباشند، از رسول الله حدیث صحیحی روایت شده است که فرمود: «مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرُ أَنْ يُعْتِقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَإِنَّهُ لَيَدْنُو فَيُبَاهِي بِهِمُ الْمَلَائِكَةَ، فَيَقُولُ: مَا أَرَادَ هَؤُلَاءِ؟»([[23]](#footnote-23))، «هیچ روزی نیست که به اندازه روز عرفه خداوند بندگانش را از آتش جهنم نجات دهد، در آنروز نزدیک می‌شو و در مقابل ملائکه به آنها فخر می‌ورزد و می‌گوید: اینها چه می‌خواهند؟» و در جایی دیگر روایت شده که رسول الله ج فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمُ عَرَفَةَ إِنَّ اللَّهَ يَنْزِلُ إِلَى السَّمَاءِ فَيُبَاهِي بِهِمُ الْمَلَائِكَةَ، فَيَقُولُ: انْظُرُوا إِلَى عِبَادِي أَتَوْنِي شُعْثًا غُبْرًا ضَاحِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ أُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ»([[24]](#footnote-24))، «وقتی که روز عرفه می‌شود خداوند به آسمان می‌آید و در مقابل ملائکه به حاجیان فخر می‌ورزد می‌فرماید: به بندگانم نگاه کنید با چهره‌ها و موهایی که گرد و غبار بر آن نشسته از هر دره‌های وسیعی به سوی من آمده‌اند من شما را گواه می‌گیرم که آنها را بخشیدم» حدیث صحیح دیگری از رسول الله روایت شده است که فرمود: «وقفت هاهنا وعرفة كلها موقف»([[25]](#footnote-25))، «من اینجا ایستادم و تمام عرفه محل وقوف هست» رسول الله ج بعد از غروب خورشید به سوی مزدلفه حرکت کرد و در آنجا قبل از اینکه بارهای خود را زمین بگذارد، نماز مغرب را سه رکعت و نماز عشا را دو رکعت با یک اذان و دو اقامه خواند، در بین آنها هیچ نماز دیگری نخواند، پس سنت است که حاجی نماز مغرب و عصر را به صورت قصر و جمع با یک اذان و دو اقامه بخواند، آنهم وقتی که به مزدلفه رسید و هنوز در جایی مستقر نشده است، بهتر است که بخاطر پیروی از سنت رسول الله ج نماز را جمع تقدیم در وقت مغرب بخواند، رسول الله شب را در مزدلفه ماندند و نماز صبح و سنت آن را با یک اذان و اقامه خواند. سپس به مشعر الحرام رفت و در آنجا ذکر و تکبیر گفت و دعا کرد دستان خود را برای دعا بلند کرد، و فرمود: «وقفت هاهنا وجمع كلها موقف»([[26]](#footnote-26)) «من اینجا استادم اما همه جا محل وقوف هست». پس تمامی مزدلفه محل وقوف حجاج هست، هر حاجی در جای خود می‌ماند و ذکر خدا می‌گوید استغفار می‌کند. و لازم نیست به جایی که رسول الله ج در آنجا ایستاده برود. رسول الله به کسانی که ضعیف و ناتوان هستند این اجازه را داد که در شب از مزدلفه به سوی منی حرکت کنند، این کار ایشان نشان می‌دهد که: افرادی که ناتوان و ضعیف هستند؛ مانند زنان و بیمار وپیرمرد و کسانی که مانند آنها هستند می‌توانند تا نیمه شب در مزدلفه بمانند و بعد از آن به منی بروند تا به این رخصت و اجازه که به آنها داده شده عمل کره باشند و خود را از سختی‌هایی که در شلوغی وجود دارد راحت کرده باشند، حتی آنها اجاز دارند که شب رمی جمرات انجام دهند، همانطور که از ام سلمه و اسماء بنت ابوبکر این کار روایت شده است. اسماء بنت ابوبکرب گفته است که رسول الله به زنان اجازه این کار را داد، و خود رسول الله ج زمانی که هوا کاملا روشن شد ولی هنوز آفتاب بیرون نیامده بود لبیک گویان به سوی منی حرکت کرد، ابتدا به سوی جمره عقبه رفت و هفت سنگریزه پرتاب کرد در هنگام پرتاب هر سنگی الله اکبر می‌گفت بعد از پرتاب سنگریزه، حیوان را ذبح کرد، سپس موهای خود را تراشید، سپس عایشهل به ایشان بوخوشی زدند، سپس به سوی کعبه رفتند و طواف خانه را انجام دادند. در آن روز که به یوم النحر معروف هست بعضی از کسانی که در حج بودند از رسول الله ج پرسیدند که قبل از پرتاب سنگ یا همان رمی جمرات ذبح کرده است، شخصی دیگر پرسید ابتدا موهای خود را تراشیده بعد ذبح کرده است شخصی پرسید اول طواف خانه را انجام داده بعد ذبح کرده است، رسول الله ج به همه آنها فرمود اشکال ندارد و گفت لا حرج، روای حدیث می‌گوید در آنروز رسول الله ج در جواب هر کسی که در مورد تاخیر انداختن و یا مقدم کردن کاری بر کار دیگر سوال کرد فرمود: «افعل ولا حرج»([[27]](#footnote-27))، یعنی انجام بده اشکال ندارد، از این احادیث مشخص می‌شود که سنت است حاجی ابتدا رمی جمره انجام دهد در روز عید، سپس اگر حج تمتع یا قران می‌کند سنت است ذبح کند، و سپس موی خود را بتراشد یا کوتاه کند و تراشیدن مو بهتر است زیرا رسول الله ج سه بار برای کسانی که موهای سر خود را میتراشند دعای مغفرت نمود و برای کسانی که موهای خود را کوتاه می‌کنند یک بار دعای مغفرت نمود، بدینوسیله حاجی وارد مرحله بیرون آمدن از احرام و تحلل اول می‌شود؛ که می‌تواند لباس‌های دوخته شده بپوشد، از عطر و بو خوشی استفاده کند، و تمام کارهایی که در احرام برایش حرام بوده را می‌تواند انجام دهد بجز همبستری و جماع با همسر، برای بیرون آمدن از حالت احرام کامل و حلال شدن انجام همه کارها باید به خانه خدا؛ کعبه برود و در روز عید یا روز بعد از آن، طواف انجام دهد، اگر حجش تمتع هست باید بین صفا و مروه نیز سعی انجام دهد، بدینوسیله حاجی تمام کارهایی که در حالت احرام برایش حرام بوده را می‌تواند انجام دهد حتی همبستری با همسر خود، کسی که به نیت حج افراد یا قران آمده باشد همان سعی بین صفا و مروه که در ابتدا به همراه طواف قدوم انجام داده برایش کفایت می‌کند، اما اگر در زمان طواف قدوم سعی نکرده باشد، واجب هست که در زمان طواف افاضه سعی کند. رسول الله ج دوباره به منی بازگشت و بقیه آنروز را در آنجا باقی ماند، و روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم نیز در آنجا ماند، در روزهای تشریق بعد از زوال خورشید به جمرات سنگریزه میزد، به هر جمره هفت سنگ ریزه پرتاب می‌کرد و در هنگام پرتاب هر سنگریزه تکبیر می‌گفت، بعد از تمام کردن پرتاب سنگ به جمره اولی و دومی دعا می‌کرد، هنگام دعا جمره اول را سمت چپ و جمره دوم را سمت راست خود قرار میداد، اما بعد از فارغ شدن از پرتاب سنگریزه به جمره سوم توقف نمی‌کرد، رسول الله ج در روز سیزدهم بعد از پرتاب سنگریزه به جمرات به منطقه ابطح رفت و در آنجا نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را خواند، سپس آخر شب به مکه رفت و نماز صبح را به همراه مردم در آنجا خواند، قبل از نماز صبح طواف وداع را انجام داد، و بعد از نماز صبح در روز چهاردهم به سوی مدینه منوره حرکت کرد، بهترین درود و سلام خداوند بر او باد.

از این احادیث مشخص می‌شود که؛ سنت است که حاجی همان کاری را که رسول الله ج در روزهایی که در منی بودند و انجام داده آنها هم انجام دهند، بعد از زوال خورشید به جمرات سنگریزه بزنند، هر روز بعد از زوال این کار را انجام دهند، به هر جمره هفت سنگریزه بزنند، در زمان پرتاب تکبیر بگوید، بعد از اتمام پرتاب سنگریزه به جمره اولی توقفی داشته باشد و رو به قبله بایستد و دستان خود را بلند و دعا نماید، جمره اولی را در سمت چپ خود قرار دهد، بعد انتها از پرتاب سنگریزه به جمره دوم نیز بایستد و آن را در سمت راست خود قرار دهد دعا نماید، این کار سنت است و واجب نیست، اما بعد از پرتات سنگریزه به جمره سوم نمی‌ایستد، اگر نتوانست بعد از زوال خورشید و قبل از غروب خورشید رمی انجام دهد، طبق صحیح ترین رای علما در شب، بعد از غروب خورشید رمی جمرات انحام می‌دهد و تا آخر همان شب می‌تواند این کار را انجام دهد، این رحمتی است از جانب الله بر بندگانش و بخاطر راحتی آنهاست، اگر حاجی بخواهد در روز دوازدهم بعد از رمی جمرات عجله نماید و برود اشکال ندارد، اگر کسی بخواهد صبر کند و روز سیزدهم نیز رمی جمرات انجام دهد این کار بهتر است، چون این کار با روشی که رسول الله ج در حج انجام داده موافقت می‌کند.

سنت است که حاجی شبهای یازدهم و دوازدهم را در منی بخوابد، در نزد خیلی از علما خوابیدن در منی در این شب‌ها واجب است، و اگر توانست بیشتر ساعت‌ها در این شب‌ها را آنجا بماند نیز برایش کفایت می‌کند، حاجیانی که مشغولیت‌های دارند و از نظر شرعی عذرشان پذیرفته هست، مانند مسئولین آبرسانی و چوپان‌ها و افرادی نظیر آنها اجازه دارند که شب را در منی نخوابند، شب سیزدهم برای کسانی که فقط دو روز رمی انجام داده‌اند و تا روز سیزدهم صبر نکرده‌اند و از منی قبل از غروب روز دوازدهم رفته‌اند، اجازه هست که شب سیزدهم را نیز آنجا نمانند، اما کسی که روز سیزدهم در منی ماند، شب سیزدهم نیز آنجا می‌ماند و بعد از زوال خورشید رمی جمرات انجام می‌دهد سپس از منی می‌رود، اما بعد از روز سیزدهم رمی و پرتاب سنگریزه به جمراتی وجود ندارد، اگرچه که حاجی در منی مانده باشد.

زمانی که حاجی قصد سفر و بازگشت به شهر خود را دارد واجب است که هفت دور طواف وداع انجام دهد، رسول الله ج فرموده: «لا ينفر أحد منكم حتى يكون آخر عهده بالبيت»([[28]](#footnote-28)) «هیچ کدام از شما از مکه خارج نشود مگر اینکه طواف خانه انجام دهد» مگر زنی که دچار عادت ماهیانه شده یا در حالت نفاس است، طواف وداع بر آنها واجب نیست چون از ابن عباسب روایت است که فرمود: «أمر الناس أن يكون آخر عهدهم بالبيت، إلا أنه خفف عن المرأة الحائض»([[29]](#footnote-29)) «رسول الله دستور داد که آخرین کار آنها طواف وداع باشد، اما این کار را از زنانی که عادت شده‌اند برداشت». زنانی که دچار نفاس شده‌اند نیز مثل زنی که عادت شده می‌باشد. و کسی که طواف افاضه را به تاخیر انداخته و در زمان سفر طواف انجام داد این طوافش جای طواف وداع را نیز می‌گیرد و کفایت می‌کند؛ چون دو حدیثی که قبلا گذشت بر این دلالت می‌کند. از خداوند خواهانم که همه را موفق به انجام کارهایی بگردند که مورد رضایت اوست، و طاعات و عبادات همگی مان را مورد قبول قرار دهد، و ما و شما را جزو آزاد شدگان از آتش جهنم قرار دهد، او قادر و توانست بر آن، وصلی الله علی نبینا محمد وآله وصحبه وسلم([[30]](#footnote-30)).

فصل اول:  
احرام و مواقیت

س1: مواقیت مکانی در کجا قرار دارند؟

ج: مواقیت پنج جا هستند:

اول: ذوالحلیفه؛ میقات اهل مدینه هست، امروزه در نزد مردم به ابیار علی معروف است.

دوم: جحفه؛ میقات اهل شام و کسانی که از آن سو می‌آیند می‌باشد، خرابه‌هایی است از یک روستا بر تپه شهر رابغ، امروزه مردم از شهر رابغ احرام می‌بندند، اگر کسی از رابغ احرام ببندد درست است چون رابغ کمی قبل از ذوالحلیفه قرار دارد.

سوم: قرن المنازل؛ میقات اهل نجد و کسانی که از آن سو می‌آیند است، امروزه به سیل معروف است در نزدیکی شهر طائف.

چهارم: یلملم؛ میقات اهل یمن و کسانی که از آن سو می‌آیند، می‌باشد.

پنجم: ذات عرق، میقات اهل عراق و کسانی که از آن سو می‌آیند می‌باشد.

این میققات‌ها را رسول الله ج برای کسانی که ذکر کردیم مشخص کرده است، کسانی که از آن سو می‌آیند و قصد حج یا عمره را دارند نیز از این میقات‌ها احرام می‌بندند؛ برای کسانی که از این میقات‌ها می‌گذرند و قصد حج یا عمره را دارند واجب است که از این میقات‌ها احرام ببندند، چون اگر شخص قصد حج و عمره را دارد حرام است بر او که از این میقات‌ها بدون احرام بگذرد، فرقی نیز ندارد که از راه زمینی از این میقات‌ها می‌گذرد یا از راه هوایی؛ چون فرموده رسول الله ج زمانی که این میقات‌ها را قرار داد شامل همه می‌شود چون فرمودند: «هنَّ لهن ولمن أتى عليهن من غير أهلهن ممن أراد الحج والعمرة»([[31]](#footnote-31)). «این میقات‌ها برای آنهاست و برای کسانی است که از آنجا می‌گذرند و نیت حج و عمره را دارند». کسی که می‌خواهد با هواپیما به حج یا عمره بیاید باید قبل از سوار شدن خود را آماده کند و غسل بزند کارهای دیگر را نیز انجام دهد، و زمانی که به میقات نزدیک شد، ازار و رداء ببندد و اگر زمان کافی وجود داشت لبیک برای عمره بگوید، اما اگر تاخیر کرده و فرصت عمره نداشته باشد لبیک برای حج بگوید این در زمانی است که وقت حج باشد، اما در وقتی که برای انجام عمره آمده لبیک برای عمره می‌گوید، اگر رداء و ازار خود را قبل از سوار شدن بر هواپیما یا قبل از نزدیک شدن به میقات ببندد هیچ اشکالی در آن وجود ندارد، اما نیت داخل شدن در عبادت حج یا عمره را نمی‌کند و لبیک نمی‌گوید تا اینکه برسد به محاذات و برابری میقات یا نزدیکی آن، بر مسلمان واجب است که از رسول الله ج در امور حج مانند سایر امور دین پیروی کند، چون خداوند رسول الله را الگویی نیکو برای ما قرار داده است، و خود رسول الله نیز فرموده است: «خذوا عني مناسککم»([[32]](#footnote-32)) «مناسک (عبادت) خود را از من یاد بگیرید». اما کسی که به مکه می‌آید و قصد انجام حج یا عمره را ندارد مانند تاجر، نجار و نامه رسان و غیره بر اینها واجب نیست که احرام ببندند، مگر اینکه قصد انجام آن را داشته باشند، حدیث رسول الله ج که قبلا در مورد مواقیت گذشت بر این دلالت می‌کند، چون فرمود: «این میقات‌ها برای آنهاست و برای کسانی است که از آنجا می‌گذرند و نیت حج و عمره را دارند»، از این حدیث فهمیده می‌شود که کسانی که از این میقات‌ها عبور می‌کنند ولی قصد حج یا عمره را ندارند احرام بستن بر آنها واجب نیست. این رحمتی است از جانب خداوند بر بندگانش که بر آنها آسان گرفته است. شکر و سپاس پروردگار را به جای می‌آوریم بخاطر این مهربانی‌اش. چیزی که این حکم را تایید می‌کند عمل خود رسول الله ج است، چون ایشان زمانی که در عام الفتح به مکه آمدند احرام نبستند و حتی بر سر ایشان کلاه خود بود، چون قصد حج و عمره را نداشتند بلکه برای فتح مکه و پاک کردن کعبه از شرک آمده بود.

کسانی که منزلشان جلوتر از این مواقیتی که ذکر شد می‌باشد، مانند مردم ساکن جده و ام اسلم و بحره و شرائع و بدر و مستوره و غیره بر آنها لازم نیست که به مواقیت پنج گانه که گذشت برای احرام بروند، بلکه از داخل خانه خودش احرام می‌بندد، اگر دارای دو خانه هست که یکی در خارج از میقات و دیگری داخل میقات قرار دارد اختیار دست خود شخص است، اگر دوست دارد می‌رود و از میقاتی که نزدیکش است احرام می‌بندد و یا از داخل خانه خودش که جلوتر از میقات هست و به مکه نزدیک‌تر است احرام می‌بندد، چون روایتی که ابن عباسب از رسول الله ج در مورد میقات آورده شامل همه می‌شود: «ومن كان دون ذلك فَمُهَلُّهُ من أهلِه حتى أهل مكة يهلون من مكة»([[33]](#footnote-33)) «کسی که جلوتر از میقات است محل احرامش از خانه‌اش است حتی اهل مکه از خود مکه احرام می‌بندد» بخاری و مسلم این حدیث را روایت کرده‌اند.

س2: حکم پوشیدن لباس احرام قبل از رسیدن به میقات چیست؟

ج: اگر شخص احرام کننده وضو بگیرد یا غسل بزند، و لباس احرام بپوشد اما نیت انجام حج یا عمره را نکند مگر بعد از رسیدن به میقات، اینکار اشکالی ندارد، مهم این است که نیت و لبیک برای حج و عمره را بعد از رسیدن به میقات قرار دهد و وقتی به میقات رسید نیت کند([[34]](#footnote-34)).

س3: حکم استفاده از بو خوشی در لباس احرام قبل از نیت کردن و لبیک گفتن چیست؟

ج: جایز نیست که شخص احرام کننده از بو خوشی در رداء و ازار استفاده کند، اما سنت این است که از بوخوشی در بدن مانند سر و ریش و زیر بغل و اماکن دیگر استفاده کند، اما بوخوشی را در لباس احرام بکار نمی‌برد؛ چون رسول الله ج فرموده: «لا تلبسوا شيئًا من الثياب مسّه الزعفران أو الورس»([[35]](#footnote-35)) «هیچ لباسی که به آن زعفران یا ورس (ماده ای زرد رنگ) رسیده نپوشید». سنت است که به بدن فقط بو خوشی بزند، اما از بوخوشی نباید در لباس استفاده کند، و اگر از بوخوشی در لباس استفاده کرد باید قبل از پوشیدن لباس آن را خوب بشوید و یا از لباس دیگر استفاده کند([[36]](#footnote-36)).

س4: در حالت احرام حکم پوشیدن کفش و دمپایی یا کمربندی که دوخته شده باشد چیست؟

ج: جایز است برای کسی که به حج یا عمره آمده است از کفش یا کمربند استفاده کند، اگرچه که در کارخانه بافته شده باشد([[37]](#footnote-37)).

س5: آیا برای شخصی که می‌خواهد برای عمره یا حج احرام ببندد واجب است که قبل از احرام غسل بزند؟

ج: غسل زدن سنت است، و واجب نیست، اگر بدون غسل ردن احرام ببندد هیچ چیزی بر او نیست و اشکالی ندارد، اما روایت شده است که رسول الله ج زمانی که می‌خواست احرام ببندد غسل زده است، پس غسل زدن بهتر است([[38]](#footnote-38)).

س6: آیا باید لبیک را بر زبان بیاوریم و بگوییم یا فقط نیت کردن کافی است؟

ج: شرط نیست که بر زبان آورد، بلکه کافی است که نیت کند، اما رسول الله بعد از نیت لبیک گفته است که عبارت است از: «لبيك اللهم لبيك، لبيك لا شريك لك لبيك، إن الحمد والنعمة لك والملك، لا شريك لك» این لبیک از رسول اللهج در صحیح بخاری و مسلم و کتابهای دگیر روایت شده است([[39]](#footnote-39)).

س7: آیا خواندن دو رکعت نماز قبل از بستن احرام واجب است؟

ج: خواندن نماز قبل از احرام جزو شرط‌های قبولی و صحیح بودن احرام نیست بلکه نزد بیشتر علما این کار مستحب است، و کارهایی که بعد از بستن احرام آمده این است که با قلبش نیت حج یا عمره نماید، و بر زبان نیز جاری کند و بگوید: «اللهم لبيك عمرة» یعنی پروردگارا دعوتت برای عمره را لبیک گفتم یا «اللهم لبيك حجة» یعنی پروردگارا دعوتت برای حج را لبیک گفتم یا برای حج و عمره نیت می‌کند اگر نیت حج قران می‌کند، همانگونه که رسول الله ج و صحابه ش انجام داده‌اند([[40]](#footnote-40)).

س8: آیا اجاز هست که لباس احرام را برای شستشو عوض کنیم؟

ج: هیچ اشکالی ندارد شخص محرم لباس احرام را بشوید و اشکال ندارد که آن را عوض کند و لباس جدید دیگری بپوشد یا لباس شسته شده را بپوشد([[41]](#footnote-41)).

س9: من اهل کشور سودان و در یمن مشغول به کار هستم، وقتی که برای حج آمدم قصد کردم که قبل از وارد شدن به مناسک حج ابتدا به زیارت مسجد النبی در مدینه بروم، زمانی که از میقات اهل یمن در یلملم عبور کردم احرام نبستم، چون قصد رفتن به مدینه را داشتم، وقتی که زیارت مسجد النبی را در مدینه انجام دادم به میقات اهل مدینه در ذو الحلیفه -آبار علی- رفتم، آنهم قبل از روز ترویه و در آنجا نیت حج کردم و احرام بستم؛ آیا بر من بخاطر عبورم از میقات اهل یمن و احرام بستن در میقات اهل مدینه چیزی واجب هست؟

ج: بر تو بخاطر عبور کردن از میقات اهل یمن بدون احرام چیزی واجب نیست، چون زمانی که از میقات گذشته‌ای قصد انجام حج را نداشته‌ای بلکه می‌خواستی که به مدینه منوره سفر کنی، و زمانی که از مدینه به قصد انجام حج خارج شدی در میقات اهل مدینه که ذوالحلیفه باشد احرام بسته‌ای، رسول الله ج درباره میقات‌ها فرمود: «این میقات‌ها برای مردم آنجا و کسانی که ساکن آنجا نیستند و از آنطرف عبور می‌کنند و نیت حج یا عمره را دارند می‌باشد»([[42]](#footnote-42))([[43]](#footnote-43)).

س10: آیا شحص محرم اجازه دارد کفشی را بپوشد که از پشت پا قفل دارد و از جلو در قسمت انگشتان باز است؟

ج: پوشیدن این نوع کفش برای شخص محرم جایز است؛ چون از جنس دمپایی می‌باشد([[44]](#footnote-44)).

س11: اگر شخص احرام کننده قبل از اینکه نیت کند بوخوشی به لباس احرام زده باشد، آیا می‌تواند این لباس را بعد از نیت کردن بپوشد؟

ج: اگر نیت کرد باید این لباسی که در آن از بوخوشی استفاده کرده را بیرون بیاورد، و آن را بعد از شستن و رفتن بو از آن بپوشد، در صحیحین از یعلی بن امیه روای است که فرمود: «در جعرانه شخصی نزد رسول الله ج آمد و چند تکه پارچه بر تن داشت -یعنی جبه- که با زیور زینت شده بود گفت من احرام عمره بسته اما این لباس برتنم هست که بوخوشی زده‌ام، رسول الله ج فرمود: اگر برای حج احرام بسته بودی چکار می‌کردی؟ جواب داد: این لباس را از تنم بیرون می‌آوردم و این بو خوشی را می‌شستم، رسول الله ج فرمود: هر کاری که در پوشیدن لباس احرام برای حج انجام می‌دهی برای احرام عمره نیز انجام بده»([[45]](#footnote-45)) و در دو کتاب صحیحین روایت شده است که از رسول الله ج سئل عما يلبس المحرم فقال: «لا يلبس القميص ولا العمامة ولا السراويل ولا ثوبًا مسه ورس ولا زعفران»([[46]](#footnote-46)) الحديث([[47]](#footnote-47)). «پرسیده شد شخص احرام کننده چه می‌پوشد، فرمود: قمیص و عمامه و شلوار نمی‌پوشد لباسی که به آن رنگ زرد ورس و زعفران زده شده نمی‌پوشد».

فصل دوم:  
سوال‌های عمومی در حج و عمره

س1: در چه کارهایی از مراسم حج می‌توان جانشین تعیین کرد یا کسی دیگر را وکیل کرد، و چه زمانی می‌توان بجای کسی دیگر حج انجام داد؟

ج: جایز است که بجای شخص مسلمانی که وفات کرده است حج و عمره را انجام داد، همچنین شخص مسلمانی که خودش از ادای آن ناتوان هست بخاطر پیری یا مریضی که امید بهبودی آن نیست، میتوان به جایش حج و عمره انجام داد، و شخص ضعیفی که توان رمی جمرات را ندارد نیز می‌تواند به جای خود جانشین مشخص کند، مانند کودک و مریض و بزرگسال، ولی جانشین و نایب باید از کسانی باشد که خودش در حال انجام حج هست و خودش رمی جمرات انجام داده باشد([[48]](#footnote-48)).

س2: آیا در حال انجام طواف اضطباع سنت است، کسی که آن را فراموش کرد چیزی بر او واجب است یا نه، و آیا برای شروع طواف بوسیدن حجر الاسود کافی است یا باید بگوییم بسم الله الله اکبر؟ گر کسی این جمله را فراموش کند که بگوید و فقط حجزالاسود را ببوسید اما بعد از دور شدن از حجرالاسود و در حال رفتن به سوی مقام ابراهیمی بیاد آورد و آن را بگوید آیا چیزی بر او هست؟

ج: اضطباع یعنی اینکه شخص محرم وسط ردایش را از زیر بغل سمت راست خود عبور دهد و دو طرف آن را بر دوش چپ بیاندازد، دوش و بازوی راستش بیرون و نمایان می‌شود، این کار در طواف اول زمانی که وارد مکه می‌شود و طواف می‌کند سنت است، برای کسی که به حج تمتع آمده است در همان طواف عمره این کار را انجام می‌دهد، و شخصی که به نیت حج قران یا افراد آمده در همان طواف قدوم می‌باشد، اما اگر کسی این کار را انجام ندهد هیچ چیزی بر او واجب نیست و کسی که در ابتدای طواف تکبیر گفتن و بسم الله را فراموش کند چیزی بر او واجب نیست، چون تکبیر و ذکر و دعا در طواف و سعی سنت است و واجب نیست واجب این است که در ابتدای با نیت طواف کند و با نیت سعی انجام دهد([[49]](#footnote-49)).

س3: شخصی پرسیده: خیلی زیاد دیده می‌شود که در حین طواف یا سعی یا در حال انجام مشاعر به صورت دسته جمعی و گروهی دعا می‌کنند؛ آیا اینکار اصل شرعی دارد، آیا کسی که دعا کردن بلد نیست عذرش پذیرفته است؟

ج: دعا به صورت گروهی اصل شرعی ندارد، چون هیچ روایتی در این زمینه نیامده است، و کسانی که عذر می‌آورند که چون دعا بلد نیستند دسته جمعی دعا می‌کنند این عذر در طواف قابل قبول نیست، زیرا در حال طواف کردن دعای مخصوصی ذکر نشده است، و بنده دعاهایی که خیر دنیا و آخرتش در آن قرار دارد را می‌خواند، اگر شخص هیچ دعایی بلد نیست می‌تواند بگوید: «اللهم إني أسالك الجنة وأعوذ بك من النار»، پروردگارا من از تو بهشت می‌خواهم و از آتش جهنم به تو پناه می‌برم، چون رسول الله ج از مردی سوال کرد: در نماز چه می‌گویی؟ آن مرد گفت: شهادتین می‌گویم و می‌گویم: «اللهم إني أسألك الجنة وأعوذ بك من النار»، و گفت من وردهایی که تو و معاذ می‌خواندید را بلد نیستم، رسول الله ج فرمود: ما نیز چیزی همانند این دعا می‌خوانیم([[50]](#footnote-50)). این امور را همه مسلمان‌ها بلد هستند، خداوند سبحانه و تعالی بر بندگانش چیزی را که در توانشان نیست مکلف نکرده است، واجب است که از دستورات دین پیروی و پیامبر را الگوی خود قرار دهیم، مهم این نیست که زیاد دعا بکنیم و دعا طولانی یا کلماتش زیبا باشد، بلکه مهم این است که با گفتار و کردار به فکر اصلاح درون خود باشیم، و با سنت مطابقت داشته باشد([[51]](#footnote-51)).

س4: آیا این دعا که در طواف حج و عمره خوانده می‌شود صحیح هست: «أخرجني من الظلمات إلى النور» و آیا در حین طواف و سعی دعاهای مخصوصی که در بعضی از کتاب‌ها آمده و حاجی و عمره گذار آن را می‌خواند وجود دارد، یا اینکه دعاهایی که در آیات و احادیث صحیح آمده را بدون مشخص کردن آن در جایی مخصوص بخوانیم بهتر است؟

ج: کسی که در حال طواف و سعی می‌باشد آن دعاهایی که در اذکار دینی آمده و همچنین دعاهای دیگری که خوب هست و از نظر دینی ممنوع نیست بخواند، اما دعای خاص و مشخصی ذکر نشده است، فقط مستحب است که در پایان هر دور از هفت دور طواف دعای معروف: ﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ٢٠١﴾ [البقرة: 201]. را بین دو رکن یمانی و حجرالاسود بخواند، چون از رسول الله ج روایت شده است. همانطور که تکبیر گفتن و بوسیدن حجرالاسود ذکر شده است، وقتی که از حجرالاسود دور است نیز به آن اشاره می‌کند و سلام می‌دهد، و طواف‌کننده وقتی که به رکن یمانی سلام می‌دهد می‌گوید: «بسم الله والله أكبر».

در صفا و مروه حاجی می‌تواند تمامی دعاهایی که از رسول الله ج روایت شده را بخواند و دستان خود را برای دعا بلند و رو به قبله دعا می کند، در شروع سعی، این آیه را می‌خواند: ﴿۞إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ﴾ [البقرة: 158]. همانگونه که رسول الله انجام داده و فرموده: ﴿۞إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ﴾ [البقرة: 158]. شروع می‌کنیم با آنچه که خداوند شروع کرده است([[52]](#footnote-52)).

س5: آیا درست است که حاجی یا عمره گذار در اثناء طواف وارد حجر اسماعیل شود؟

ج: برای کسی که مشغول طواف حج یا عمره یا حتی طواف سنت است جایز نیست که در اثناء طواف وارد حجر اسماعیل شود، و اگر این کار را انجام دهد دورش ناقص است، چون خداوند سبحانه و تعالی فرموده: ﴿وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ ٢٩﴾ [الحج: 29]. «و به گرد خانه کهن (کعبه) طواف کنید» و امام مسلم و دیگران از عایشهل روایت کرده‌اند که فرمود: «درباره‌ی حجر اسماعیل از رسول الله ج پرسیدم، جواب داد: آن جزو خانه خداست»([[53]](#footnote-53)). در روایتی دیگر عایشهل فرمود: «گفتم من نذر کرده‌ام که در خانه خدا نماز بخوانم، رسول الله فرمود: در حجر اسماعیل نماز بخوان چون جزو خانه خداست»([[54]](#footnote-54))([[55]](#footnote-55)).

س6: حکم مسح و مالیدن دست به دیوار کعبه و پارچه دور کعبه و مقام ابراهیم و حجرالاسود چیست؟

ج: این کارها بدعت است، جایز نیست، چون رسول الله ج این کارها را انجام نداده است، و فرموده: «من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو رد»([[56]](#footnote-56)) «کسی که کاری انجام دهد که دستور ما به انجام آن کار نیست، آن کار باطل است» و فرمود: «من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد»([[57]](#footnote-57)) «کسی که در امور دینی کاری انجام دهد که ما به آن دستور نداده‌ایم آن کار باطل و مردود هست» و فرموده: «إياكم ومحدثات الأمور، فإن كل محدثة بدعة، وكل بدعة ضلالة»([[58]](#footnote-58)) «شما را برحذر می‌دهم از نو آوری در دین، چون هر نو آوری بدعت و هر بدعتی گمراهی هست». اگر هدف شخص از مسح و دست زدن این است که با دست زدن به دیوار و پارچه برکت را از خود این پارچه و دیوار بدست می‌آورد این کارش شرک اکبر است، و اگر هدفش این است که این پارچه و دیوار مبارک است و خداوند جایز دانسته که دیوار پارچه را ببوسیم، این کارش بدعت است، از خداوند، سالم ماندن از بدعت را خواهانیم، چیزی که دین آن را قرار داده این است که حجر الاسود را ببوسیم و به آن سلام کنیم، این سنت است و رسول الله ج آن را انجام داده همچنین رکن یمانی نیز با دستش به آن سلام می‌کند و می‌گوید: بسم الله الله اکبر، اما رکن یمانی را نمی‌بوسد، وقتی که حضرت عمر حجر الاسود را بوسید فرمود: «من می‌دانم که تو سنگی هستی که هیچ ضرر و نفعی نمی‌رسانی، اگر ندیده بودم که رسول الله ج تو را بوسیده بود، تو را نمی‌بوسیدم»([[59]](#footnote-59)). ما بلکه به خاطر پیروی از رسول الله ج آن را می‌بوسیم، بخاطر اطاعت از ایشان و عمل به سنتش این کار را می‌کنیم رسول اللهج فرمود: «خذوا عني مناسككم»([[60]](#footnote-60)) «مناسک حجتان را از من یاد بگیرید» و فرموده: «صلوا كما رأيتموني أصلي»([[61]](#footnote-61)) «همانطور که دیدید من نماز می‌خوانم شما نماز بخوانید». ما همانگونه که رسول الله نماز خوانده نماز می‌خوانیم حج انجام می‌دهیم، به مقام ابراهیم دست نمی‌زنیم و آن را مسح نمی‌کنیم، به دیورا دست نمی‌زنیم، به میله‌ها و به پارچه دست نمی‌زنیم، چون این کارها هیج اصل و اساسی ندارد و بدعت است، اما در قسمت منطقه ملتزم، اینکه خود شخص در قسمت ملتزم بایستد این خودش عبادت است، صورت خود و سینه‌اش را به سوی ملتزم بین رکن و در کعبه قرار می‌دهد، این کار بخاطر تبرک جستن نیست بلکه بخاطر خاشع شدن در مقابل الله در کنار در کعبه است، همچنین در داخل کعبه اگر در اطراف آن طواف کرد و در اطرافش تکبیر گفت یا بین ملتزم ایستاد سینه و دستانش را بر آن قرار می‌دهد و همانطور که رسول الله دعا کرده دعا می‌کند، این کارها اشکالی ندارد، و عبادت است و به خاطر نزدیک شدن و تقرب به خداوند جل و علا می‌باشد([[62]](#footnote-62)).

س7: امسال مناسک عمره را انجام داده‌ام، اما در مورد کوتاه کردن موی سر دچا شک شده‌ام، من از بعضی از اشخاص شنیده‌ام که جایز نیست فقط موی یک قسمت از سر را کوتاه کرد، همچنین جایز نیست از چند قسمت مو را کوتاه کرد مثل قسمت راست و قسمت چپ سر، این حرف باعث شد که من از مسجد بیرون بیایم، در این اثنا باز دچار شک شدم چون لباس احرام را قبل از کوتاه کردن کامل سر بیرون آوردم و لباس دوخته شده را پوشیدم، حکم این کار چیست؟

ج: اگر ماجرا همانطور که گفته‌ای باشد تو با کوتاه کردن موی سر از نظر شرعی از احرام بیرون آمده‌ای، چون واجب است که همه قسمت‌های موی سر را کوتاه کرد، اینکه نمی‌دانستی و لباس عادی پوشیده‌ای اشکالی ندارد چون تو موی سر خود را کوتاه کرده‌ای([[63]](#footnote-63)).

س8: منظور از بیرون آمدن از حالت احرام اول و دوم یا تحلل اول و تحلل دوم چیست؟

ج: منظور از بیرون آمدن از احرام اول این است که دو کار از سه کار را انجام داده باشد؛ اگر رمی جمرات انجام دهد و موی سر را تراشید یا کوتاه کرد، یا رمی جمرات و طواف و سعی انجام دهد اگر سعی بر او واجب باشد، یا طواف و سعی و موی خود را تراشید یا کوتاه کرد، در این حالت از احرام اول بیرون آمده که به تحلل اول معروف است، اگر هر سه کار را انجام دهد: 1- رمی جمرات و 2- طواف و سعی اگر سعی براو واجب باشد 3- و موی سر خود را تراشید یا کوتاه کرد، در اینصورت از حالت احرام دوم یعنی تحلل دوم نیز بیرون آمده، اگر فقط دو کار را انجام داد لباس دوخته شده را می‌تواند بپوشد و از بو خوشی استفاده کند، و هر چیزی که در حالت احرام بر او حرام بوده برایش حلال می‌شود بجز جماع که برایش حلال نمی‌شود اما اگر هر سه کار را انجام داد جماع نیز برایش حلال می‌شود کاملا از حالت احرام بیرون می‌آید.

بعضی از علما نظرشان این است که اگر حاجی در روز عید رمی جمرات انجام دهد، حالت بیرون آمدن از احرام اول یا تحلل اول برایش صورت گرفته است، که این رای و نظر خوبی است، اگر کسی این رای را بگیرد و به آن عمل کند، ان شاء الله که هیچ مشکلی ندارد، اما احتیاط این است که کار دوم را نیز انجام دهد یعنی موی سر را بتراشد یا کوتاه کند و یا طواف انجام دهد و اگر سعی نیز بر او واجب است سعی انجام دهد، بخاطر عمل به حدیثی که از عایشهل روایت شده -اگر چه که در سند آن نظر هست- که رسول الله ج فرمود: «إذا رميتُم وحلقتُم فقد حَلّ لكم الطيب وكل شيء إلا النساء»([[64]](#footnote-64)) «اگر رمی جمرات انجام دادید و موی سر را تراشیدید حلال است برای شما که از بو خوشی استفاده کنید و کارهای دیگر انجام دهید بجز نزدیکی با همسر». و بخاطر عمل به احادیث دیگر که در این ضمینه آمده است، و چونکه رسول الله ج «زمانی که رمی جمرات روز عید را انجام داد و قربانی را ذبح کرد، و موی سر خود را تراشید عایشهل به او بو خوشی زد»([[65]](#footnote-65)). از ظاهر این روایت مشخص می‌شود که ایشان از بو خوشی استفاده نکرده مگر بعد از رمی جمرات و ذبح و تراشیدن موی خود. پس بهتر و احتیاط این است که از تحلل اول بعد از رمی جمرات و تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر بیرون بیاید، اگر توانست که بعد از رمی جمرات و قبل از تراشیدن مو، قربانی خود را ذبح کند بهتراست، چون به این وسیله بین همه احادیث را جمع کرده است([[66]](#footnote-66)).

س9: مادرم نزدیک به سی سال قبل حج کرده است، اما در آن حجی که انجام داد از روی عدم آگاهی بعضی از کارها را انجام داد که ممنوع است، از جمله آن کارها این بود که بعضی از درخت‌های کوچکی که در اطراف خیمه بود را قطع کرده و بعضی از زنها که آنجا بودند او را از این کار منع کرده و گفتند که حج را باطل می‌کند، حکم این کارش چه بوده؟ بعد از آن وقتی که به صحرای عرفات رفت جبل الرحمه را مشاهده کرد و آن علامتی را که بر بالای کوه نصب کرده را دیده گمان کرده که علامت شیطان است چندین بار آن را لعن کرده و در هنگام رمی جمرات چون بسیار شلوغ بوده همه سنگ‌ها را یک دفعه و با هم پرت کرده است، اما نمی‌داند که آیا این سنگ‌ها به داخل حوض افتاده است یا نه همه این کارها را از روی نا آگاهی و معلومات کمی که داشته انجام داده است، به خاطر همین چند سال بعد دوباره حج انجام داده است، چون می‌ترسیده که حجش قبول نباشد، آیا آن حج اولی صحیح بوده؟

ج: حج مادرت ان شاء الله صحیح هست، به خاطر قطع درخت چیزی بر او نیست چون از حکمش با خبر نبوده، اما در مورد پرتاب سنگ‌ها که با هم و یکدفعه پرتاب کرده، این کارش کافی نیست، و رمی جمرات ناقص انجام داده و باید در مکه یک گوسفند ذبح کند و بین فقرای حرام توزیع نماید یا از آن خودش بخورد، اما اگر از نظر مالی توان ذبح گوسفند را ندارد، باید ده روز روزه بگیرد([[67]](#footnote-67)).

س10: یکی از حاجیان در روز دوازدهم ابتدا طواف وداع انجام داده و سپس به منی رفته و رمی جمرات انجام داده است آیا طوافش صحیح هست، چون قبل از رمی طواف انجام داده است، چه چیزی بر این شخص واجب است، این شخص ساکن شهر جده است؟

ج: اگر کسی قبل از رمی جمرات طواف وداع انجام داده باشد این کارش درست نیست، چون طواف وداع باید آخرین کار حج باشد، و چونکه بعد از رمی جمرات طواف وداع را دوباره انجام نداده و سفر کرده باید فدیه دهد که یک حیوان را قربانی کند و در بین فقیران اهل مکه توزیع نماید، اما نباید از گوشت آن چیزی بخورد و باید حیوان‌هایی که برای قربانی ذبح می‌شود را ذبح کند، اما اگر توان مالی را ندارد باید ده روز روزه بگیرد([[68]](#footnote-68)).

س11: یکی از خویشاوندانم سال گذشته فریضه حج انجام داده است، برای رمی جمرات شخصی دیگری را وکیل قرار داده است، اما شخصی که وکیل پرتاب سنگریزه شده بود در روز دوم و سوم رمی جمرات انجام نداده است، نظر شما در این مورد چیست؟

ج: اصل براین است که حاجی خودش مناسک حج را انجام دهد، و اجازه ندارد کسی را وکیل انجام رمی جمرات قرار دهد، مگر اینکه خودش توانایی انجام پرتاب رمی را نداشته باشد، اگر شخصی در حالی که خودش توانایی رمی جمرات را دارد اما با این وجود کسی دیگر را وکیل قرار دهد این شخص گنهکار است، و رمی جمرات که برایش واجب است از او ساقط نشده است، اما اگر شخص حاجی خودش توانایی انجام آن را ندارد اجاز دارد که کسی را به جای خودش وکیل قرار دهد، شخصی که وکیل شده باید آن کار را به روش شرعی و به شکل صحیح انجام دهد، و چونکه همانطور که در سوال ذکر کرده‌ای شخص وکیل آن کار را انجام نداده است گنهکار است و کسی که او را وکیل قرار داده بخاطر ترک کردن آن کار خون دهد و قربانی نماید، حیوانی را قربانی نماید و بین فقرای مکه توزیع کند([[69]](#footnote-69)).

س12: اگر حاجی در خارج از حدود عرفات -اما نزدیک به آن- بایستد تا اینکه خورشید غروب نماید حکم حجش چگونه است؟

ج: اگر حاجی در زمان وقوف در عرفات در منطقه عرفات نایستد حجش درست نیست، چون رسول الله ج فرمودند: «الحج عرفة»([[70]](#footnote-70)) «حج ایستادن درعرفات است» اگر کسی توانست شب را قبل از طلوع خورشید در عرفه بماند باز هم حجش درست است، زمان ایستادن در صحرای عرفه بعد از زوال خورشید در روز عرفات تا طلوع خورشید روز نحر و قربانی می‌باشد، اهل علم بر این امر اتفاق دارند، اما در مورد ایستادن در عرفه قبل از زوال خورشید مورد اختلاف علماست بیشتر علما می‌گویند که ایستادن در عرفه قبل از زوال خورشید کفایت نمی‌کند، یعنی اگر بعد از زوال و یا شب در عرفه نماند کفایت نمی‌کند، اما اگر کسی ظهر بعد از زوال و یا شب ایستاد کفایت می‌کند؛ بهتر است که از ظهر بعد از نماز ظهر و عصر که جمع تقدیم خوانده می‌شود تا غروب خورشید در آنجا بماند، کسی که از ظهر در عرفات ایستاده نباید تا قبل از غروب خورشید از عرفه بیرون بیاید و اگر این کار را انجام داد، نزد بیشتر علما بر او خون واجب است، چون یک کار واجبی را ترک کرده است، بدینصورت کسی که ظهر در عرفات ایستاده توانسته است بین شب و روز را با هم جمع نماید([[71]](#footnote-71)).

س13: در روز عرفه، قبل از غروب خورشید، سوار قطار شدیم، قبل از غروب خورشید قطار از عرفات حرکت کرد و به منی رفته و از آنجا به مزدلفه رفته و در آنجا ماندیم، چه چیزی بر گردن ماست که باید انجام دهیم بخاطر اینکه بدون اراده خودمان قبل از غروب خورشید ازعرفات بیرون آمدیم؟

ج: اولا: بیرون آمدن از عرفات باید بعد از غروب خورشید باشد، تا هم قسمتی روز و قسمتی از شب را در عرفات مانده باشید، کسی که قبل از غروب بیرون برود خون بر او واجب است، اگر راننده قطار نیز حاجی است باید خون بدهد و مسافران نیز باید خون بدهند؛ چون نباید قبل از غروب خورشید، قطار حرکت می‌کرد([[72]](#footnote-72)).

س14: من در موسم حج راننده ماشین هستم، نتوانستم از عرفات بیرون بیایم مگر بعد از ساعت دو شب، من و دوستانم به مزدلفه رفتیم و نماز مغرب و عشاء را در آنجا ادا کردیم، دوستانم را در مزدلفه در ساعت چهار به وقت غروبی تنها گذاشتم و خودم با ماشین که وسایل و لوازم حاجی‌ها در آن بود به منی رفتم، و قصدم این بود که برای شب ماندن دوباره به مزدلفه باز گردم، ولی در بین راه در ترافیک گیر افتادم، حتی چند مسیر را جابجا کردم و میخواستم بازگردم و وارد شهر مکه شدم تا از آنجا به منی بازگشتم اما چون ترافیک بود پلیس از ورود من جلوگیری کرد، ساعت هشت توانستم به مزدلفه برسم، و در قسمتی که اسفالت نیست (در مزدلفه) ماندم و در ایام تشریق نیز در مزدلفه بودم و فقط برای رمی جمرات به منی می‌رفتم، بعضی از همراهانم شب را در منی می‌ماندند و بعضی دیگر نزد من در خیمه مزدلفه می‌ماندند، نظر شما در این باره چیست، و حکم کار من اگر خورشید روز دوم غروب کند و من هنوز در خیمه‌ام در مزدلفه باشم اگر عجله نکنم چیست؟ آیا روز سوم نیز باید رمی جمرات انجام دهم؟

ج: اولا: اگر ماجرا همانطور که تعریف کرده‌ای باشد که سعی کرده‌ای به منی وارد شوی اما نتوانستی و در ایام تشریق در مزدلفه مانده‌ای چون جایی برای خود در منی پیدا نکرده‌ای همانطور که در سوالت ذکر کرده‌ای، به خاطر خارج شدن از مزدلفه هیچ چیزی بر تو نیست چون صبح دوباره به آنجا باز گشته‌ای، و تو و کسانی که همراهت بوده‌اند نیز بخاطر اینکه در منی جایی پیدا نکرده‌اید و در ایام تشریق در مزدلفه مانده‌ای چیزی بر شما نیست چون خداوند فرموده است: ﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ﴾ [البقرة: 286]. «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نکرده است»، وقوله: ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖۚ﴾ [الحج:78]. «و در دین برای شما هیچ سختی قرار نداد».

ثانیا: اگر تو در مزدلفه باشی و خورشید روز دوازدهم غروب کند، خوابیدن در منی و رمی روز جمراتِ روز بعد بر تو واجب نیست، چون تو در خارج از منی بوده‌ای([[73]](#footnote-73)).

س 15: وقت رمی جمرات در سه روز ایام تشریق از کی شروع می‌شود و چه وقت پایان می‌یابد؟ آیا حاجی اجازه دارد که شب رمی جمرات انجام دهد، بخصوص در این دوران که خیلی شلوغ شده و سختی و مشقت فراونی وجود دارد برای رمی جمرات در روز؟

ج: وقت رمی جمرات در روزهای تشریق از زوال خورشید آغاز می‌شود و هنگام غروب خورشید پایان می‌یابد؛ در صحیح مسلم حدیثی از جابر روایت شده که فرمود: «رسول الله ج در روز نحر و قربانی در وقت ضحی رمی جمرات انجام داد، اما در روزهای دیگر بعد از زوال خورشید رمی جمرات انجام دادند»([[74]](#footnote-74))([[75]](#footnote-75)). و بخاری از ابن عمرب روایت کرده است که: «ما صبر می‌کردیم زمانی که خورشید به زوال می‌رسید رمی جمرات می‌نمودیم»([[76]](#footnote-76)). جمهور علما نیز این رای و نظرشان می‌باشد، اما اگر مجبور شد که شب رمی جمرات انجام دهد اشکالی وجود ندارد، گر چه که احتیاط این است که کسی که می‌تواند قبل از غروب رمی انجام دهد تا به سنت نیز عمل کرده باشد و از مساله‌ای که مورد اختلاف است بیرون آمده باشد([[77]](#footnote-77)).

س16: حکم شب ماندن خارج از منی در ایام تشریق چیست، چه به عمد این کار را کرده باشد یا به خاطر نیافتن مکان؟

ج: قول صحیح این است که شب ماندن در منی در شب‌های یازدهم و دوازهم واجب است، این حکم را علمای محقق بر مرد و زن حج گذار واجب قرار داده‌اند، اگر جایی را برای ماندن نیافتن این حکم از آنها ساقط می‌شود و چیزی بر آنها واجب نیست، اما اگر بدون هیچ عذری آن را ترک کند باید خون بدهد([[78]](#footnote-78)).

س17: کدام یک بهتر است؛ ذبح نزد شرکت‌ها یا خودم حیوان را ذبح کنم و گوشت آن را توزیع کنم؟

ج: اگر کسی قیمت قربانی را به شرکت‌هایی مانند شرکت راجحی یا بانک اسلامی پرداخت کند اشکالی ندارد، چون هیچ مانعی وجود ندارد که قیمت قربانی و حیوانی را که می‌خواهد ذبح کند به شرکت‌ها پرداخت کند؛ چون آنها وکیل‌هایی هستند که ورد اعتماد هستند و تلاش خود را به کار میبرند، از خداوند می‌خواهیم که به آنها فایده برساند و یاورشان باشد؛ اما اگر کسی خودش حیوان را قربانی نماید و بین فقرا توزیع کند بهتر است و به احتیاط نزدیکتر است، چون رسول الله ج خودش با دستانش حیوان قربانی را ذبح کرد در حیوان‌هایی که برای هدی آورده بود نیز همین کار را کرد و در بقیه حیوان‌ها وکالت داد([[79]](#footnote-79)).

س18: نظر شما در مورد ازدحامی که در زمان بوسیدن حجرالاسود بین زنان و مردان رخ می‌دهد چیست؟

ج: بوسیدن حجر الاسود در ابتدای هر دور سنت است اما شخص مسلمان باید حالت و اوضاع را مراعات نماید، اگر اطراف حجرالاسود ازدحام بود و نمی‌توانست به حجرالاسود نزدیک شود مگر با رد شدن از ازدحام و هل دادن مردم باید بوسیدن را ترک کند و با دست آن را مسح کند یا با چیزی که با اوست و چیزی که با آن حجرالاسود را لمس و مسح کرده می‌بوسد، اگر باز نتوانست این کار را انجام دهد، به آن اشاره می‌کند، این کار سنت است و رسول الله ج همه این امور را انجام داده است، این یک راحتی و رحمتی است بر این امت. اگر علاوه بر اینکه دور و بر حجرالاسود شلوغ بود زنان نیز بودند مساله مهم تر است اگرچه که بخواهد حجر الاسود را ببوسد باید که کناره گیری کند. شایسته است که به زنان یاد داد که با مردها در شلوغی قاطی نشوند و با آنها مختلط نشوند، چونکه این کار سبب فتنه می‌شنود؛ در حالی که آنها در پاکترین و بهترین مکان قراردارند، واجب این است که پوشش خود را حفظ کنند و از مردها دوری کنند و ایجاد مزاحمت نکنند،اگر مکانی برای زنها قرار داده شد یا وقت خاصی مشخص شد که زنها بروند حجرالاسود را ببوسند در این صورت اشکال ندارد که ببوسند،الحمدلله سنت در این مورد آسانی وراحتی قرار داده است، چون چندین حالت را قرار داده است؛ یا بوسیدن حجرالاسود یا لمس و مسح آن با دست یا چیزی دیگر و بوسییدن آن چیز و یا هم اشاره کردن به آن از دور وقتی که روبروی آن قرار گرفت([[80]](#footnote-80)). والله اعلم.

س19: اگر شخصی طواف یا سعی خود را شروع کرده باشد و در هین اثناء اقامه نماز شود برای ادای نماز با جماعت توقف نماید، آیا باید طواف یا سعی خود را از همان جایی که توقف کرده شروع کند یا اینکه دور خود را از ابتدا شروع کند؟

ج: اگر تو در حال طواف باشی و اقامه نماز شد و تو نماز خواندی، بعد از تمام شدن نماز تو دور خود را از همانجایی که توقف کرده‌ای شروع می‌کنی، آن دورهایی که قبل از نماز انجام داده بودی درست است و کفایت می‌کند([[81]](#footnote-81)).

س20: شخصی امسال حج قران انجام داد، و بعد از طواف قدوم از حرم خارج شده و به خانه‌اش رفت و به امور خانواده رسیدگی کرد، سپس به حرم بازگشته و سعی انجام داد، آیا این فاصله که بین طواف و سعی به وجود آورده بر حجش اثری دارد؟

ج: باید طواف و سعی را پشت سر هم انجام داد و اگر فاصله کم باشد به اذن الله اشکالی ندارد، اما اگر فاصله بین این دو زیاد باشد که برود به خارج از حرم و فاصله بین طواف و سعی را طولانی و زیاد کند، طواف را دوباره از نو انجام می‌دهد، والله اعلم([[82]](#footnote-82)).

س21: حکم خواندن سوره فاتحه بر سر قبر رسول الله ج چیست؟ چون زمانی که شخصی می‌خواهد به حج بیاید خیلی از مردم به او می‌گویند به جای من بر قبر رسول الله ج فاتحه بخوان؟

ج: این کار یک بدعتی است که هیچ اصل و اساسی ندارد، قرآن برای خواندن بر سر قبرها نیست، بلکه در مساجد و در خانه‌ها و در راه باید تلاوت شود، رسول اللهج فرموده: «اجعلوا في بيوتكم من صلاتكم، ولا تتخذوها قبورًا»([[83]](#footnote-83)) «قسمتی از نمازتان (سنت) را در خانه‌هایتان بخوانید و خانه را به قبرستان تبدیل نکنید». و فرموده: «لا تجعلوا بيوتكم مقابر فإن الشيطان يفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة»([[84]](#footnote-84)) «خانه‌های خود را مانند قبرستان نکنید، چون شیطان از خانه‌ای که در آن سوره بقره تلاوت می‌شود گریزان است» این احادیث بر این دلالت می‌کند که قبرستان محل قرآن خواندن مردم نیست، بلکه آن را زیارت می‌کنند و بر مرده‌ها سلام داده می‌شود و دعای مغفرت و رحمت باید برایشان کرد، سپس بازگشت، این کارها سنت است، رسول الله ج به قبرستان بقیع می‌رفت بر مرده‌ها سلام می‌داد و باز می‌گشت، صحابه نیز به همین صورت انجام می‌دادند به زیارت قبرها می‌رفتند و سلام می‌دادند برای آنها دعا می‌کردند و باز می‌گشتند، سنت بدینصورت است، اما خواندن فاتحه نزد قبر رسول الله ج و نشستن و دعا کردن به این امید که دعا سر قبرشان زودتر مستجاب می‌شود این هیچ پایه و اساسی ندارد، و از بدعت‌هایی است که مردم به وجود آورده‌اند([[85]](#footnote-85)).

س22: به جای کسی دیگر حج افراد انجام دادم، اما وقتی که رمی جمره عقبه اولی را انجام دادیم به خیمه بازگشتیم و لباس دوخته شده را قبل از کوتاه کردن یا تراشیدن مو پوشیدیم، بعضی از مردم به ما گفتند که مرتکب یکی از کارهای محظور در حج شده‌ایم باید دوباره احرام بپوشیم و موی سر را بتراشیم و خون بر ما واجب است، نظر شما در این باره چیست؟

ج: کاری که شما انجام داده‌اید یعنی بعد از رمی جمره عقبه و قبل از تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر، لباس دوخته شده پوشیده‌اید یک خطا است، مگر اینکه قبلا طواف افاضه انجام داده باشید، چون اگر کسی دو کار از سه کار را انجام داد می‌تواند از لباس احرام بیرون بیاید یعنی رمی جمره و کوتاه یا تراشیدن مو و طواف افاضه و بعد از آن سعی اگر بر او واجب بوده را انجام داده باشد، و چون شما از این حکم آگاهی نداشته‌اید فدیه‌دادن و خون‌دادن بر شما واجب نیست و ان شاء الله حج شما صحیح می‌باشد([[86]](#footnote-86)).

س23: پدر خاله‌ام وفات کرده و خاله‌ام یک بار قبرش را زیارت کرده است، من حدیثی را شنیده‌ام که رفتن زنان را به زیارت قبر حرام می‌داند، آیا این حدیث صحیح می‌باشد، اگر صحیح می‌باشد آیا گناهی بر گردن او هست که باید کفاره بدهد؟

ج: قول صحیحح این است که زیارت قبر برای زنان جایز نیست،، بدلیل همان حدیثی که ذکر کردی؛ و از رسول الله ج روایت شده است که زنانی که به زیارت قبر می‌روند را لعنت کرده است، پس بر زنان واجب است که زیارت قبر را ترک کنند، اما اگر کسی از زنان به خاطر عدم آگاهی به زیارت قبر رفته باشد، هیچ اشکالی ندارد، اما نباید دوباره کارش را تکرار کند، اگر انجام داد باید توبه و استغفار نماید، توبه گناهان قبلی را از بین می‌برد، زیارت قبر مخصوص مردها می‌باشد، رسول الله فرمودند: «زوروا القبور فإنها تذكركم الآخرة»([[87]](#footnote-87)) «به زیارت قبر بروید چون شما را به یاد روز قیامت می‌اندازد». در ابتدای شروع دعوت اسلام زیارت قبر بر مرد و زن ممنوع بود؛ چون مسلمان‌ها در آن دوران تازه دست از پرستش و ارتباط با مردگان برداشته بودند، به خاطر جلوگیری از وارد شدن به شر و کلا شرک از آنها پاک شود از رفتن به زیارت قبر منع شده بودند، وقتی اسلام در درونشان مستقر شد و در اسلام ثابت ماندند و اسلام واقعی را شناختند، خداوند به آنها اجازه زیارت قبر را داد، چون باعث پند گرفتن و موعظه می‌شود، به یاد مرگ و آخرت می‌افتند برای مردگان دعا و طلب رحمت می‌کنند، در صحیح ترین قول زنان را از زیارت قب منع کرده است، چون زنان مردها را به فتنه می‌اندازند، و خودشان به فتنه می‌افتند صبرشان کم است و ناله و فریاد می‌کنند، از رحمت و نیکی خداوند به بندگانش این است که زیارت قبر را بر آنها حرام کرده است، این ممنوعیت یک نوع نیکی به مردها نیز می‌باشد، چون جمع شدن همه چه زن و چه مرد بر سر قبر باعث فتنه می‌شود، خداوند از روی رحمتش زنان را از زیارت قبر منع کرده است، اما نماز خواندن زنان بر میت هیچ اشکالی ندارد، زن اجازه دارد در نماز جنازه شرکت کند، و فقط زیارت قبر بر آنها ممنوع است، در صحیح ترین قول علماء زیارت قبر برای زنان ممنوع می‌باشد،، چون احادیثی وجود دارد که بر منع دلالت می‌کند، اما اگر زن به زیارت قبر رفت کفاره‌ای بر او واجب نیست و فقط باید توبه کند([[88]](#footnote-88)).

س24: حکم کسی که در یک سفر بیش از یک عمره انجام می‌دهد چیست، در هر مرتبه برای عمره به مسجد تنعیم می‌رود و از آنجا احرام می‌بندد؟

ج: تکرارعمره برای کسی که به مکه آمده در یک زمان نزدیک به هم، از روش رسول الله ج نبوده صحابه ش نیز انجام نداده‌اند، اگر در این کار فضیلتی وجود داشت آنها سبقت می‌گرفتند درانجام آن؛ مشروع این است که کسیکه به عمره آمده است و مناسک عمره را انجام داده زیاد طواف خانه خدا را انجام دهد، قرآن را تلاوت کند، نماز بخواند صدقه بدهد و عبادت‌های دیگر انجام دهد، اگر کسی دوباره برای خودش یا برای شخصی که مرده یا برای کسی که از انجام عمره ناتوان هست به خاطر پیری یا مریضی که امید شفا در آن نیست عمره انجام دهد، هیچ اشکالی ندارد، اما نباید خود را دچار سختی کند یا برای دیگران نباید ایجاد مزاحمت کند، وقتی که خیلی شلوغ هست اینکار را نکند بهتر است و پیامبر ج فرموده انجام یک عمره تا عمره بعدی کفاره بین آن دو می‌باشد، و حج مقبول هیچ پاداشی ندارد بجز بهشت و روایت شده است که رسول الله ج به عایشهل دستور داد که به تنعیم برود بعد از اینکه از احرام حج بیرون آمده بود و اجازه داد که از تنعیم برای عمره نیت کند([[89]](#footnote-89)).

س25: شخص عمره گذاری قبل از طواف ابتدا سعی انجام داد، آیا باید سعی را بعد از طواف دوباره تکرار کند؟

ج: لازم نیست که سعی را دوباره انجام دهد, چون ابوداود در سننش با سند صحیح از اسامه بن شریک روایت کرده است که او گفت: «همراه رسول الله ج به حج رفتم، مردم نزد ایشان می‌آمدند شخصی پرسید: یا رسول الله قبل از طواف سعی کردم یا یک چیز را زودتر و یا یک چیز را دیر تر انجام دادم، رسول الله ج به همه جواب داد: اشکال ندارد اشکال ندارد، مگر مردی که ناموس و شرف مسلمانی را لکه دار کرده بود که اشکال داشت و هلاک شد»([[90]](#footnote-90))([[91]](#footnote-91)).

س26: من و مادرم عمره انجام دادیم، وقتی که طواف را انجام دادیم مادرم احساس خستگی کرد و چون مریض و پیر هست وقتی که سعی می‌خواستیم انجام دهیم او را سوار ویلچر کردم و سوار بر ویلچر سعی انجام داد آیا این کار جایز است یا نه؟

ج: اینکه مادرت سوار بر ویلچر سعی بین صفا و مروه انجام داده اشکال ندارد؛ چون عذر دارد و برایش سخت بوده که خودش با پای خود سعی کند([[92]](#footnote-92)).

س27: وقتی کسی نیت عمره کرد و آن را انجام داد و بعد از تمام کردن طواف و سعی موی خود را کوتاه می‌کند تا از احرام بیرون بیاید، آیا می‌تواند فقط از یک قسمت سر مو را کوتاه کند یا باید از همه قسمت‌های سر مو بگیرد؟

ج: واجب این است که از همه قسمت‌های موی سر در هنگام تراشیدن یا کوتاه کردن آن بگیرد([[93]](#footnote-93)).

س28: اگر کسی این هفته عمره انجام داد و موی سر را تراشید سپس هفته بعدی دوباره عمره انجام داد؛ باید چکار کند؟ چون موی سرش کوچک است و شاید هنوز بیرون نیامده است.

ج: کسی که حج یا عمره انجام می‌دهد باید موی سر را بتراشد یا کوتاه کند، اما اگر در سرش مو نباشد این واجب از او ساقط می‌شود، و حج و عمره‌اش صحیح است([[94]](#footnote-94)).

س29: شخصی از طائف احرام عمره بست، بعد از اینکه عمره را انجام داد به شهر طائف بازگشت ولی موی خود را کوتاه نکرد مگر بعد از رسیدن به طائف، این کار را پنج سال قبل انجام داده است؟

ج: تراشیدن یا کوتاه کردن مو در حج یا عمره در هر جایی که باشد کفایت می‌کند([[95]](#footnote-95)).

س30: شخص حاجی از مطار جده پیاده شد و به مدینه منوره رفت آیا باید از میقات مدینه، ذوالحلیفه (آبار علی) احرام ببندد؟

ج: اگر حاجی از مطار جده پیاده شد و قصد کرد که قبل از حج یا عمره از جده به مدینه منوره برود، بعد از اینکه زیارت خود را به مدینه پایان داد و خواست که به مکه برای ادای حج یا عمره برود، از میقات اهل مدینه که ذوالحلیفه است و امروزه به آبار علی معروف است احرام می‌بندد چون آن شخص حکم مردم مدینه را گرفته و رسول الله ج فرموده: «این مواقیت برای مرد آنجاست و برای کسانی از غیر مردم آنجاست که از آن مسیر می‌آیند و قصد حج یا عمره را دارند» حدیث بر صحتش همه متفق علیه هستند([[96]](#footnote-96)).

س31: اگر کسی در آخرین روز ماه رمضان احرام ببندد، و به خانه خدا در شب اول شوال برسد، آیا این شخص می‌تواند حج تمتع انجام دهد یا نه؟

ج: اگر کسی در آخر ماه رمضان احرام ببندد و طواف و سعی انجام ندهد مگر در شب اول شوال، سپس از احرام بیرون بیاید و سپس حج آن سال را انجام داد این حجش تمتع به شمار نمی‌‌آید که بعد از عمره حج کرده باشد، چون در غیر از ماه‌های حج احرام عمره بسته است.

س32: اگر کسی از جده احرام بسته و از میقات احرام نبسته بود به خانه خدا رفته و طواف خانه و سعی بین صفا و مروه انجام داده باشد و سپس به مدینه برود و وقتی دوباره به مکه بر می‌گردد از مدینه احرام ببندد و طواف خانه و سعی بین صفا و مروه انجام دهد، آیا این طوافش جای خونی که در عمره اولی بخاطر نبستن احرام بر او هست را می‌گیرد یا نه؟

ج: کسی که بعد از گذشتن از میقات احرام بست و عمره را انجام داد سپس به مدینه سفر و عمره دیگری را با احرام بستن از میقات اهل مدینه انجام داد این عمره دومی از او آنچه که در عمره اولی واجب بود را ساقط نمی‌کند؛ بخاطر اینکه در عمره اولی از میقات بدون احرام گذشته است و باید خون بدهد([[97]](#footnote-97)).

س33: شخصی وفات نمود و یکی از خویشاوندانش نیت کرد که به جای او عمره انجام دهد آیا این عمره درست است، آیا اجر و ثواب این عمره به شخصی که وفات کرده می‌رسد؟

ج: انجام دادن عمره به جای شخصی که وفات کرده درست است، اما شخص عمره کننده باید خودش برای خود عمره کرده باشد، اگر عمره‌اش هیچ اشکالی نداشته باشد و قبول باشد ان شاء الله ثواب آن به مرده می‌رسد، علاوه بر عمره حج نیز بجای مرده درست است اگر که حج کننده خودش برای خود زودتر حج کرده باشد([[98]](#footnote-98)).

34: آیا ذبحی که حاجی در مکه در روز نحر انجام می‌دهد جای حیوان قربانی که سایر مسلمان‌ها در روز عید به قصد قربانی انجام میدهند را می‌گیرد؟

ج: قربانی کردن روز عید یک چیز است و ذبح کردن حیوان برای حاجی در حج چیز دیگر، اگر حاجی در حج تمتع هست و می‌خواهد حیوانی را ذبح کند باید در منی یا در مکه در روزهایی که در حج به روزهای قربانی و نحر معروف هست این کار را انجام دهد، چون مرد یا زن وقتی که در ماه‌های حج برای عمره احرام بست و حج تمتع انجام داد، یا حج قران انجام داد و برای هر دو یعنی عمره و حج لبیک گفت بر او قربانی کردن واجب است، باید یا یک گوسفند را قربانی کند یا در یک هفتم از سهم یک شتر یا گاو شریک شود، چون خداوند سبحانه و تعالی فرموده: ﴿فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلۡعُمۡرَةِ إِلَى ٱلۡحَجِّ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۚ﴾ [البقرة: 196]. «هر کس که عمره را قبل از انجام حج، ادا نماید، پس آنچه از قربانی میسر شد، (ذبح کند)» و چیزی که میسر هست یا یک گوسفند دو ساله است یا قوچ است یا یک هفتم از یک گاو یا یک هفتم از یک شتر می‌باشد، کسی که از دادن قربانی ناتوان هست باید ده روز روزه بگیرد، سه روز در ایامی که در حج هست که قبل از روز عرفه بهتر هست و هفت روز وقتی که برگشت به شهر خود، اما حیوانی که مردم غیر حاجی در روزهای عید و قربان ذبح می‌کنند در شهر و روستاها و آبادی‌های خود انجام می‌دهند یک سنتی است که در روزهای عید قربان انجام می‌دهند([[99]](#footnote-99)).

س35: آیا خریدن هدیه برای قوم و خویش و دوستان بعد از طواف وداع جایز هست؟

ج: خریدن اشیای عادی اشکال ندارد، خریدن لوازم ضروری و چیزهایی که در سفر به کار می‌آید اشکال ندارد([[100]](#footnote-100)).

س36: آیا در ماه‌های حج، عمره باید همراه با حج باشد؟

ج: نه لازم نیست که حتما با حج باشد، ولی بهترین ماه برای عمره ماه ذوالقعده است که رسول الله ج در این ماه عمره کرده است و ماه رمضان می‌باشد، انجام یک عمره کافی است و عمره در طول عمر فقط یک بار واجب هست و حج نیز یک بار در عمر واجب است، باقی عمره‌هایی که انجام می‌دهد برای شخص، سنت است([[101]](#footnote-101)).

س37: آیا انجام دادن عمره در ماه رجب مزیتی بیشتر از دیگر ماه‌ها دارد؟

ج: گذشتگان امت در این ماه عمره می‌کردند و اشکال ندارد، روایت هست که عمر در ماه رجب عمره کرده است و ابن عمر نیز عمره کرده است، ابن سیرین گفته است که گذشتگان و سلف در این ماه عمره می‌کردند، همچنین ابن رجب/ در کتاب اللطائف این را ذکر کرده است، ابن عمر روایت کرده است که رسول اللهج در ماه رجب عمره کرده است، اما در نزد علماء این مشهور است که رسول الله ج در ماه ذی القعده عمره انجام داده است، تمام عمره‌های رسول الله در ذی القعده بوده است؛ نزد علما این معروف هست که عمره‌های پیامبر در ذی القعده بوده نه در رجب، اما عمر و بعضی دیگر از صحابه ش در این ماه عمره کرده‌اند و بسیاری از علمای سلف این کار را کرده‌اند و اشکال ندارد([[102]](#footnote-102)).

س38: آیا می‌توانم با وجود توانایی که دارم فریضه حج را یک سال یا دو سال به تاخیر بیاندازم، چون می‌خواهم به زیارت خانواده و همسرم بروم و اگر امسال به حج بروم تا دو سال دیگر نمی‌توانم آنها را ملاقات کنم؟

ج: هر وقت یک مسلمان توان انجام حج را داشت بر او واجب است که به حج برود، چون نمی‌داند که در آینده چه بر سر او می‌آید و آیا سال دیگر زنده هست یا نه، خداوند متعال فرموده: ((وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلا))([[103]](#footnote-103)) «حج این خانه برای الله بر کسی که توانایی رفتن به آنجا را دارد، واجب است» از رسول الله ج روایت شده که فرمود: «تعجلوا إلى الحج -يعني الفريضة- فإن أحدكم لا يدري ما يعرض له»([[104]](#footnote-104))([[105]](#footnote-105)) «برای رفتن به حج -یعنی حج فرض- جله کنید، چون هیچ یک از شما نمی‌دانید که چه بر سرش می‌آید».

س39: زنی عمره انجام داده، طواف و سعی کرده اما فراموش کرده که قصر انجام دهد، به خانه برگشته و غسل زده بوخوشی استفاده کرده بعد از گذشت دو هفته تقریبا بیاد آورد که موی سر خود را کوتاه نکرده است، بعد موی سر خود را کوتاه کرد حکم این کار چیست؟

ج: کاری که این زن انجام داده است درست و به خاطر فراموشی، تمام کارهایی که قبل از کوتاه کردن مو که در حالت احرام ممنوع هست را انجام داده معذور به حساب می‌آید. مگر اینکه قبل از تقصیر جماع کرده باشد که در اینصورت باید یک گوسفند ذبح کند و بین فقیران حرم توزیع نماید([[106]](#footnote-106)).

س40: مسافری که در ماه رمضان برای عمره می‌آید کدام کار برایش بهتر است؛ روزه بگیرد یا افطار بکند؟

ج: اولا: برای مسافری که در ماه رمضان به عمره می‌آید سنت است که در سفر افطار نماید؛ چون خداوند به مسافر این اجازه را داده است، خداوند دوست دارد که کارهایی که اجازه داده است را انجام دهیم، همان طور که دوست ندارد به گناهان نزدیک شویم، اما اگر روزه بگیرد اشکال ندارد([[107]](#footnote-107)).

س41: پنج سال پیش من و فرزندم که کم سن بود به عمره آمدیم، دور و بر حرم و طواف خیلی شلوغ بود چون 26 ماه رمضان بود؛ دور خانه خدا طواف کردیم، اما نتوانستیم سعی انجام دهیم، به شهر جازان برگشتیم، بعد از عید خودم تنهایی بازگشتم و عمره را را انجام دادم، این را هم بگویم که من بعد از بازگشت در ماه رمضان به شهرم با همسرم نیز جماع کرده‌ام، یعنی قبل از اینکه عمره اولی را تمام کنم، الآن بر من و بر فرزندم چه چیزی واجب هست؟

ج: اولا: فرزندت به خاطر اینکه عمره‌اش را تکمیل نکرده است بر او واجب است که دوباره ملابس احرام را ببندد و به مکه باز گردد و عمره‌اش را با سعی کردن بین صفا و مروه و تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر تکمیل کند،

دوما: بر توی پدر واجب است که به مکه باز گردی و از آن میقاتی که در آن احرام برای عمره قبلی که با جماع آن را فاسد کرده ای دوباره از همانجا احرام ببندی، و عمره‌ات را بصورت کامل انجام دهی تا قضای عمره‌ای که فاسد کرده‌ای را انجام داده باشی.

علاوه بر این، بر تو واجب است که یک گوسفندی مانند گوسفندی که برای عید قربان ذبح می‌شود آن را ذبح کنی و بین فقرای حرم توزیع نمایی، اگر توان مالی ذبح کردن را نداری ده روز باید روزه بگیری([[108]](#footnote-108)).

س43: خدمت شما عرض کنم که من نیت عمره کردم و بعد از تمام کردن هفت دور صفا و مروه، به خاطر سهل‌انگاری و بی‌دقتی و نه بخاطر فراموشی، موی سرم را کوتاه نکردم، سپس از لباس احرام بیرون آمده و به شهرم بازگشتم، آیا چیزی بر من واجب هست؟

ج: تراشیدن یا کوتاه کرن مو، یکی از واجبات عمره هست، جایز نیست که آن را ترک کنیم، بر تو واجب است که دوباره لباس احرام را بپوشی و سپس موی سر را بتراشی یا کوتاه نمایی، چون اینکار بر گردن تو باقی مانده، علاوه بر این کار بخاطر اینکه به عمد لباس دوخته شده را پوشیده‌ای باید فدیه نیز بدهی؛ یک گوسفندی را باید در مکه قربانی کنی و آن را بین فقیران حرم توزیع نمایی یا به شش مسکین حرم غذا بدهی که سهم هر مسکین یک کیلو و نیم غذا می‌شود، و یا هم سه روز در هر جایی که می‌خواهی روزه بگیری، و شرط نیست که روزه در خود مکه باشد([[109]](#footnote-109)).

س43: آیا با حج پذیرفته شده (حج مبرور) گناهان کبیره را نیز بخشیده می‌شود؟

ج: اولا: در صحیحین از ابوهریره روایت شده است که گفت: شنیدم رسول الله ج می‌فرماید: «من حج فلم يرفث ولم يفسق رجع كيوم ولدته أمه»([[110]](#footnote-110)) «کسی که حج انجام دهد و جماع نکند و فسق و فجور انجام ندهد، گناهانش آمرزیده شده و مانند روزی که از مادر متولد شده، پاکیزه می‌شود». و در جایی دیگر رسول الله ج فرمود: «العمرة إلى العمرة كفارة لما بينهما، والحج المبرور ليس له جزاء إلا الجنة»([[111]](#footnote-111)) «انجام یک عمره بعد از عمره دیگر، کفاره گناهانی است که بین آنها رخ می‌دهد، و حج مقبول و پذیرفته شده هیچ پاداشی ندارد بجز بهشت» حج و اعمال نیک دیگر اگر بندگان این عبادت‌ها را به روش شرعی انجام دهند از اسباب بخشش گناهان می‌باشد، اما برای بخشش گناهان کبیره باید توبه کرد، چون در کتاب صحیح مسلم از ابوهریره روایت شده است که رسول الله ج فرمود: «الصلوات الخمس، والجمعة إلى الجمعة، ورمضان إلى رمضان، مكفرات ما بينهن إذا اجتنبت الكبائر»([[112]](#footnote-112)) «نمازهای پنجگانه، و جمعه تا جمعه دیگر، و رمضان تا رمضان دیگر، کفاره گناهانی است که بین آنها رخ داده است مادامی که از گناهان کبیره دوری کند» علمایی مانند امام ابن منذر/ و کسانی دیگر از اهل علم نظرشان این است که حج مقبول همه گناهان را می‌بخشد، چون از ظاهر این دو حدیث که ذکر شد چنین برداشت می‌شود([[113]](#footnote-113)).

س45: چه وقت تجارت در حج جایز می‌شود؟

ج: در موسم حج تجارت کردن جایز هست، امام طبری در کتاب تفسیرش با سند در مورد تفسیر آیه قرآن ﴿لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡۚ﴾ «گناهی بر شما نیست که (در ایام حج با خرید و فروش) از فضل پروردگارتان (روزی) طلب کنید» از ابن عباسب آورده: هیچ حرجی بر شما نیست که قبل از احرام و بعد از احرام خرید و فروش کنید([[114]](#footnote-114)).

س45: حکم پوشیدن جوراب و طواف قدوم انجام دادن با آن حالت در ایام حج یا طواف کردن برای عمره چیست، آیا جوراب جزو لباس دوخته شده هست؟

ج: مردی که احرام حج یا عمره را بسته است برایش جایز نیست که جوراب بپوشد، اگر بخاطر مریضی و اموری دیگر مجبور به پوشیدن شد اجازه دارد اما باید فدیه بدهد، و فدیه این کار سه روز روزه گرفتن یا غذا دادن به شش مسکین است که برای هر مسکین باید نصف یک پیمانه خرما یا مانند آن می‌دهد، و یا هم یک گوسفند را قربانی می‌کند([[115]](#footnote-115)).

س46: حج فرض را انجام می‌دادم، در یکی از شبها که در منطقه منی بودم جنب شدم و نتوانستم غسل بزنم، آیا چیزی بر من واجب هست؟

ج: جنب شدن در حالتی که لباس احرام حج یا عمره را پوشیده هیچ تاثیری بر حج یا عمره شخص نمی‌گذارد، آنها را باطل نمی‌کند، کسی که جنب شده است باید بعد از بیدار شدن از خواب غسل جنابت بزند، اگر منی ببیند؛ چون جنابت امری اختیاری نیست([[116]](#footnote-116)).

س47: آیا درست است که در هنگام حج زن قرص‌های ضد عادت ماهیانه استعمال کند؛ آیا زن اجازه دارد که به یک مرد که محرمش نیست بچسبد و به کسانی از مردان که همراه او هستند دست بزند، چون شلوغ هست و می‌ترسد که گم شود؟

ج: زن اجازه دارد که در هنگام انجام مناسک از قرص‌های ضد عادت ماهیانه استفاده کند،

- زن اجازه دارد هنگامی که حج یا جاهای دیگر شلوغ هست لباس و عبا و پوشش دیگر مردی که محرمش نیست را بگیرد، تا به اینوسیله خود را از شلوغی نجات دهد([[117]](#footnote-117)).

س48: آیا بالا رفتن به جبل الرحمه مکمل وقوف در صحرای عرفه هست، آیا این کار دلیلی از سنت دارد؟

ج: از رسول الله ج هیچ روایت ذکر نشده که به بالا رفتن از کوه عرفات تشویق مرده باشد، کوهی که بین مردم به جبل الرحمه معروف هست، خود رسول الله نیز بالا نرفته‌اند، آن را در حج جایی برای عبادت خود قرار نداده است، رسول الله ج فرموده‌اند: «خذوا عني مناسككم»([[118]](#footnote-118)) «مناسک حج خود را از من بیاموزید» و خلفای راشدین و صحابه کرام کسانی که پیروان واقعی رسول الله بوده‌اند نیز اینکار را نکرده‌اند، در حج از این کوه بالا نرفته‌اند و آن را جایی برای عبادت قرار نداده‌اند، از رسول الله ج پیروی کرده‌اند، چیزی که از رسول الله ثابت شده این است که ایشان در پایین جبل الرحمه کنار صخره‌های بزرگ ایستاده‌اند و فرموده: «وقفتها هنا وعرفة كلها موقف، وارفعوا عن بطن عرنة»([[119]](#footnote-119)) «من اینجا ایستادم و تمام عرفه موقف و محل ایستادن است و از وادی عرنه بالاتر بایستید» به همین سبب بسیاری از علما نظرشان این است که: اگر بالا رفتن از جبل الرحمه به قصد عبادت باشد این کار یک بدعت به شمار می‌آید، از جمله این علما امام نووی و شیخ الاسلام ابن تیمیه و شیخ صدیق حسن خان می‌باشند، پس نباید راه بالا رفتن به کوه را وسیع کرد و نباید آن برای بالا رفتن به آن راه درست کرد، چون با اینکار یک بدعتی را تایید کرده‌ایم، و راه را برای کسانی که این بدعت را انجام می‌دهند هموار کرده‌ایم، رسول الله ج فرموده‌اند: «کسی که کاری را انجام دهد که دستور ما بر آن نیست آن کار مردود و باطل هست»([[120]](#footnote-120)) از رسول الله ج ثابت نشده است که حتی در عرفات نماز سنت خوانده باشد، بلکه فقط نماز ظهر و عصر را در مسجده نمره به صورت قصر و جمع خوانده است، و برای خود بالای جبل الرحمه جایی برای نماز قرار نداده است که از کوه بالا رفته باشد و نماز فرض یا سنت را در روز عرفات آنجا خوانده باشد، بلکه ایشان بعد از نماز ظهر و عصر مشغول به ذکر و تسبیح و لا اله الا الله گفتن و تکبیر و لبیک و دعا و زاری به درگاه الله بود تا اینکه خورشید غروب کرد.

قرار دادن جایی برای نماز و عبادت بر فراز جبل الرحمه که اگر کسی بالا رفت، آنجا نماز بخواند از کارهای بدعتی است که بعضی از انسان‌های نا آگاه آن را انجام می‌دهند، باید جایگاه نمازی که فعلا وجود دارد را برداشت، نه به این خاطر که راه وسیع تر شود بلکه بخاطر مبارزه با بدعت، و تا اینکه اهل فریب و نیرنگ نتوانند حاجیان را فریب دهند، راه افرادی که به طمع بدست آوردن اموال حاجیان آنها را تشویق به بالا رفتن به کوه و نماز خواندن در آنجا می‌کنند بسته شود، باید مردم بدانند که این نمازخانه‌ای که در بالای کوه مشخص کرده‌اند حکم مسجد را نمی‌گرد([[121]](#footnote-121)).

س49: حکم لبیک‌گفتن دسته‌جمعی حاجیان چیست؟ یک نفر لبیک می‌گوید و بقیه به او جواب می‌دهند؟

ج: این کار جایز نیست، چون از رسول الله ج و از خلفای راشدین ش ثابت نشده است بلکه این کار بدعت به شمار می‌آید([[122]](#footnote-122)).

س50: چه زمانی شخصی که احرام بسته لبیک گفتن را قطع می‌کند؟

ج: اگر احرام برای عمره بسته است، زمانی که شروع به طواف کرد لبیک گفتن را قطع می‌کند، اما اگر برای حج احرام بسته است به لبیک گفتن ادامه می‌دهد تا اینکه رمی جمره عقبه را انجام دهد، بعد از رمی جمرات صبح روز عید لبیک را قطع می‌کند و شروع به تکبیر گفتن عید می‌کند([[123]](#footnote-123))،

س51: آیا هنگام وارد شدن به مکه باید غسل بزنیم؟

ج: هنگامی که شخص محرم به مکه رسید مستحب هست که قبل از ورود غسل بزند، چون رسول الله ج این کار را انجام داده است([[124]](#footnote-124)).

س52: آیا باید در هنگام سعی و طواف در حالت و ضو و طهارت باشیم؟

ج: باید در هنگام طواف در حالت طهارت باشیم، چون طواف حکم نماز را دارد، ابن عباسب فرموده است: طواف خانه خدا نماز هست اما خداوند صحبت کردن را در آن مباح قرار داده است، ام المومنین عایشهل می‌گوید: زمانی که پیامبر علیه الصلاة والسلام وارد مکه شد و به مسجد الحرام رفت ابتدا وضو گرفت و بعد طواف کرد، پس طواف خانه خدا نماز هست باید شخص در حالت وضو باشد، سپس طواف کند، اما در سعی وضو لازم نیست، اما اگر در هنگام سعی بین صفا و مروه با وضو باشد این کار بدون شک بهتر می‌باشد، اما اگر بدون وضو سعی انجام داد هیچ اشکال ندارد([[125]](#footnote-125)).

س53: کسی که در اثنای طواف وضویش باطل شد و رفته دوباره وضو گرفته و مابقی طوافش را بعد از وضو کامل کرده حکم این کارش چیست، آیا این کار درست است، من زیاد وضویم باطل می‌شود و نمی‌توانم برای مدت طولانی وضویم را نگهدارم؟

ج: کسی که در اثنا طواف وضویش باطل می‌شود کل طوافش باطل می‌شود، باید وضو بگیرد و طواف را از اول شروع بکند و درست نیست که بعد از وضو آن دورهایی که قبل از باطل شدن وضو انجام داده را به حساب بیاورد و ادامه آن را انجام دهد بلکه باید از ابتدا شروع کند([[126]](#footnote-126)).

س54: مردی در شلوغی مشغول طواف افاضه بود با بدن زنی بیگانه که محرمش نبوده برخورد کرده است؛ اگر قیاس بر وضو بگیریم آیا طوافش باطل شده و باید از اول شروع کند؟

ج: در صحیح ترین رای علما، لمس کردن بدن زن در حال طواف یا در شلوغی در هر جایی که باشد به طواف ضرر نمی‌رساند و وضو را نیز باطل نمی‌کند، در مورد لمس کردن زن که آیا وضو را باطل می‌کند یا نه چندین دیدگاه وجود دارد؛ گفته شده: اصلا وضو را باطل نمی‌کند و گفته شده: در همه صورت وضو را باطل می‌کند و گفته شده: اگر با شهوت باشد وضو را باطل می‌کند، قول راجح این است که اصلا وضو را باطل نمی‌کند، اگر مردی به یک زن دست زد، یا او را بوسید صحیح ترین نظر این است که وضویش باطل نمی‌شود، چون رسول الله ج بعضی از زنانش را بوسیده و نماز خوانده و دوباره وضو نگرفته است، چون اصل این است که وضو درست است و طهارت از بین نرفته است، پس درست نیست که بگوییم چیزی وضو را باطل می‌کند مگر اینکه دلیل داشته باشیم که بر این دلالت کند که وضو با دست زند به زن، باطل می‌شود، اما آیه قرآن که خداوند فرموده: ﴿أَوۡ لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ﴾ [المائدة: 6]. «یا با زنان تماس گرفته و آمیزش انجام داده باشید» صحیح ترین تفسیر آن این است که منظور جماع می‌باشد، در قراءت دیگر این آیه آمده است: ﴿أَوۡ لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ﴾ [المائدة: 6]. پس منظور جماع می‌باشد، نظر ابن عباس و کسانی دیگر بر این است، و منظور از آن فقط لمس و دست زدن به زنان نیست که ابن مسعود رای و نظرش این است که با لمس وضو باطل می‌شود، بلکه درست این است که منظور جماع می‌باشد، همانطور که ابن عباس و گروهی دیگر گفته‌اند، بر همین اساس فهمیده می‌شود که اگر کسی بدن زنی را در طواف لمس کند طوافش صحیح هست و همچنین اگر به زن خود دست زد یا او را بوسید بازهم وضویش درست است به شرط اینکه چیزی از او خارج نشود([[127]](#footnote-127)).

س55: آیا درست هست که هنگام طواف سوار بر چیزی شد؟

ج: افضل این است که پیاده طواف کرده شود، اما اگر کسی بخاطر مشکلی مانند بیماری یا شخصی اگر بخاطر راهنمایی کردن و جواب دادن به سوال‌های مردم یا بخاطر اینکه مردم مانند او انجام دهند بصورت سواره طواف کرد اشکال ندارد و اگر کسی بدون هیچ عذری نیز سواره طواف کند باز هم جایز هست و مکروه نیست. ولی خلاف اولی عمل کرده است([[128]](#footnote-128)).

س56: اگر کسی در آخرین روز ماه شعبان و قبل از دیدن هلال ماه رمضان احرام بست و عمره خود را به تاخیر انداخت و بعد از اینکه ماه رمضان شروع شد طواف خود را انجام داد آیا عمره‌اش در رمضان به حساب می‌آید؟

ج: باید کل امور عمره‌اش از احرام تا تمام شدن عمره در رمضان باشد، اگر کسی قبل از غروب خورشید آخرین روز شعبان احرام عمره بست و عمره‌اش را در رمضان انجام داد عمره‌اش در رمضان به حساب نمی‌آید؛ کسی که می‌خواهد این اجر نصیبش شود باید از میقات زمانی که ثابت شد در رمضان داخل شده است احرام ببندد، همچنین در آخر ماه اگر انسان قبل از غروب آخرین روز رمضان احرام بست و بقیه کارهای عمره را را در شب عید انجام داد بازهم عمره‌اش در رمضان به حساب نمی‌آید([[129]](#footnote-129)).

س57: آیا کسی که دور کعبه شریف طواف می‌کند باید پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز بخواند یا در هر جایی از حرم نماز بخواند درست است؟

ج: واجب نیست که طواف کننده پشت مقام ابراهیم نماز بخواند، ولی اگر شلوغ نبود اجازه دارد که نماز بخواند، اگر در هرجایی از مسجدالحرام و حرم نماز خواند باز هم قبول هست و کفایت می‌کند، و نباید برای کسانی که در حال طواف هستند به خاطر خواندن دو رکعت نماز پشت مقام ایجاد مزاحمت کند، بلکه شایسته است از جاهای شلوغ فاصله بگیرد و در جایی دیگر از مسجدالحرام نماز بخواند، چون امیر المومنین عمر دو رکعت نماز سنت را در بعضی از طواف‌های عمره‌ای که انجام داده در منطقه ذی طوی انجام داده است، این منطقه جزو حرم هست اما بیرون از مسجد الحرام قرار دارد، ام المومنین ام سلمه نیز بیرون از مسجد الحرام نماز خوانده است، ظاهرا این کارشان به سبب شلوغ بودن اطراف حرم بوده است، یا می‌خواسته با این کار نشان دهد که در این مورد از نظر دین راحتی و وسعت قرار دارد و هرجایی نماز خوانده شود اجازه هست([[130]](#footnote-130)).

س58: حکم کسی که دو رکعت طواف را فراموش کرده و آن را بعد از سعی بین صفا و مروه انجام داده است چیست؟

ج: اشکال ندارد، دو رکعت نماز طواف سنت می‌باشد، اگر آن را نخواند طوافش صحیح هست، حج و عمره‌اش درست است، اما نماز خواندن طواف جزو سنت موکده هست، نباید به عمد آن را ترک کرد؛ بلکه شایسته است که بر آن محافظت کنیم و در صورت امکان پشت مقام ابراهیم آن را بخوانیم، یا در داخل مسجد الحرام و اگر در بقیه حرم انجام داد باز هم درست هست، اگر بعد از سعی انجام دهد باز هم درست است و کفایت می‌کند([[131]](#footnote-131))،

س59: حکم شک کردن در تعداد دور طواف چیست، که آیا کامل کرده یا کم انجام داده و یا زیادی انجام داده؟

ج: شک کردن در طواف مانند شک کردن در نماز می‌باشد، اگر شک کرد که آیا دو دور یا سه دور طواف کرده، آن را دو دور قرار می‌دهد، اگر شک کرد که سه دور یا چهار دور انجام داده آن را بر سه دور قرار می‌دهد، و اگر شک کرد که آیا شش دور یا هفت دور انجام داده آن را دور ششم قرار می‌دهد و طواف هفتم را انجام می‌دهد، یعنی کار را بر چیزی که به آن یقین دارد استوار می‌کند و دور هفتم را انجام می‌دهد تا یقینش کامل شود، این چیزی است که بر او واجب هست([[132]](#footnote-132)).

س60: من و خانواده ام به همراه دو ستم با خانواده‌اش از میقات احرام بستیم، در بین راه برایمان مشکلی پیش آمد که مجبور شدیم برگردیم و عمره مان را تکمیل نکردیم، در زمان نیت کردن برای عمره شرط نکرده بودیم که: «إن حبسني حابس فمحلي حيث حبستني». «اگر چیزی ما را نگه داشت از ادامه عمره محل بیرون آمدن از احرام همانجایی است که ما نگه داشته شدیم» بر ما چه چیزی واجب است که ادا کنیم چون از احرام بیرون آمده‌ایم و عمره را تکمیل نکرده‌ایم؟ اگر خون دادن بر ما واجب هست آیا می‌توانیم در جایی که زندگی می‌کنیم حیوان را قربانی کنیم؟

ج: همه شما باید بازگردید و دوباره عمره را انجام دهید به خاطر این کارتان توبه کنید، اگر کسی از شما جماع کرده است باید حیوانی ذبح کند آن را بین فقرای مکه توزیع نماید، باید عمره‌اش را قضا کند؛ چون عمره اولی با جماع کردن فاسد شده است، واجب است که عمره‌اش را کامل کند و قضای آن را بجا آورد، کسی که جماع کرده باید از همان میقاتی که بار اول احرام بسته است دوباره احرام ببندد، اما اگر لباس دوخته شده پوشیده و بوخوشی استفاده کرده اگر از روی نا آگاهی و فراموشی این کار را انجام داده است چیزی بر او واجب نیست، اما اگر به عمد و با آگاهی به حکم شرعی آن، این کار را انجام داده است باید فدیه دهد، به شش مسکین غذا دهد، برای هر مسکین یک پیمانه از غذای شهر بدهد، یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفندی را قربانی کند، در مقابل هر کار ممنوعی که انجام داده باید فدیه بدهد کارهای ممنوعی مانند پوشیدن لباس دوخته شده یا پوشاندن سر، بو خوشی زدن، کوتاه کردن ناخن یا تراشیدن موی بغل و موی زیر کوتاه کردن سبیل و باید از این کارهایی که در این مدت کرده توبه کند([[133]](#footnote-133)).

فصل سوم:  
سوال‌های مربوط به زنان

س1: بر اساس سالگرد تولد روزانه، (شمسی) دختری فقط یک ماه مانده که 15 سالش کامل شود، هنوز عادت ماهیانه نیز نشده است، حج را انجام داده و بعد از دوماه از گذشت حج که انجام داده عادت ماهیانه شده است، آیا حج اسلام را به جا آورده است؟

ج: اگر این دختر که ذکر کردی قبل از صبح روز عید قربان به سن بلوغ برسد، یعنی یا جنب شود و آب را ببیند یا موی سفتی اطرف شرمگاه بیرون بیاید، حجی که انجام داده حج اسلام به شمار می‌آید، اما اگر هیچ علامتی که نشانه بلوغ باشد را نبیند، باید دوباره حج را انجام دهد، چون حج اولی قبل از رسیدن به سن بلوغ بوده است و جای حج فرض را نمی‌گیرد([[134]](#footnote-134)).

س2: تقریبا شش سال پیش به عمره رفته‌ام، در حین طواف عادت ماهیانه شدم، به طوافم ادامه دادم و سعی کردم و عمره‌ام را تکمیل کنم، من می‌دانسم که طواف خانه خدا در آن حالت درست نیست، ولی من فکر کردم که عمره‌ام به مجرد عادت‌شدن فاسد شده است، و چون عمره‌ام فاسد شده است احرام نیز از بین می‌رود، من بعد از مدتی از این قضیه ازدواج کردم، حکم چیست؟ جزاکم الله خیرا.

ج: اگر قصه همانگونه که خودت گفته‌ای باشد عقد ازدواج شما صحیح نیست، چون تو از احرام بیرون نیامده بودی و عقد کرده‌ای، واجب است که از همبستری با شوهرت دوری کنی و به مکه باز گردی و طواف و سعی انجام دهی و موی سر را کوتاه کنی، تا عمره‌ای را که به وسیله جماع فاسد کرده‌ای را تمام کنی، سپس دوباره به همان میقاتی که بار اول از آن احرام بسته‌ای باز گردی و احرام ببندی تا قضای عمره‌ای که فاسد شده است را به جا بیاوری، و اگر در طول این مدت عقد ازدواج بسته‌ای باید دوباره عقد ببندی، باید خون نیز بدهی، یک گوسفند مانند گوسفندی که در حج ذبح می‌شود را در مکه قربانی کنی و بین فقرای حرم توزیع نمایی([[135]](#footnote-135)).

س3: در ماه رمضان عمره کردم و طواف خانه خدا را انجام دادم و در هنگام سعی احساس کردم که خون حیض کمی از من جاری شده، سعی خود را به اتمام رساندم، وقت نماز ظهر داخل شده بود، وارد حرم شدم و نماز ظهر را خواندم، آیا عمره‌ام صحیح می‌باشد، همچنین نماز ظهری که خوانده‌ام؟

ج: در مورد سعی شرط نیست که در حالت طهارت و وضو انجام شود بدون وضو نیز درست است اما اگر با طهارت انجام شود بهتر هست، الحمدلله در سعی شرط نیست که بر وضو و طهارت انجام شود، درست است که وضو داشتن بهتر است اما اگر مرد یا زنی بدون طهارت و وضو سعی انجامد دهند اشکال ندارد، در طواف شرط است که در حالت طهارت و وضو باشیم و بدون وضو طواف درست نیست، اما اگر در آن حالت نماز خوانده‌ای و تو مطمئن هستی که خون حیض آمده نمازت درست نمی‌باشد، اگر خون عادت ماهیانه بوده باید بعد از پاکی دوباره نمازی را که در آن حالت خوانده‌ای را بخوانی، اما اگر خون عادی بوده آن را پاک کن و وضو بگیر و دوباره نمازت را بخوان، اگر خون حیض بوده، این مسأله باز می‌گردد به قضیه قضای نمازی که در حالت پاکی بودی و وقت آن داخل شده و سپس حیض شده‌ای، اگر بعد از پاکی قضای آن را به جای بیاوری بهتر است، و الا لازم نیست که قضای آن را به جای بیاوری، چون آمدن خون حیض مانع نماز خواندن می‌شود، و الحمدلله قضایی در آن نیست، اما اگر از روی احتیاط قضای آن را بجای بیاوری اشکال ندارد([[136]](#footnote-136)).

س4: شخصی می‌پرسد: حکم استفاده از قرص‌های ضد حاملگی برای زن در ماه رمضان و ایام حج چیست، تا زن بتواند عبادتهایش را انجام دهد؟

ج: اگر قرص‌ها کاملا خون را قطع نمی‌کند طواف درست نمی‌باشد، چون خون کم و زیاد در عادت ماهیانه فرقی نمی‌کند و حکمش یکی هست([[137]](#footnote-137)).

س5: برای زنی که دچار عذر شرعی شده آیا زمان مشخص و محددی وجود دارد تا طواف افاضه را انجام دهد؟

ج: مدت و زمان مشخصی وجود ندارد، هر زمانی که پاک شد طواف می‌کند، الحمدلله و اگر طول بکشد هم اشکال ندارد ولی تا قبل از انجام دادن طواف افاضه اگر به تاخیر افتاد نباید با شوهرش نزدیکی کند([[138]](#footnote-138)).

س6: اگر زنی که به حج آمده در ایام حج در حرم دچار عادت ماهیانه شد چکار باید انجام دهد؟

ج: اگر بعد از طواف افاضه دچار حیض شده حجش کامل است، و لازم نیست که طواف وداع انجام دهد، اگر از مکه بیرون رفت و هنوز عادت بود یا خون زایمان داشت، طواف وداع از او ساقط می‌شود. اما اگر قبل از انجام طواف افاضه دچار حیض شد، باید در مکه بماند تا در مکه طواف افاضه را نیز انجام دهد، اشکال ندارد که زن در حالت حیض یا نفاس در صحرای عرفه بایستد یا رمی جمرات انجام دهد، یا در مزدلفه یا منی بخوابد.

در حالت حیض فقط ممنوع است که طواف انجام دهد، اما بقیه کارهای حج اجازه دارد که در حالت حیض یا نفاس انجام دهد، -الحمدلله- باید طواف نکند تا اینکه پاک شود، چون طواف به مانند نماز می‌باشد، و اگر قبل از سفر عادت ماهیانه شود طواف وداع از او ساقط می‌شود؛ ابن عباسب فرمود: «رسول الله ج به مردم دستور دارد که آخرین کارشان قبل از سفر، طواف وداع باشد، اما از زنی که حیض شده این حکم را ساقط کرد»([[139]](#footnote-139)) زنی که در حالت خون زایمان یعنی نفاس هستند نیز همین حکم را دارند([[140]](#footnote-140)).

س7: اگر زن نقاب یا برقع بزند و فقط یک طبقه از طبقه حجاب را روی خود انداخته باشد آیا چیزی بر او هست یا فقط کاری که از آن نهی شده را انجام داده است؟

ج: برای زن جایز نیست که نقاب بپوشد، اگرچه که یک چیزی را قرار داده باشد که مانع از چسبیدن به صورت شود، چون تمام فرمایشات رسول الله در این مورد دلالت بر نهی از این کار می‌کند([[141]](#footnote-141))،

س8: آیا زن اجازه دارد که در طواف و سعی بصورت شتاب و هروله راه برود؟

ج: اجماع علما بر این است که تند راه رفتن در حین طواف برای زنان وارد نشده است، همچنین در حین انجام سعی، و آنها اضطباع را نیز انجام نمی‌دهند، چون در سریع راه رفتن و اضطباع بدن نمایان می‌شود، و برای زن چنین کاری درست نیست، بلکه زن باید خود را بپوشاند، و در حالت شتاب رفتن و احرام را به صورت اضطباع پوشیدن، ستر از بین می‌رود([[142]](#footnote-142)).

س9: زنی عادت ماهیانه داشت، ترسید که اگر احرام عمره ببندد خانواده‌اش را معطل می‌کند چون نمی‌دانست که اگر پاک شود آیا خانوده‌اش می‌مانند یا نه، بعد از پاکی قصد عمره کرد باید از کجا احرام ببندد، آیا باید از میقات احرام ببندد یا به نزدیک ترین جا خارج از محدوده حرم برود و نیت احرام کند؟

ج: کسی که نیت احرام بستن برای عمره را دارد و در مکه هست باید از منطقه حرم خارج شود و خارج از حرم احرام ببندد، چون رسول الله ج به ام المومنین عایشهل وقتی که قصد انجام عمره را داشت دستور داد که به همراه برادرش از منطقه حرم در مکه خارج شود و از منطقه تنعیم احرام ببندد، کسی که نیت عمره کرد و خارج از حرم هست از همانجایی که هست احرام می‌بندد([[143]](#footnote-143)).

س10: آیا برای زن جایز هست که در مسجد الحرام یا در سعی و یا در اثناء طواف صورت خود را نمایان کند؟

ج: جایز نیست، بلکه باید حجاب خود را در حین طواف و سعی و در تمامی اوقاتی که مردان نامحرم اطراف او هستند، به صورت کامل رعایت کند، اما اگر نامحرم اطرافش نباشد صورت خود را نمایان کند اشکال ندارد، اجازه دارد که در نماز صورت خود را نمایان کند، اما اگر در طواف و سعی نامحرم باشند باید حجاب را کامل کند، در هر جایی که مرد نامحرم اگرچه که یک مرد نامحرم باشد نیز باید صورت خود را بپوشاند، خداوند متعال فرموده: ﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡ‍َٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّۚ﴾ [الأحزاب:53]. «و هنگامی که چیزی (از وسایل زندگی به عاریت) خواستید، پس از آنان (زنان پیامبر) از پشت پرده بخواهید، این (کار) برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است» در آیه‌ای دیگر خداوند فرموده: ﴿وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ﴾ [النور: 31]. الی آخر آیه «و زینت خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان»، و صورت زن بزرگترین زینت هست([[144]](#footnote-144)).

س11: خانمی می‌پرسد: در هنگام طواف و سعی و بوسیدن حجرالاسود صورتم نمایان شد، مردان نامحرم نیز دور و برم بودند، من از حرم بیرون نرفتم و فقط یک بار به حرم رفته‌ام؟

ج: باید توبه و استغفار نماید و الحمدلله، واجب است که در هنگام طواف و سعی وقتی نامحرم هست صورت خود را بپوشاند، اما چون این کار که از این زن رخ داده از روی ناآگاهی بوده باید توبه و استغفار کند، و سعی و طوافش صحیح می‌باشد([[145]](#footnote-145)).

س12: اگر از زنی که در احرام است بدون اراده موی سرش بریزد باید چکاری انجام دهد؟

ج: اگر شخصی که احرام بسته -چه زن و چه مرد- در هنگام وضو گرفتن یا غسل زدن به خاطر دست کشیدن به سرش، موی سرش بریزد هیچ عیبی در حج و احرامش به وجود نمی‌آید، همچنین اگر موی ریش و سبیلش بیفتد یا اگر ناخنش بیفتد هیچ ضرری به حج و عمره‌اش نمی‌رسد، البته نباید به عمد اینکار را انجام دهد، ممنوع این است که انسان به عمد موی سر خود را بکند یا ناخن خود را در حالت احرام بگیرد، همچنین زن نیز نباید به عمد چیزی را بکند اما اگر از روی غیر عمد چیزی از مویش بیفتد، این موهای جدا شده‌ای است که غیر ارادی می‌افتد([[146]](#footnote-146)).

س13: زنی عادت ماهیانه داشت اما با این وجود در حالی که آگاهی داشت به حرم رفته و نماز خوانده، حکم این کارش چیست؟

ج: این زن با رفتن به حرم شریف و نماز خواندنش با مردم، در حالی که عادت ماهیانه یعنی حیض دارد و می‌داند که که نباید این کار را بکند با اینکار دچار یک منکر بسیار بزرگی شده است، از دو جهت: اول اینکه: اصلا نمازش درست نیست و کسی که دچار این بی‌وضویی یعنی حیض شده اصلا نباید نماز بخواند، این کارش منکر بزرگی است و نماز باطل می‌باشد،

جهت دوم اینکه: وقتی که این زن عادت هست اجاز ندارد که وارد مسجد الحرام شود و در مسجد بشیند، زن حائض و شخص جنب اجازه ندارند که در مسجد بنشینند، اما گذشتن از مسجد در موقع ضرورت اشکالی ندارد، یعنی حتی نشستن در مسجد برای زن حائض و شخص جنب درست نیست، چه برسد به اینکه در مسجد نماز نیز بخوانند، این زن که در حالت حیض به مسجد رفته و نماز خوانده است کارش بسیار زشت و ناپسند است، نباید این کار را انجام دهد، باید در خانه بماند و به مسجد نیاید تا اینکه از حیض پاک شود، وقتی که از حیض پاک شد اگر خواست با خواهرانش به مسجد می‌رود، اما اینکه در حالت حیض به مسجد رفته و آنجا نماز خوانده تمامی این کارهایش منکر می‌باشد، نماز خواندن در حالت حیض و حالت‌های دیگر ناشی از بی‌وضویی بزرگ (حدث اکبر یا غسل) و یا بی‌وضویی کوچک (حدث اصغر؛ منظور وضوست) باطل می‌باشد، رسول الله فرموده: «لا تُقْبل صلاة بِغير طهورٍ، ولا صَدَقَةٌ مِن غلُول»([[147]](#footnote-147))([[148]](#footnote-148)). «نماز بدون وضو درست نیست و صدقه از مال دزدی درست نیست».

س14: زنی که در حالت حیض هست باید چگونه نیت احرام کند قبل از رفتن به عمره؟

ج: اگر زنی به عمره یا حج می‌رود و به میقات در حالت حیض می‌رسد، در آنجا غسل می‌زند و نیت دخول درعبادت را می‌کند و محرم می‌شود، وارد مکه می‌شود، اما طواف انجام نمی‌دهد تا اینکه پاک شود و غسل بزند، اگر از میقات بدون احرام عبور کرد؛ به میقات باز می‌گردد و نیت می‌کند و از آنجا احرام می‌‌بندد، فرقی نمی‌کند، چه قبل از پاکی و چه بعد از پاکی می‌تواند این کار را بکند، به مسجدالحرام باز میگردد و بعد از پاکی و غسل طواف می‌کند([[149]](#footnote-149)).

س15: لباس زن در حالت احرام باید چگونه باشد؟

ج: زن لباس خاصی ندارد، اگر با همان لباس عادی که بر تن دارد احرام ببندد درست است، ولی شایسته است که لباسی را بپوشد که جلب توجه ننماید، باعث شهرت نشود در آن زینتی که جلب توجه نماید به کار برده نشده، باید یک لباس ساده باشد([[150]](#footnote-150)).

س16: آیا زن اجازه دارد در حالت احرام از برقع استفاده کند؟ آیا زن اجازه دارد در حالت احرام از بو خوشی استفاده کند، آیا پوشیدن طلا برای زنی که احرام بسته است جایز هست؟

ج: پوشیدن برقع برای زنی که احرام بسته جایز نیست، چون رسول الله ج فرموده: «ولا تنتقب المرأة، ولا تلبس القفازين» (به روایت بخاری).

«و زن نقاب نمی‌زند و دست کش نمی‌زند» اگر کسی از روی ناآگاهی از برقع استفاده کرد و نمی‌دانست که حرام هست هیچ گناهی ندارد و حجش صحیح می‌باشد. شخصی که احرام بسته اجازه ندارد بعد از احرام از بوخوشی استفاده کند، فرقی نمی‌کند که مرد باشد یا زن، رسول الله ج فرموده: «ولا تلبسوا شيئًا من الثياب مسه الزعفران أو الورس»([[151]](#footnote-151)) «لباسی که به آن زعفران و رنگ زرد گیاه ورس زده شده را نپوشید» ام المومنین عایشهل فرموده: «به رسول الله ج به خاطر احرام بستنش بو خوشی زدم و به خاطر بیرون آمدن از احرام قبل از اینکه طواف کند بو خوشی زدم»([[152]](#footnote-152))، و رسول الله ج در مورد شخصی که در حالت احرام وفات کرده بود فرمود: «لا تمسوه طيبا»([[153]](#footnote-153)). «به او بو خوشی نزنید».

- زن اجازه دارد که احرام ببندد در حالی که دستنبد طلا یا انگشتر طلا و مانند این را پوشیده، ولی از نظر شرعی باید آنها را از دید نامحرم پنهان نگه دارد، تا فتنه بوجود نیاید([[154]](#footnote-154)).

فصل چهارم:  
سوال‌های مربوط به نماز و روزه

س1: کسی که به خاطر ناتوانی روی کرسی می‌نشیند و نماز می‌خواند آیا باید بین رکوع و سجودش از لحاظ گذاشتن دو دست و کج شدن فرق وجود داشته باشد یا در این مورد راحتی وجود دارد، لطفا ما را راهنمایی کنید جزاکم الله خیرا؟

ج: برای کسی که بر روی زمین نماز می‌خواند یا بر روی کرسی واجب است که سجودش را پایین‌تر از رکوعش قرار دهد، سنت است که در حال رکوع دو دستش را روی زانو بگذارد و در حال سجود واجب است که دستش را روی زمین قرار دهد اما اگر نتوانست آنها را روی زانو می‌گذارد، چون از رسول الله ج روایت شده است که فرمود: «أمرت أن أسجد على سبعة أعظم: الجبهة، وأشار إلى أنفه، واليدين والركبتين وأطراف القدمين» «به من امر شده است که بر هفت استخوان سجده کنم: پیشانی، و به بینی‌اش اشاره نمود، و دو دست و دو زانو و گوشه پا». اما اگر کسی نتوانست و روی کرسی نماز خواند اشکال ندارد، خداوند متعال فرموده است: ﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ﴾ [التغابن: 16]. «تا جایی که می‌توانید تقوای خداوند را پیشه کنید»، و رسول الله فرموده: «إذا أمرتكم بأمر فأتوا منه ما استطعتم»([[155]](#footnote-155)) «وقتی شما را به کاری امر کردم هر چه که می‌توانید آن را انجام دهید». این حدیث متفق علیه است.

س2: من به بیماری خود ادرای یا سلس البول دچارم؛ گاهی وقتها از من به اندازه یک قطره یا دو قطره می‌ریزد، بعضی وقت‌ها پیشنماز مردم نیز می‌شوم آیا من اجازه این کار را دارم یا نه؟

ج: اگر سلس البول، همیشگی است یعنی آبی مانند ادرار از تو خارج می‌شود پس وضو نگیر مگر زمانی که وقت نماز داخل شد، وقت که داخل شد وضو بگیر، وقتی که وضو گرفتی با این وضو نماز بخوان تا زمانی که وقت نماز هست، مانند زنی که دچار بیماری استحاضه شده است، چون رسول الله به آن زن دستور داد که برای هر نمازی وضو بگیرد، چون بی‌وضویی‌اش دائمی هست و خون بند نمی‌شود، وضع کسی که ادراش نیز همیشه می‌آید به همین صورت است، باید برای هر نمازی وضوبگیرد، یعنی زمانی که وقت نماز عصر شد برای نماز عصر وضو می‌گیرد، نماز می‌خواند تا وقت عصر به پایان برسد، و قرآن می‌خواند، برای نماز مغرب وقتی که وقت نماز مغرب داخل شد وضو می‌گیرد، و نماز می‌خواند تا هوا تاریک شود و شفق از بین برود، وقتی که نماز عشا شد وضو می‌گیرد، منظور این است که برای هر وقتی از نمازها وضوی جداگانه باید بگیرد، این برای کسی است که دچار سلس البول هست، بهتر است که پیشنماز مردم نشوی، چون گروهی از علما نظرشان بر این است که اگر کسی دچار بیماری سلس البول هست نباید امام شود، اما اگر این کار را کرده‌ای ان شاء الله که درست بوده صحیح هم این است، اما اگر این کار را ترک کنی اولی‌تر است([[156]](#footnote-156)).

س3: حکم عبور کردن جلو نماز گذاران در حرم مکی و مسجد نبوی چیست؟

ج: در حرم مکی چیزی که نزد اهل علم معروف است این است که اشکال ندارد و کسی مانع نشود تا زمانی که نماز در داخل مسجد الحرام باشد، اما در بقیه اماکن و مساجد مکه باید مانع از عبور شود، باید شخصی که نماز می‌خواند برای خود یک ستره قرارد دهد، رسول الله در منطقه ابطح وقتی که نماز خواند برای خود یک ستره قرار داد، اما در داخل حرم شلوغی و سختی مانع می‌شود که انسان برای خود ستره قرار دهد، و کسی که از جلو نماز گزار در داخل مسجدالحرام عبور کند گناه ندارد، ابن زبیر نماز می‌خواند و مردم از جلوش رد می‌شدند. در حدیثی اگرچه که به صحت نرسیده و ضعیف هست، آمده که ضرورت نیست داخل حرم ستره گرفت؛ و اشکال ندارد که بدون ستره نماز خواند، و علماء نیز نظرشان این است که اشکال ندارد، در مسجد النبی نیز به همین صورت است اگر شلوغ باشد، مشکل همان است یعنی در شلوغی شرط نیست که ستره گذاشته شود، اما باز هم سعی کند ستره ای برای خود پیدا کند اگر توانست جلو دیوار یا پشت ستون‌های مسجد النبی نماز بخواند بهتر است، چون رسول الله ج دستور داده در نماز ستره قرار دهیم، و می‌شود در مسجد النبی از دیوار یا ستون به عنوان ستره که مانعی بین او و عبور مردم باشد استفاده کند، بعضی از مردم می‌خواستند در مسجد النبی از جلو ابوسعید که مشغول نماز خواندن بود عبور کنند، اما مانع از عبور شد، ابوسعید دلیل خود را از حدیث رسول الله عنوان کرد: «اگر کسی مشغول نماز خواندن بود و شخصی خواست از جلوش رد شود باید او را کنار بزند»([[157]](#footnote-157)) منظور این است که در مسجد النبی جلو کسی که از روبری نمازگزار رد می‌شود را باید گرفت، مگر اینکه زیاد شلوغ باشد که نتوان جلو عابرین را گرفت، این حرف از گفتار خداوند گرفته شده که فرموده: ﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ﴾ [التغابن: 16]. «تا جایی که می‌توانید تقوای خداوند را پیشه کنید» حکم مسجدالحرام نیز همین است، در بیشتر اوقات احتمال شلوغی هست که نتوان جلو عابرین را گرفت، و علماء در مسجدالحرام آسان گرفته‌اند، بخصوص در ایام حج که بیشتر اوقات نمی‌توان جلو عابرین را گرفت، و ان شاء الله که معاف هستند، و اما در مسجد النبی هم احتمال شلوغی هست و هم احتمال اینکه شلوغ نباشد وجود دارد، وقتی که مسجد النبی نیز شلوغ باشد حکم مسجد الحرام را می‌گیرد، این حکم آسان گرفته می‌شود چون باید به کسی ضرر نرساند و دیگران را ناتوان نکرد و کاری که قادر به آن نیستند را نباید انجام دهند([[158]](#footnote-158)).

س4: آیا نماز خواندن در محوطه، قسمت توسعه مسجد النبی زیر چترها حکمش مانند نماز خواندن داخل مسجدالنبی می‌باشد؟

ج: اماکنی که بعد از توسعه دادن مسجدالنبی جزوی از مسجد النبی می‌شود بعد از ملحق شدن به مسجد حکم خود مسجد را می‌گیرد، بر همین اساس هر آنچه که به مسجد النبی اضافه شود و وارد مسجد النبی شود حکم آن را می‌گیرد که اجر نماز خواندن در آن چند برابر می‌شود و امور دیگر، اگرچه که اجر نماز خواندن متفاوت است بر اساس خواندن نماز در صف اول یا در صف دوم و به این صورت([[159]](#footnote-159)).

س5: اوقاتی که نماز سنت خواندن درست نیست چه اوقاتی است؟

ج: اوقاتی که نماز خواندن در آن نهی شده عبارت است: از زمان طلوع صبح تا بالا آمدن خورشید، زمانی که خورشید وسط آسمان است تا اینکه به وقت زوال برسد، از بعد از نماز عضر تا غروب خورشید، اما در این اوقات نمازهایی که برای خواندن آن سببی وجود دارد اجازه هست که بخوانیم، مانند نماز کسوف و دو رکعت طواف و نماز تحیت مسجد([[160]](#footnote-160)).

س6: نظر شما درباره دستگاه جدید (موبایل) چیست که در آن برنامه قرآن قرار می‌دهند، و وقتی که موبایل را باز می‌کنی دست روی علامت خاصی میزنی و صفحه قرآن باز می‌شود، آیا در این حالت اجازه هست که بدون وضو به موبایل دست زد، بعد از قفل کردن موبایل آیا می‌شود در حالی که آن همراهمان هست وارد حمام شویم؟ می‌دانیم که چند لحظه قبل آیه قرآن بر آن ظاهر بوده و الآن بعد از بیرون آمدن از برنامه و قفل‌کردن موبایل مخفی شده، لطفا جواب دهید، جزاکم الله خیرا؟

ج: زمانی که قرآن بر روی صفحه ظاهر است حرام است وارد حمام شد، چون قرآن بر صفحه نمایان می‌باشد، اما اگر از برنامه قرآن خارج شده و موبایل را بسته، موبایل در این صورت حکم یک وسیله را می‌گیرد که حرام نیست آن را با خود به حمام و دستشویی ببریم، اما خواندن قرآن بدون وضو از روی برنامه موبایل جایز هست، البته قاری نباید جُنُب باشد، چون خواندن قرآن برای جنب ممنوع هست، اشکال ندارد که به آن دست کشید چون جزو دست‌زدن مستقیم به قرآن نیست بلکه یک مانع و صفحه‌ای وجود دارد، موبایل حکم کتاب قرآن را به خود نمی‌گیرد، والله اعلم([[161]](#footnote-161)).

س7: حکم زیارت قبر در ایام عید و روزهای دیگر چیست، من در یک روستا زندگی می‌کنم که مردم در روز اول عید به قبرستان می‌روند، آنجا می‌خورند و می‌نوشند و مشغول بازی می‌شوند، چون من شنیده‌ام که قبرستان محلی است برای پند گرفن و شناخت خداوند سبحانه و تعالی که انسان را به یاد بعد از مرگ می‌انداز؟

ج: زیارت قبور برای دو چیز جایز است: اولا: برای یاد آوری آخرت؛ رسول الله ج فرموده: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها، فإنها تذكركم بالآخرة»([[162]](#footnote-162)) «شما را از زیارت قبور منع کرده بودم، آن را زیارت کنید چون شما را به یاد آخرت میاندازد». دوما: دعا برای مرده، از رسول الله ج روایت شده که: «كان يقول إذا زار قبور المسلمين في البقيع: السلام عليكم أهل الديار من المؤمنين والمسلمين، وإنا إن شاء الله بكم لاحقون، أنتم فرطنا ونحن لكم تبع، نسأل الله لنا ولكم العافية، اللهم اغفر لهم اللهم ارحمهم»([[163]](#footnote-163)). «زمانی که به زیارت قبورستان مسلمان‌ها در بقیع می‌رفت می‌فرمود: سلام بر شما اهل دیار از مومنین و مسلمین، و ما ان شاءالله به شما ملحق می‌شویم، شما از ما زودتر رفتید و ما بعد از شماییم، برای خود و شما عافیت را خواستاریم، خدایا آنها را بیامرز پروردگارا به آنها رحم بفرما». اما نشستن سر قبر و خوردن در آنجا و شادی و سرور راه انداختن جایز نیست، همچنین جایز نیست که از مرده طلب دعا کنیم چون خودش به دعا نیازمند است([[164]](#footnote-164)).

س8: چه وقت باید نیت روزه گرفتن بکنیم؟ آیا شرط هست که هر شب نیت بکنیم؟

ج: نیت از شب شروع می‌شود، اگرچه که آخر شب باشد، ولی باید نیت کرد، رسول الله ج فرمود: «إنما الأعمال بالنيات»([[165]](#footnote-165)). «اعمال انسان بر اساس نیت محاسبه می‌شود». قول صحیح این است که باید هر شب نیت کرد، مگر این که روزه سنت باشد، که در سنت شرط نیست که شب نیت کند و اگر در روز شروع به روزه گرفتن نمود یعنی صبح از خواب بیدار شد و شب نیت نکرده بود اما چیزی در صبح نخورد نه خوردنی و نه نوشیدنی ونه هم کاری که باعث باطل شدن روز باشد انجام داد، سپس خواست که آن روز را روزه بگیرد، درست است و اشکالی ندارد، از ام المومنین عایشهل روایت شده است که فرمود: «رسول الله ج نزد من آمد و پرسید: چیزی برای خوردن هست؟ گفتم: نه، فرمود: پس من روزه هستم»([[166]](#footnote-166)) پس رسول الله علیه الصلاة والسلام در وسط روز روزه گرفت([[167]](#footnote-167)).

س9: اگر انسان در ماه رمضان صدای اذان را از طریق رادیو شنید و گمان کرد که اذان به افق شهر خودش است اما بعد مشخص شد که به افق شهری که قبل از شهرش هست می‌باشد، آیا باید قضای آن روز را به جا بیاورد؟

ج: اگر می‌داند که قبل از غروب خورشید افطار کرده است باید قضا بجا بیاورد([[168]](#footnote-168)).

س10: حکم شرعی روزه کسی که صدای اذان صبح را شنیده ولی به خوردن و نوشیدن ادامه داده چیست؟

ج: واجب است که انسان مؤمن از خوردن و نوشیدن و کارهای افطار کننده دیگر وقتی که فهمید وقت صبح داخل شده دست بردارد و خودداری کند، بخصوص اگر روزه‌های فرض مانند روزه رمضان و روزه نذری یا روزه کفارات باشد خداوند فرموده است: ﴿وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلۡخَيۡطُ ٱلۡأَبۡيَضُ مِنَ ٱلۡخَيۡطِ ٱلۡأَسۡوَدِ مِنَ ٱلۡفَجۡرِۖ ثُمَّ أَتِمُّواْ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيۡلِۚ﴾ [البقرة: 187]. «و بخورید و بیاشامید، تا رشته‌ی سفید صبح از رشته‌ی سیاه (شب) برای شما آشکار شود، سپس روزه را تا شب به پایان رسانید»، اگر صدای اذان را شنید و دانست که صدای اذان صبح هست، واجب است که از خوردن و نوشیدن دست بردارد، اما اگر مؤذن قبل از داخل شدن وقت صبح اذان می‌گفت واجب نیست که امساک کند و از خورد و نوش دست بکشد، جایز هست که بخورد و بنوشد تا برایش آشکار شود که صبح شده است، اما اگر نفهمید که مؤذن برای صبح اذان می‌گوید یا برای قبل از صبح، اولی و احتیاط این است که امساک کند و دست از خوردن بردارد، اما اگر در وقت اذان گفتن چیزی خورد یا نوشید اشکال ندارد، چون ندانسته که وقت صبح داخل شده است، در زمان کنونی بخاطر وجود برق و نور که در شهرها نصب شده انسان نمی‌تواند خودش وقت دخول صبح را ببیند، ولی باید احتیاط کند و به اذان توجه نماید و به تقویم‌هایی که وقت صبح را با ساعت و دقیقه مشخص می‌کند، توجه کند تا به قول پیامبر که فرموده: «دع ما يريبك إلى ما لا يريبك»([[169]](#footnote-169)) «رها کن چیزی که تو را به شک می‌اندازد و بگیر چیزی که تو را به شک نمی‌اندازد». و رسول الله ج فرموده: «من اتقى الشبهات فقد استبرأ لدينه وعرضه»([[170]](#footnote-170))([[171]](#footnote-171)). «کسی که خود را از شبهات نگه داشت دین و ناموس خود را از گناه حفظ کرده است».

س11: من بخاطر اینکه بیماری آسم دارم از اسپری مخصوص استفاده می‌کنم، روزه دار هستم و یک طعم تلخی را در دهانم احساس می‌کنم، آیا باید افطار کنم؟

ج: اگر به خاطر ضرورت هست ان شاء الله روزه را باطل نمی‌کند، چون جزو نوشیدنی و خوردنی نیست، بلکه هوا و تنفسی است که وقتی دچار مشکل می‌شوی از آن استفاده می‌کنی، صحیح این است که روزه را باطل نمی‌کند ولی باید فقط در مواقع ضرورت از آن استفاده کرد ([[172]](#footnote-172)).

س12: حکم روزه کسی که در یک کشوری روزه گرفته و به کشوری دیگر که از لحاظ زمانی با وقت کشور اول متفاوت هست چگونه هست؟

ج: از شیخ/ سوال شده: حکم روزه کسی که از یک کشور اسلامی سفر کرده و به کشوری دیگر که مردم آنجا یک روز دیرتر روزه گرفته‌اند چیست، آیا باید خود را همراه و تابع آنها قرار دهد، اگرچه که سی روز بیشتر روزه بگیرند، یا برعکس؟ شیخ جواب دادند: اگر شخصی از یک کشور اسلامی به کشور اسلامی دیگر مسافرت کند که مردم آنجا دیرتر روزه‌شان تمام می‌شود، باید با مردم آن کشور و شهر روزه را تمام کند، چون باید روزی که مردم روزه هستند او نیز روزه باشد و روزی که مردم روزه را تمام می‌کند او نیز افطار کند، و روز عید قربان روزی است که مردم عید می‌کنند، اگرچه که یک روز یا بیشتر از سی روز را روزه بگیرد، همچنین اگر به یک کشور و شهری سفر کرد که غروب خورشید دیرتر از شهر خودش هست باید صبر کند و روزه باشد تا خورشید غروب کند، اگرچه که از روز عادی دو ساعت یا سه ساعت یا بیشتر تا غروب طول بکشد، چونکه وقتی به کشور دیگری می‌رود هلال در آنجا رویت نشده است و پیامبر دستور داده است که روزه نگیریم و روزه را تمام نکنیم مگر بعد از رویت ماه، فرموده: «صوموا لرؤيته، وأفطروا لرؤيته»([[173]](#footnote-173)) «با دیدن ماه روزه بگیرید و با دیدن ماه روزه را تمام کنید».

اما اگر مسأله بر عکس رخ داد یعنی از کشوری سفر کرد به کشوری دیگر که در آن کشور دوم روزه را زودتر گرفته‌اند، باید با آنها روزه را تمام کند و قضای روزی را که افطار کرده را به جا بیاورد، اگر یکروز را افطار کرد قضای یکروز را به جا می‌آورد و اگر دو روز را افطار کرد قضای دو روز را به جا می‌آورد، اگر بعد از بیست و هشت روز از رمضان که روزه رفته بود افطار کرد، دو را قضا می‌گیرد، اگر روزهای ماه رمضان در هر دو کشور کامل بوده باشد، و اگر در هر دو کشور یا یکی از کشورها رمضان بیشتر از سی روز بود فقط یک روز را قضا می‌گیرد([[174]](#footnote-174)).

س13: آیا روزه دار اجاز دارد که همسر خود را ببوسد؟

ج: روزه دار اگر می‌داند که انزال منی رخ نمی‌دهد اجازه دارد که ببوسد، اما اگر می‌ترسد که انزال منی رخ دهد مکروه هست که این کار را انجام دهد، اگر بوسید یا با همسرش بازی کرد و انزال منی رخ داد روزه‌اش بر اساس قول صحیح علماء فاسد شده است، باید روزه را قضا بگیرد ولی کفاره ندارد، عایشهل می‌گوید: رسول الله ج «در حالت روزه می‌بوسید و مباشرت می‌کرد، ولی کدام یک از شما می‌تواند مانند او خود را نگه دارد»،به روایت مسلم([[175]](#footnote-175)).

س14: آیا تزریق کردن از طریق عضلات یا از طریق رگ حکمش یکسان هست؟

ج: در هیچ صورت روزه را باطل نمی‌کند، صحیح این است، مگر اینکه بخاطر رساندن غذا و خوراک باشد([[176]](#footnote-176)).

س15: آیا روزه دارد اجازه دارد در ماه رمضان با آب و صابون غسل بزند؟ و آیا کسی که جنب شد باید روزه خود را بخورد؟ آیا بوخوشی روزه را باطل می‌کند؟

ج: اولا: روزه دار اجازه دارد که در روز رمضان با آب و صابون غسل بزند.

دوما: اگر کسی که روزه هست در روز رمضان جُنُب شد روزه‌اش فاسد نمی‌شود بلکه باید غسل برند اگر انزال منی رخ داد.

سوما: اگر کسی که روزه هست در روز رمضان از هر نوع بوخوشی در رمضان استفاده کرد، روزه‌اش باطل نمی‌شود، اما از بخور استفاده نکند و بخور را بو نکند همچنین بوخوشی‌های که پودر می‌کنند و روی آتش می‌گذارند مانند مسک([[177]](#footnote-177)).

16: در مورد مسواک زدن در ماه مبارک رمضان سوال دارد، آیا جایز هست در وسط روز رمضان از مسواک استفاده کنیم یا نه؟

ج: روزه دار اجازه دارد در تمام روزهای رمضان از مسواک استفاده کند، به خاطر عام بودن احادیثی که در مورد مسواک آمده است، و در حدیثی که امام ترمذی از عامر بن ربیعه روایت کرده است آمده که او گفت: «پیامبر را چندین بار که از شمارش خارج است دیده‌ام که در حالی که روزه بود مسواک می‌زد»، و ترمذی گفته: این حدیث حسن است([[178]](#footnote-178)).

س17: آیا روزه دار اجازه دارد که در حال روزه از خمیر دندان استفاده کند؟ بیاد داشته باشید که روزه دار می‌تواند فقط از مسواک چوبی استفاده کند، و حکم داروهایی که برای شتسشوی دهان است (با آن مضمضه می‌کنند) چیست؟

ج: هیچ اشکالی وجود ندارد که در روز رمضان هنگام روزه از خمیردندان استفاده کرد، اما باید تمام آنچیزهایی که در دهانش مانده را باید بیرون بریزد، و اگر چیزی بدون تقصیر او به حلقش وارد شد به روزه‌اش ضرری وارد نمی‌کند، همچنین هیچ اشکالی ندارد که از دهان شوی استفاده شود بشرط اینکه مضمضمه کند و به عمد چیزی را فرو نبرد، و چشیدن غذا نیز همین حکم را دارد یعنی می‌تواند آن را به دهان بزند ولی آن را نخورد([[179]](#footnote-179)).

س18: حکم خوردن آب دهن برای روزه دار چیست؟

ج: خوردن آب دهن برای روزه دار اشکال ندارد، و فکر نکنم که بین علما در این مورد اختلاف باشد، چون در آن سختی وجود دارد و نمیتوان آن را بیرون ریخت، اما آب بینی و بلغم، اگر به دهان وارد شد باید بیرون ریخت، و روزه دار اجازه ندارد آن را ببلعد چون می‌تواند از آن دوری کرد و همیشگی نیست، اما آب دهان همیشگی می‌باشد([[180]](#footnote-180)).

س19: حکم جماع کردن در روز رمضان چیست؟ هم زن و هم شوهر از حکم آن بی‌خبر بودند، و جماع در روز رمضان و با رضایت هر دو صورت گرفته است، چون شوهر مسافر بود و به خاطر سفر اجازه افطار کردن را داشت، اما زن مسافر نبود؟

ج: هم زن و هم شوهر باید قضای آن روز را به جا بیاورند و هر دو باید کفاره بدهند، کفاره این است که باید یک برده را آزاد کند، اگر نیافت باید دو ماه پشت سرهم، هر روز را روزه بگیرد، اگر توان آن را نداشت باید به شصت مسکین غذا بدهد، و علاوه بر این باید توبه کنند، چونکه شوهر وقتی که از سفر برگشت باید بقیه روز را چیزی نمی‌خورد و کاری نمی‌کرد و در حالت امساک قرار می‌گرفت چون سفرش تمام شده بود([[181]](#footnote-181)).

س20: حکم انجام‌دادن عادت سری (استمناء) در روز رمضان چیست؟

ج: انجام دادن عادت سری (استمنا با دست) حرام است، و در روز رمضان حرمتش بیشتر می‌باشد، روزه‌اش باطل است و باید قضای روزی که در آن روز استمنا انجام داده را به جا بیاورد، چون روزه را فاسد می‌کند([[182]](#footnote-182)).

فصل پنجم:  
زیارت مدینه و احکام آن

س1: بعضی از برادران که به عربستان می‌آیند می‌گویند: همه زیارت‌گاه‌ها در مدینه یا در مکه -می‌گویند- مقدس هست. و همچنین غار حرا و غار ثور و جبل الرحمه را زیارت می‌کنند، می‌گویند جزو اماکن مقدس هستند؟

ج: این غلط است، اینها جزو اماکن مقدسه نیستند، به غار ثور و غار حرا و خانه فلانی نمی‌توان گفت اماکن مقدسه، چون رسول الله ج آن را مقدس قرار نداده است، چون از زمانی که بر رسول الله در غار حرا وحی نازل شد، پیامبر دوباره به زیارت غار حرا نرفت، بعد از آن در غار حرا به عبادت مشغول نشد، و مردم را به زیارت آن دعوت نکرد، صحابه نیز به زیارت آن نرفته‌اند، این نشان دهنده این است که مقدس نیست، زیارت نشده و مستحب نیست که زیارت شود در مدینه نیز به همین صورت، فقط به زیارت مسجدالنبی ج می‌رود آنجا نماز می‌خواند، به مسجد قبا می‌رود و نماز می‌خواند، به زیارت قبرستان بقیع می‌رود و بر مردگان سلام می‌دهد که فقط مخصوص مردان است و همچنین مستحب است که به قبرستان شهدای احد برود و بر آنها سلام دهد، برای مردگان دعا کند که مخصوص مردان است، اما نباید گفت که این قبرستان‌ها: مقدس هستند، چون این حرف هیچ دلیلی ندارد، بلکه فقط برای اینکه بر مردگان این قبرستان دعا کند و ترحم کند بر آنها و خودش عبرت و درسی بگیرد به زیارت قبرستان می‌رود، قبرستان برای عبرت گرفتن و به یاد مرگ افتادن است، مسلمان به زیارت قبر می‌رود تا بر مردگان سلام دهد و برایشان دعا کند، با این کار از رسول الله ج و صحابه کرام ش پیروی کرده است، اما مسلمان به زیارت قبر نمی‌رود که از مرده طلب دعا کند یا آنجا نماز بخواند این کار منکری است، برای خواندن قرآن بر سر قبر نیز نمی‌رود، این کار مشروع نمی‌باشد، بلکه در قبرستان بقیع و قبرستان شهدای احد و قبرستان معلاه در مدینه و سایر قبرستان‌ها که مسلمان‌ها به آنجا می‌روند باید فقط برای سلام کردن بر اموات و دعا کردن بر آنها برود اما نباید قصد سفرش خاص برای این قبرستان‌ها باشد، و نباید نیتش فقط این قبرستان‌ها باشد، اما از نظر شرعی اگر در جایی بود و به زیارت قبرستان آنجا رفت اشکالی ندارد؛ اما زنها به زیارت قبر نمی‌روند، چون از رسول الله ج ثابت شده است که زنانی که به زیارت قبر می‌روند را مورد نفرین قرار داده است، چونکه باعث فتنه می‌شوند، صبرشان کم است، پس از حکمت الهی این است که آنها را از زیارت قبر نهی کرده است، و بر آنها حرام قرار داده است، در مدینه چیزی به غیر از اینها که ذکر شد زیارت نمی‌شود، اما چاه‌ها و کوه و مساجد دیگر مشروع نیست که زیارت شود، در زیارتشان عبادت نیست، در مدینه منوره فقط چهار اماکن زیارت می‌شود: مسجد النبی ج برای نماز خواندن در آن، قرآن خواندن و دعا کردن، و مسجد قبا برای نماز خواندن در آن همانطور که رسول الله انجام داده است، و قبرستان بقیع برای سلام کردن بر اموات و دعا بر آنها، و قبرستان شهدای احد، برای دعا کردن و سلام دادن بر آنها، و اگر در هر جایی قبرستانی بود در آنجا نیز همین کار را انجام می‌دهد، اما قصد سفر برای زیارت قبر نمی‌کند، فقط برای پند و اندرز گرفتن به زیارت قبر می‌رود، اما موالد را زیارت نمی‌کند، و مقدس نیست، و مولد جایی است که یک شخص در آنجا به دنیا آمده است؛ مانند محل ولادت رسول الله ج یا محل ولادت علی یا اشخاص دیگر زیارت این اماکن مشروع نیست، نه محل تولد این بزرگان و نه محل تولد افراد دیگر یعنی چنین اماکنی از نظر شرعی هیچ جایگاهیی ندارند که به چنین محلی برای زیارت رفت، نه محل تولد پیامبر ج و نه محل تولد علی یا عباس یا فاطمه و یا اشخاص دیگر ش، چون پیامبر ج و صحابه ش چنین کاری را انجام نداده‌اند، این کار بدعت است، و رسول الله ج فرموده است، «من عمل عملاً ليس عليه أمرنا فهو رد»([[183]](#footnote-183)) «اگر کسی کاری را انجام دهد که دستور ما بر انجام آن کار نیست، آن کار مردود است». و همچنین فرموده است: «من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد»([[184]](#footnote-184)) «اگر کسی در دین ما چیز جدیدی به وجود بیاورد که از آن نیست آن چیز مردود است» پس شایسته است یک شخص مسلمان در هر کاری که به قصد عبادت می‌خواهد انجام دهد ابتدا نظر و دیدگاه شریعت را در مورد آن کار بررسی کند، اگر موافق با دستورات دین بود آن را انجام دهد اما اگر مخالف شرع و دستورات اسلامی بود در هر جایی که آن مسئله باشد، آن را رها کند، راه نجات و خوشبختی همین است، علما و اهل بصیرت نظرشان بر این است([[185]](#footnote-185)).

س2: من میخواهم مسجد رسول الله ج در مدینه منوره را زیارت کنم، روش سلام دادن بر رسول الله چگونه است؟ آیا زیارت مسجد النبی واجب است؟

ج: زیارت مسجد النبی ج واجب نیست، اما سنت است که به مدینه منوره بروی و در مسجد النبی نماز بخوانی، وقتی به مسجد رفتی ابتدا نماز بخوان سپس به قبر رسول الله ج برو و بگو: «السلام عليك أيها النبي صلى الله عليه وسلم ورحمة الله وبركاته، صلى الله عليك وعلى آلك وأصحابك»، زیاد سلام و درود بفرست، چون از رسول الله ج روایت شده که فرمود: «وصلوا علي فإن صلاتكم تبلغني حيث كنتم»([[186]](#footnote-186)) «بر من درود بفرستید چون در هر جایی که باشید درود شما به من رسانده می‌شود» سپس بر ابوبکر و عمر سلام می‌دهد و از آنها اعلام رضایت می‌کند، قبر را لمس نمی‌کند، در آنجا دعا نمی‌کند، و در هر جایی از مسجد که خواست دعا می‌کند، از رسول الله ج روایت شده که فرمود: «لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام ، ومسجدي هذا، والمسجد الأقصى» «(به قصد عبادت) سفر نکنید مگر به سوی سه مسجد: مسجدالحرام و این مسجد من (مسجدالنبی) و مسجد الأقصی» بخاری و مسلم و احمد و ابوداود و نسائی این حدیث را رعایت کرده‌اند([[187]](#footnote-187)).

س3: جواب ما را بدهید -جزاکم الله خیرا- آیا این حدیث صحیح است: «من صلى في مسجدي هذا أربعين صلاة لا تفوته صلاة دخل الجنة» «اگر کسی که در مسجد من چهل نماز بخواند و هیچ نمازی از او فوت نشود وارد بهشت می‌شود»

ج: این حدیث ضعیف می‌باشد و در آن آمده است: «من صلى في مسجدي أربعين صلاة لا تفوته التكبيرة الأولى كتب له براءة من النار وبراءة من العذاب وبراءة من النفاق»([[188]](#footnote-188)) «اگر کسی در مسجد من چهل نماز بخواند، تکبیره الاولی از او فوت نشود برایش نجات از آتش جهنم و نجات از عذاب و نجات از نفاق نوشته می‌شود»، این حدیث صحیح نمی‌باشد، اگرچه که بعضی آن را صحیح می‌دانند اما حدیث ضعیف است، اما نمازخواندن در مسجد النبی خیر و ثواب بزرگی دارد، رسول الله ج می‌فرماید: «صلاة في مسجدي هذا خير من ألف صلاة فيما سواه إلا المسجد الحرام»([[189]](#footnote-189)). «نمازخواندن در مسجد من (مسجد النبی) بهتر از هزار نماز در مسجدی دیگر است بجز مسجد الحرام». پس ثواب نمازخواندن در مسجد النبی بسیار زیاد است، اما حدیثی که لفظ نجات از آتش جهنم و عذاب و نفاق در آن آمده است صحیح نیست([[190]](#footnote-190)).

مآخذ

1. صحيح الإمام البخاري.
2. صحيح الإمام مسلم.
3. المعجم الاوسط.
4. صحيح ابن خزيمة.
5. سنن أبي داود.
6. سنن الترمذي.
7. سنن النسائي.
8. سنن ابن ماجه.
9. الأذكار للنووي.
10. شرح الإمام النووي (على صحيح مسلم).
11. مختصر السنة لعبدالعزيز بن جعفر بن أحمد بن يزداد بن معروف الحنبلي.
12. فتاوى سماحة مفتي عام المملكة الشيخ عبد العزيز بن عبد الله آل الشيخ.
13. البحوث الاسلامية لهيئة كبار العلماء.
14. برنامج نور على الدرب.
15. فتاوى الشيخ عبد العزيز بن باز/.
16. فتاوى الشيخ ابن عثيمين/.
17. فتاوى هيئة كبار العلماء .

1. - رواه ابو داود (337) و منذری گفته است: ابوداود آن را منقطع روایت کرده و ابن ماجه آن را متصل روایت کرده... نگا «مختصر السنة» 1/209 و آلبانی گفته: حدیث حسن است، و ابن خزیمه و ابن حبان آن را در «کتاب صحیح» خود آورده اند و حاکم گفته است: حدیث صحیح است، امام ذهبی با او موافق هست أ. ه «صحیح ابو داود» (365). [↑](#footnote-ref-1)
2. - بخاری 6/361 در کتاب الأنبیاء روایت کرده، باب ما ذکر عن بنی اسرائیل و ترمذی حدیث شماره (2671) فی کتاب العلم، باب ماجاء فی الحدیث عن بنی اسرائیل، و رجوع به شرح حدیث در «الفتح» 1/180-181. [↑](#footnote-ref-2)
3. - بخاری آن را در «الاعتصام» -در باب اقتداء به سنت‌های رسول الله، ص182، مسلم در «الفضائل - باب توقیر النبی، ص262، بخاری آورده: دعونی، و مسند احمد: ص508-ج2. [↑](#footnote-ref-3)
4. - به روایت بخاري 1 / 73 در کتاب الإيمان، باب کسی گفت: «إن الإيمان هو العمل»، و در کتاب الحج، باب فضل الحج المبرور، ومسلم حدیث شماره (83) در کتاب الإيمان، باب بيان كون الإيمان بالله تعالى أفضل الأعمال، و الترمذي حدیث شماره (1658) در فضائل الجهاد، باب ما جاء في أي الأعمال أفضل، و النسائي 5 / 113 در الحج، باب فضل الحج. [↑](#footnote-ref-4)
5. - به روایت بخاری 3 / 476 در کتاب الحج، باب وجوب العمرة وفضلها، و مسلم شماره (1349) در الحج، باب في فضل الحج والعمرة ويوم عرفة، والموطأ 1 / 346 در الحج، باب جامع ما جاء في العمرة، والترمذي شماره (933) در الحج، باب ما ذكر في فضل العمرة، والنسائي 5 / 112 و 115 در الحج، باب فضل الحج المبرور، و باب فضل العمرة. [↑](#footnote-ref-5)
6. - مصدر سابق. [↑](#footnote-ref-6)
7. - بخاري (2/553، 658، 3/1026) (1448، 1762، 2632)، و النسائي (5/114)، وأحمد (6/79)، وابن حبان (9/15) (3702) . [↑](#footnote-ref-7)
8. - به روایت مسلم شماره (1348) در الحج، باب في فضل الحج والعمرة يوم عرفة، والنسائي (5/251 و 252) در الحج، باب ما ذكر في يوم عرفة. [↑](#footnote-ref-8)
9. - قبلاً بررسی شد. [↑](#footnote-ref-9)
10. - از عایشهل روایت شده که فرمود: «رسول الله ج ضباعه بنت زبیر را ملاقات کرد از او پرسید: آیا می‌خواهی به حج بروی؟ ضباعه جواب داد: به خدا قسم هیچ چیزی مانع نمی‌شود بجز مریضی، رسول الله به او فرمود: حج انجام بده و در نیتت شرط قرار بده و بگو: پروردگارا محل خروجم از احرام جایی است که مانع مرا حبس کند. او همسر مقداد بن اسود بود» بخاری9/114 در کتاب نکاح، باب الأكفاء في الدين، و مسلم (1207) در حج، باب جواز اشتراط المحرم التحلل بعذر المرض و نحوه، و نسائی 5/168 در حج، باب کیف یقول إذا اشترط. [↑](#footnote-ref-10)
11. - حيوة بن شريح/: می‌گوید: َعقبةَ بنَ مسلم را ملاقات کردم گفتم: به من خبر رسیده که تو از عبدالله بن عمرو بن العاص روایت کرده‌ای که گفته: رسول الله ج زمانی که به مسجد وارد می‌شد می‌گفت: «أَعُوذُ بِاللهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الكْرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». گفتم آیا تو این را گفته‌ای؟ عبدالله گفت: بله، گفت: اگر این دعا را بخواند، شیطان می‌گوید: تمام روز از من در امان ماند». به روایت أبو داود شماره (466) در الصلاة، باب فيما يقوله الرجل عند دخوله المسجد، و سند آن جيد است، و امام نووي در کتاب «الأذكار» گفته: حديث حسن است أبو داود با إسناد جيد آن را روایت کرده، و الحافظ ابن حجر در «تخريج الأذكار آن را حسن دانسته. [↑](#footnote-ref-11)
12. - عبد الله بن عباسب گفت «رسول الله ج در حجَّةِ الوداع سوار بر یک شتر طواف می‌کرد، با عصا بر رکن سلام می‌داد». بخاري 3 / 378 در الحج، باب استلام الركن بالمحجن، و باب من أشار إلى الركن إذا أتى عليه، و باب التكبير عند الركن، وباب المريض يطوف راكباً، و در الطلاق، باب الإشارة في الطلاق والأمور، و مسلم (1272) در الحج، باب جواز الطواف على بعير وغيره واستلام الحجر بالمحجن، وأبو داود حدیث (1877) في المناسك، باب الطواف الواجب، و نسائي 5 / 233 در الحج، باب استلام الركن بالمحجن، والترمذي شماره (865) در الحج، باب ما جاء فی الطواف راكباً، و ابن ماجة شماره (2948) در المناسك، باب من استلم الركن بمحجن، وأحمد در المسند 1 / 214 و 237 و 248 و 304. [↑](#footnote-ref-12)
13. - حدیث: «أَنَّهُ قَالَ لِعَائِشَةَ وَقَدْ حَاضَتْ وَهِيَ مُحْرِمَةٌ: اصْنَعِي مَا يَصْنَعُ الْحَاجُّ غَيْرَ أَلَّا تَطُوفِيَ بِالْبَيْتِ» مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ. و در بخَارِي از جَابِرٍ: «غَيْرَ أَلَّا تَطُوفِيَ وَلَا تُصَلِّي» «به عایشه که حیض شده بود و احرام بسته بود فرمود تمام کارهایی را که یک حاجی انجام می‌دهد را انجام بده، فقط طواف خانه نکن». [↑](#footnote-ref-13)
14. - عبد الله بن عمر بن الخطابب می‌گوید: «ندیده‌ام که رسولَ الله ج سلام به چیزی از خانه خدا بدهد بجز دو رکن یمانی». امام نووي در «شرح مسلم» 1 / 412 گفته: دو رکن یمانی: یعنی ركن حجرالأسود و ركن يماني، به هردوی آنها «دو رکن یمانی» گفته شده به خاطر تغلیب، مثل اینکه به أب و أم می‌گویند: الأبوان، و به شمس و قمر می‌گویند: قمران، به أبو بكر و عمر می‌گویند: عمران، و به ماء و تمر: الأسودان، و مانند این مشهور است.

    (صحيح مسلم بَابُ اسْتِحْبَابِ اسْتِلَامِ الرُّكْنَيْنِ الْيَمَانِيَيْنِ فِي الطَّوَافِ دُونَ الرُّكْنَيْنِ الْآخَرَيْنِ). [↑](#footnote-ref-14)
15. - جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ؛ می‌گوید: رَسُولَ اللهِ ج را دیدم که به صورت رَمَلَ و سرعت حرکت می‌کرد، از ْحَجَرِ الْأَسْوَدِ شروع کرد و به آن تمام کرد تا سه دور به صورت سریع حرکت کرد. امام مالک می‌گوید: تا الآن این نظر علمای سرزمین و شهر ما هست. / الموطأ 3/532 [↑](#footnote-ref-15)
16. - عَنِ ابْنِ جُرَيْجٍ، عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنْ ابْنِ يَعْلَى بْنِ أُمَيَّةَ، عَنْ أَبِيهِ يَعْلَى أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، «طَافَ مُضْطَبِعًا» قَالَ قَبِيصَةُ: وَعَلَيْهِ بُرْدٌ / سنن ابن ماجه 2/984 «رسول الله در حالت اضطباع طواف کرد». [↑](#footnote-ref-16)
17. - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ السَّائِبِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» «رسول الله بین دو رکن می‌گفت: مَا بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سنن أبي داود 2/179 / حسنه الشيخ الألباني . [↑](#footnote-ref-17)
18. - أَبِي ذَرٍّ می‌گوید: بین کعبه و پرده‌اش بود که رسول الله ج وارد مسجد شد از حجرالاسود شروع کرد بر آن سلام داد، سپس هفت دور طواف خانه انجام داد و سپس پشت مقام دو رکعت نماز خواند. [ص:364]» مسند أبي داود 1/363. [↑](#footnote-ref-18)
19. - صحيح مسلم 2/886 [↑](#footnote-ref-19)
20. - البحوث الإسلامية لهيئة كبار العلماء (جزء: 17، صفحه: 426). [↑](#footnote-ref-20)
21. - صحيح مسلم (1297). [↑](#footnote-ref-21)
22. - نگا:صحيح مسلم باب حجة الوداع 2/886. [↑](#footnote-ref-22)
23. - المعجم الاوسط 9/64. [↑](#footnote-ref-23)
24. - صحيح ابن خزيمة 4/263 آلبانی گفته: إسناده ضعيف لعنعنة أبي الزبير. [↑](#footnote-ref-24)
25. - أبو داود شماره (1936) و (1937) در المناسك، باب الصلاة بجمع، و إسنادش صحيح است. و روايت أول نزد مسلم نیز هست شماره (1218) در الحج، باب ما جاء أن عرفة كلها موقف، و روايت دوم نزد ابن ماجه هست شماره (3048) في المناسك، باب الذبح. [↑](#footnote-ref-25)
26. - نگاه: سنن ترمذي شماره (885) در الحج، باب ما جاء أن عرفة كلها موقف، و أبو داود شماره (1735) در المناسك، باب الصلاة بجمع، وإسنادش حسن است، و ترمذي گفته: حديث حسن صحيح، و در این باب از جابر روایت هست. [↑](#footnote-ref-26)
27. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-27)
28. - مسلم (1327) در الحج، باب وجوب طواف الوداع وسقوطه عن الحائض، وأبو داود شماره [ص:201] (2002) در المناسك، باب الوداع، و همچنین ابن ماجه (3070) در المناسك، باب طواف الوداع، و دارمي در السنن 2 / 72 در المناسك، باب طواف الوداع. [↑](#footnote-ref-28)
29. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-29)
30. - البحوث الاسلامية لهيئة كبار العلماء (جزء: 46، صفحه: 8. [↑](#footnote-ref-30)
31. - صحيح بخاري باب مهل أهل مکة ج: 2/ص:134. [↑](#footnote-ref-31)
32. - قبلاً تخریج شد. [↑](#footnote-ref-32)
33. - فتاواى شيخ عبد العزيز بن باز (جزء: 16، صفحه: 43). [↑](#footnote-ref-33)
34. - فتاواى مفتي سعودی شيخ عبد العزيز بن عبد الله آل الشيخ (جزء: 1 صفحه: 16). [↑](#footnote-ref-34)
35. - مالك «1/324، 325»، كتاب الحج: باب ما ينهى عنه من لبس الثياب في الإحرام، حديث «8»، بخاري «3/401»، كتاب الحج: باب ما لا يلبس المحرم من الثياب، حديث «1542»، و مسلم «2/834»، كتاب الحج: باب ما يباح للمحرم بحج أو عمرة، وما لا يباح، وبيان تحريم الطيب عليه، حديث «1/1177»، وأبو داود «2/411»، كتاب المناسك «الحج»: باب ما يلبس المحرم، حديث «1824»، و ترمذي «3/194، 195»، كتاب الحج: باب النهي عن لبس القميص للمحرم، وابن ماجه «2/977»، كتاب المناسك: باب ما يلبس المحرم من الثياب، حديث «2929»، وأحمد «2/3، 4، 29، 32 41، 54، 77، 119»، والدارمي «20/32»، كتاب الحج: باب ما يلبس المحرم من الثياب، والطيالسي «1839»، وابن خزيمة «4/163- 164، 200» و دارقطني «2/230»، و حميدي «2/281»، شماره «626»، و ابن جارود «416»، و طحاوي في «شرح معاني الآثار» «2/134- 135»، والبيهقي «5/46، 49»، وأبو يعلى «9/304»، شماره «5425»، وابن حبان «3789، 3792، 3793»، از روایت‌های گوناگون از ابن عمر. و ترمذي گفته: حسن صحيح. [↑](#footnote-ref-35)
36. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 17 صفحه: 126). [↑](#footnote-ref-36)
37. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11 صفحه: 171). [↑](#footnote-ref-37)
38. - فتاوى برنامج نور على الدرب (جزء: 17 صفحه: 244 - 245). [↑](#footnote-ref-38)
39. - فتاواى مفتي کشور سعودی شيخ عبد العزيز بن باز/ (جزء: 17، صفحه: 68). [↑](#footnote-ref-39)
40. - فتاواى شيخ عبد العزيز بن باز (جزء: 17، صفحه: 68). [↑](#footnote-ref-40)
41. - فتاوى شیخ ابن باز (جزء: 17، صفحه: 57). [↑](#footnote-ref-41)
42. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-42)
43. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 2، صفحه: 21). [↑](#footnote-ref-43)
44. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 2، صفحه: 19). [↑](#footnote-ref-44)
45. - حديث از روايت صفوان بن يعلى بن أمية عن أبيه يعلى: به روایت بخاري «9/9»، كتاب فضائل القرآن: باب كيف نزل الوحي، وأول ما نزل، حديث «4985»، ومسلم «2/837»، كتاب الحج: باب ما يباح للمحرم بحج أو عمرة، حديث «8/1180»، و أبو داود «2/407، 408»، كتاب المناسك «الحج»: باب الرجل يحرم في ثيابه، حديث «1819»، و ترمذي «3/196، 197»، كتاب الحج: باب ما جاء في الذي يحرم وعليه قميص أو جبة، حديث «836»، و نسائي «5/142، 143»، كتاب الحج: باب في الحلوق للمحرم، و ابن الجارود «447»، و الحميدي «2/347»، شماره «790، 791»، وابن خزيمه «4/191، 193»، شماره «2670، 2671، 2672»، و در «التمهيد» «2/250-251» والبيهقي «5/56»، كتاب الحج: باب لبس المحرم وطيبه جاهلاً أو ناسياً لإحرامه، و در «دلائل النبوة» «5/205»، از طريق عطاء که صفوان بن یعلی بن امیه به او خبر داد که یعلی به عمربن خطاب س گفت: ای کاش پیامبر را در حالتی که وحی بر او نازل می‌شود می‌دیدم، می‌گوید: وقتی در جعرانه بود و بر رسول الله لباسی بود که آن را سایه بان خود قرار داده بود، همراهش گروهی از صحابه بودند که عمر نیز جزو آنها بود، در این هنگام مردی آمد که لباسی بر تن داشت که بر آن بو خوشی زده بود، رسول الله ج مدتی نگاه کرد سپس سکوت کرد، و وحی بر او نازل شد، عمر به یعلی اشاره کرد که بیا، یعلی آمد و سرش را داخل کرد، و دید چهره رسول الله سرخ شده و عرق می‌کند، سپس وحی پایان یافت، فرمود: کسی که مدتی قبل در مورد عمره سوال کرد کجاست؟" مرد را جستجو کردند و آوردند نزد رسول الله، ایشان گفتند: "اما بوخوشی که بر تو هست، آن را سه بار بشوی و جبه را" از تن در بیاور و سپس همانکاری که درحج انجام میدهی در عمره انجام بده." همچنین مالك «1/328، 329»، كتاب الحج: باب ما جاء في الطيب للحج «18»، از عطاء بن أبي رباح به صورت مرسل روایت کرده. [↑](#footnote-ref-45)
46. - قبلاً تخریج شد. [↑](#footnote-ref-46)
47. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 2، صفحه: 18). [↑](#footnote-ref-47)
48. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 2، صفحه: 18). [↑](#footnote-ref-48)
49. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 211). [↑](#footnote-ref-49)
50. - أبو داود شماره (792) و (793) در الصلاة، باب في تخفيف الصلاة، و أحمد در «المسند» 3 / 474 وابن ماجه از حديث أبي هريرة س شماره (910) در إقامة الصلاة، باب ما يقال في التشهد والصلاة على النبي ج، بوصيري در الزوائد گفته: إسنادش صحيح ورجالش ثقه هستند. [↑](#footnote-ref-50)
51. - مجموع فتاوى شيخ عبد العزيز بن باز/ /الدعاء في الطواف /ج17/ص223 [↑](#footnote-ref-51)
52. - فتاوى شيخ عبد العزيز بن باز (جزء: 17، صفحة: 224). [↑](#footnote-ref-52)
53. - مصنف ابن أبي شيبة 2/238. [↑](#footnote-ref-53)
54. - «المسند»: (6/92- 93). [↑](#footnote-ref-54)
55. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11 صفحه: 234). [↑](#footnote-ref-55)
56. - بخاري به صورت تعلیق با صيغة جزم آورده 4/298 در البيوع: باب النجش ووصله في الصلح 5/221: باب إذا اصطلحوا على صلح جور فالصلح مردود، و مسلم شماره (1718) در الأقضية: باب نقض الأحكام الباطلة، وأبو داود در السنة: باب لزوم السنة 2/506، و ابن ماجه در المقدمة: باب تعظيم حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم شماره 14. [↑](#footnote-ref-56)
57. - مصدر سابق. [↑](#footnote-ref-57)
58. - أحمد، وأبو داود، و ترمذى -حسن صحيح- وابن ماجه، وابن جرير، والحاكم، والبيهقى از العرباض بن سارية) أحمد (4/126، شماره 17184)، وأبو داود (4/200، شماره 4607)، و ترمذى (5/44، شماره 2676) و گفته: حسن صحيح. وابن ماجه (1/15، شماره 42)، والحاكم (1/174، شماره 329) و گفته: صحيح ليس له علة. والبيهقى (10/114، رقم 20125) . و همچنین: ابن حبان (1/178، شماره 5)، والدارمى (1/57، شماره 95). [↑](#footnote-ref-58)
59. - حديث عمر بن الخطاب و گفته زمانی که به حجر الأسود رسید: «تو سنگی بیش نیستی و اگر نمی‌دیدم که رسول الله تو را بوسید، تو را نمی‌بوسیدم». این حدیث به روایت‌های مختلفی آمده که به عمربن خطاب می‌رسد، و به صورت مرسل نیز از او روایت شده است.

    بخاری آن را روایت کرده در: «3/462»، كتاب الحج: باب ما ذكر في الحجر الأسود، حديث «1597»، ومسلم «2/925- 926»، كتاب الحج: باب استحباب تقبيل الحجر الأسود في الطواف، حديث «251/1270»، وأبو داود «2/577»، والنسائي «5/227»، كتاب الحج: باب تقبيل الحجر، والترمذي «3/507- تحفة» أبواب الحج: باب ما جاء في تقبيل الحجر، حديث «862»، وأحمد «1/76»، والبيهقي «5/74»، والبغوي در «شرح السنة» «5/68- » از طريق عباس بن ربيعة. و ترمذی گفته: حسن صحیح. و مسلم «2/925»، كتاب الحج: باب استحباب تقبيل الحجر الأسود في الطواف، حديث «248/1270»، و نسائي در «الكبرى» «2/400»، كتاب الحج: باب تقبيل الحجر شماره «3919»، و ابن الجارود «452»، وابن خزيمة «5/212»، رقم «2711»، از طريق ابن وهب از يونس وعمرو بن الحارث از الزهري از سالم از پدرش روایت کرده که به او گفت: عمربن خطاب حجر را بوسید و سپس گفت: بخدا قسم می‌دانم که تو سنگی بیش نیستی و اگر من ندیده بودم که رسول الله ج تو را بوسیده بود تو را نمی‌بوسیدم. و بخاري «3/555»، كتاب الحج: باب تقبيل الحجر، حديث «1610»، از طريق زيد بن أسلم از پدرش از عمر. و مسلم «2/925»، كتاب الحج: باب استحباب تقبيل الحجر الأسود في الطواف، حديث «249/1270»، والدارمي «2/52- 53»، كتاب المناسك: باب في تقبيل الحجر از طريق حماد بن زيد از أيوب از نافع از ابن عمر از عمر، و مسلم «2/925»، كتاب الحج: باب استحباب تقبيل الحجر الأسود في الطواف، حديث «250/1270»، ابن ماجه «2/981»، كتاب المناسك: باب استلام الحجر، حديث «2943»، نسائي «الكبرى» «2/400»، كتاب الحج: باب تقبيل الحجر «3918»، وأحمد «1/35»، والحميدي «1/7»، شماره «9»، والطيالسي «1/216- منحة» «1045»، از طريق عاصم الأحول از عبد الله بن سرجس گفت: رأيت الأصلع «يعني عمر بن الخطاب» يقبل الحجر ويقول: والله إني لأقبلك وإني أعلم أنك حجر وإنك لا تضر ولا تنفع ولولا أني رأيت رسول الله ج قبلك ما قبلتك، و این لفظ را مسلم آورده و لفظی که ابن ماجه والحميدي آورده‌اند: رأيت الأصيلع بالتصغير. و مسلم «2/925»، كتاب الحج: باب استحباب تقبيل الحجر الأسود في الطواف، حديث «252/1271»، و نسائي «5/227»، كتاب الحج: باب استلام الحجر الأسود، وأحمد «1/39»، والطيالسي «1/216- منحة» شماره «1044»، وأبو يعلى «1/169»، شماره «189»، والبيهقي «5/74». [↑](#footnote-ref-59)
60. - مسلم «5/11- نووي» كتاب الحج: باب استحباب الرمل في الطواف والعمرة، حديث «235-1263»، والترمذي «3/202، 203»، كتاب الحج: باب ما جاء في كيف الطواف، حديث «856»، وباب ما جاء في الرمل من الحجر إلى الحجر، حديث «857»، ونسائي نحوه «5/235»، كتاب الحج: باب القول بعد ركعتي الطواف، حديث «2961»، از حديث جابر. [↑](#footnote-ref-60)
61. - بخاري «2/131»: كتاب الأذان: باب الأذان للمسافرين إذا كانوا جماعة والإقامة، حديث «630»، ومسلم «2/612- أبي»: كتاب المساجد ومواضع الصلاة: باب من أحق بالإمامة، حديث «292 , 674»، و نسائي «2/9»: كتاب الأذان: باب اجتزاء المرء بأذان غيره في الحضر، حديث «135»، و أحمد «3/436»، والدارمي «1/286»: كتاب الصلاة: باب من أحق بالإمامة، وابن خزيمة في «صحيحه» «1/206»، حديث «397». [↑](#footnote-ref-61)
62. - فتاوى برنامج نور على الدرب (جزء: 17،صفحه: 458). [↑](#footnote-ref-62)
63. - اللجنة الدائمة للإفتاء (جزء: 10 صفحه: 203). [↑](#footnote-ref-63)
64. - أحمد (6/143)، أبو داود (2/202) (1978)، الدارقطني (2/276)، البيهقي (5/136)، ابن خزيمه (4/302) (2937) . [↑](#footnote-ref-64)
65. - مسلم «2/846»، كتاب الحج: باب الطيب للمحرم عند الإحرام، حديث «31/1189»، نسائي «5/1360- 137»، كتاب المناسك: باب إباحة الطيب عند الإحرام، والشافعي در «المسند» ص «120»، والحميدي «1/105»، شاره «211»، و بيهقي «5/34»، وأبو يعلى «7/353»، شماره «4391»، از طريق الزهري از عروة از عائشه که گفت: به خاطر احرام بستن به رسول الله ج بو خوشی زدم، و به خاطر بیرون آمدن از احرام قبل از طواف خانه خدا نیز بو خوشی زدم. و بخاري «10/382»، كتاب اللباس: باب ما يستحب من الطيب، حديث «5928»، ومسلم «2/847»، كتاب الحج: باب الطيب للمحرم عند الإحرام «36، 37/1189»، ونسائي «5/137-138»، كتاب المناسك: باب الطيب عند الإحرام، وأحمد «2/130»، والبيهقي «5/34». [↑](#footnote-ref-65)
66. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 17، صفحه: 355). [↑](#footnote-ref-66)
67. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 166). [↑](#footnote-ref-67)
68. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 346). [↑](#footnote-ref-68)
69. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 327). [↑](#footnote-ref-69)
70. - أبو داود «2/485- 486»، كتاب المناسك «الحج»: باب من لم يدرك عرفة، حديث «1949»، و ترمذي «3/237»، كتاب ما جاء فيمن أدرك الإمام بجمع فقد أدرك الحج، حديث «889»، و نسائي «5/256»، كتاب الحج: باب فرض الوقوف بعرفة، و ابن ماجه «2/1003»، كتاب المناسك: باب من أتى عرفة قبل الفجر ليلة بجمع، حديث «5/30»، و الطيالسي «1/22»، كتاب الحج والعمرة: باب وجوب الوقوف بعرفة وفضله، والدعاء عند ذلك، حديث «1056»، وأحمد «4/335»، والدارمي «2/59»، كتاب المناسك: باب ما يتم الحج، وابن الجارود ص «165»، باب المناسك، حديث «468»، والدارقطني «2/240، 241»، كتاب الحج: باب المواقيت، حديث «19»، و حاكم «1/464»، كتاب المناسك، و بيهقي «5/116»، كتاب الحج: باب وقت الوقوف لإدراك الحج، وابن حبان «1009- موارد»، وابن خزيمة «4/257»، شماره «2822»، و طحاوي در «شرح معاني الآثار» «2/209- 210»، والحميدي «2/399»، شماره «899»، وأبو نعيم في «الحلية» «7/119- 120»، از طريق بكر بن عطاء از عبد الرحمن بن يعمر الديلي گفت: رسول الله ج را در حج مشاهده کردم که در عرفه ایستاده بود، مردمی از اهل نجد آمدند، پرسیدند: ای رسول الله حج چگونه است؟ گفت: حج عرفه است. ترمذی گفت: و ابن أبي عمر گفته، که سفيان بن عيينة گفت: وهذا أجود حديث رواه سفيان الثوري. ابن ماجه گفت: قال محمد بن يحيى -الدهلي- ما أرى للثوري حديثاً أشرف منه. حاكم آن را صحیح دانسته وابن خزيمة وابن حبان. وحديث شاهد دارد از حديث ابن عباس.أخرجه الطبراني در «الأوسط» و در «مجمع الزوائد» «3/254»، از طريق خصيف ازمجاهد از ابن عباس قال: قال النبي ج: «الحج عرفات». هيثمي می‌گوید: در حدیث خصيف است ابن معين وغيره او را ثقه دانسته‌اند أحمد و غيره او را ضعیف دانسته وخصيف ابن عبد الرحمن الجزري: الحافظ در «التقريب» گفته «1/224»، صدوق سيء الحفظ خلط بآخره و رمي بالإرجاء. [↑](#footnote-ref-70)
71. - جزء: 17، صفحه: 262) فتاوى شيخ عبد العزيز بن باز/. [↑](#footnote-ref-71)
72. - فتاوى جناب مفتي (جزء: 1 صفحه: 59). [↑](#footnote-ref-72)
73. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 270). [↑](#footnote-ref-73)
74. - أحمد (3/312) قال: حدثنا ابن إدريس، وفي (3/319) قال: حدثنا يحيى. و در (3/399) قال: حدثنا عفان، قال: حدثنا حماد -يعني ابن سلمه-، والدارمي (1902) قال: أخبرنا عبيد الله بن موسى. ومسلم (4/80) قال: حدثنا أبو بكر بن أبي شيبه، قال: حدثنا أبو خالد الأحمر، وابن إدريس. (ح) وحدثناه علي بن خشرم، قال: أخبرنا عيسى. وأبو داود (1971) قال: حدثنا أحمد ابن حنبل، قال: حدثنا يحيى بن سعيد. وابن ماجه (3053) قال: حدثنا حرملة بن يحيى المصري، قال: حدثنا عبد الله بن وهب. والترمذي (894) قال: حدثنا علي بن خشرم، قال: حدثنا عيسى بن يونس. و نسائي (5/270) قال: أخبرنا محمد بن يحيى بن أيوب بن إبراهيم الثقفي المروزي، قال: أنبأنا عبد الله بن إدريس. وابن خزيمه (، 2876 2968) قال: حدثنا علي بن خشرم، قال: أخبرنا عيسى. (ح) وحدثنا محمد بن معمر، قال: حدثنا محمد -يعني ابن بكر-، و در (2968) قال: حدثنا أبو كريب، قال: حدثنا أبو خالد. (ح) وحدثنا عبد الله بن سعيد الأشج، قال: حدثني ابن إدريس. ثمانيتهم -ابن إدريس، ويحيى، وحماد، وعبيد الله، وأبو خالد، وعيسى، وابن وهب، وابن بكر- عن ابن جريج. [↑](#footnote-ref-74)
75. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-75)
76. - بخاري 3 / 462 در الحج، باب رمي الجمار، والموطأ 1 / 408 در الحج، باب الرخصة في رمي الجمار، وأبو داود شماره (1972) در المناسك، باب في رمي الجمار، الحافظ در «الفتح» گفته: در این حدیث دلیل وجود دارد که سنت است در روز غیر از روز قربان بعد از زوال رمی انجام دهند، جمهور علما این رایشان است، عطاء وطاوس مخالت کرده‌اند گفتند: قبل از زوال مطلقاً جایز است، حنفي‌ها در روز نفر نیز قبل از زوال اجازه رمی داده‌اند. إسحاق گفته: اگر قبل از زوال رمی کرد باید تکرار کند، اما در روز سوم اشکال ندارد. [↑](#footnote-ref-76)
77. - البحوث الإسلامية (جزء: 13، صفحه: 89). [↑](#footnote-ref-77)
78. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 17، صفحة: 359). [↑](#footnote-ref-78)
79. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 18 صفحه: 28). [↑](#footnote-ref-79)
80. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 67، صفحه: 72). [↑](#footnote-ref-80)
81. - فتاوى مفتي شيخ عبد العزيز بن عبد الله آل الشيخ (جزء: 1 صفحه: 56). [↑](#footnote-ref-81)
82. - فتاوى مفتي عام شيخ عبد العزيز بن عبد الله آل الشيخ (جزء: 1 صفحه: 56). [↑](#footnote-ref-82)
83. - بخاري 1 / 441 در الصلاة، باب كراهية الصلاة في المقابر، ودر التطوع، باب التطوع في البيت، ومسلم شماره (777) في صلاة المسافرين وقصرها، باب استحباب صلاة النافلة في بيته، وأبو داود شماره (1448) في الصلاة، باب فضل التطوع في البيت، والترمذي شماره (451) في الصلاة، باب ما جاء في فضل صلاة التطوع في البيت، و نسائي 3 / 197 في صلاة الليل، باب الحث على الصلاة في البيوت والفضل في ذلك. [↑](#footnote-ref-83)
84. - مسلم كتاب صلاة المسافرين 780. ص. [↑](#footnote-ref-84)
85. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 314). [↑](#footnote-ref-85)
86. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 147). [↑](#footnote-ref-86)
87. - ابن ماجه (1/500، شماره 1569). [↑](#footnote-ref-87)
88. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 13، صفحه: 324). [↑](#footnote-ref-88)
89. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 355). [↑](#footnote-ref-89)
90. - أبو داود شماره (2015) در المناسك، باب فيمن قدم شيئاً قبل شيء في حجه، و إسنادش جيد. [↑](#footnote-ref-90)
91. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 321). [↑](#footnote-ref-91)
92. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 321). [↑](#footnote-ref-92)
93. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحة: 327). [↑](#footnote-ref-93)
94. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 327). [↑](#footnote-ref-94)
95. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10 صفحه: 204). [↑](#footnote-ref-95)
96. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10 صفحه: 94). [↑](#footnote-ref-96)
97. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 330). [↑](#footnote-ref-97)
98. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 76). [↑](#footnote-ref-98)
99. - فتاوى جناب مفتي (جزء: 1، صفحه: 102). [↑](#footnote-ref-99)
100. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 18، صفحه: 198). [↑](#footnote-ref-100)
101. - فتاوى نور على الدرب (جز: 17، صفحه: 144). [↑](#footnote-ref-101)
102. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 167). [↑](#footnote-ref-102)
103. - ال عمران: 97 [↑](#footnote-ref-103)
104. - أحمد (1/313)، و بيهقي (4/340). [↑](#footnote-ref-104)
105. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 17). [↑](#footnote-ref-105)
106. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 209). [↑](#footnote-ref-106)
107. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 6، صفحه: 228). [↑](#footnote-ref-107)
108. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 361). [↑](#footnote-ref-108)
109. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 357). [↑](#footnote-ref-109)
110. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 357). [↑](#footnote-ref-110)
111. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-111)
112. - صحيح مسلم كتاب الطهارة باب الصلوات الخمس شماره «16» ص. [↑](#footnote-ref-112)
113. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 13). [↑](#footnote-ref-113)
114. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 13). [↑](#footnote-ref-114)
115. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 184). [↑](#footnote-ref-115)
116. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 189). [↑](#footnote-ref-116)
117. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 191). [↑](#footnote-ref-117)
118. - قبلا تخریج شد. [↑](#footnote-ref-118)
119. - مسلم روایت کرده، قسمتی از حدیث طولانی جابر. [↑](#footnote-ref-119)
120. - قبلاً تخریج شد. [↑](#footnote-ref-120)
121. - فتاوی اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 207). [↑](#footnote-ref-121)
122. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 358). [↑](#footnote-ref-122)
123. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 16، صفحه: 173). [↑](#footnote-ref-123)
124. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 16، صفحه: 60). [↑](#footnote-ref-124)
125. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 17، صفحه: 494). [↑](#footnote-ref-125)
126. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء:10 صفحه:240). [↑](#footnote-ref-126)
127. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 29، صفحه: 87). [↑](#footnote-ref-127)
128. - فتاوى ابن عثيمين (جزء: 24 صفحه: 100). [↑](#footnote-ref-128)
129. - فتاوى شيخ ابن عثيمين. [↑](#footnote-ref-129)
130. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 17، صفحه: 229). [↑](#footnote-ref-130)
131. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 466). [↑](#footnote-ref-131)
132. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 460). [↑](#footnote-ref-132)
133. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 355). [↑](#footnote-ref-133)
134. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 355). [↑](#footnote-ref-134)
135. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 273). [↑](#footnote-ref-135)
136. - (فتاوى شيخ ابن باز) جزء: 29 صفحه: 117). [↑](#footnote-ref-136)
137. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 16، صفحه: 90). [↑](#footnote-ref-137)
138. - فتاوى نور على الدرب(جزء: 17، صفحه: 489). [↑](#footnote-ref-138)
139. - بخاري ومسلم روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-139)
140. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 493). [↑](#footnote-ref-140)
141. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 493). [↑](#footnote-ref-141)
142. - اللجنة الدائمة (شماره فتوى:8820 جزء: 11 صفحه: 227). [↑](#footnote-ref-142)
143. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 2، صفحه: 23). [↑](#footnote-ref-143)
144. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 498). [↑](#footnote-ref-144)
145. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 499). [↑](#footnote-ref-145)
146. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء:17 صفحه: 113). [↑](#footnote-ref-146)
147. - رواه مسلم ـ باب وجوب الطهارة للصلاة 1/204. [↑](#footnote-ref-147)
148. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 29، صفحه: 114). [↑](#footnote-ref-148)
149. - فتاوای مفتي (صفحة 24). [↑](#footnote-ref-149)
150. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 257). [↑](#footnote-ref-150)
151. - صحيح بخاري باب ما ينهى من الطيب للمحرم والمحرمة 3/15. [↑](#footnote-ref-151)
152. - قبلاً تخریج شد. [↑](#footnote-ref-152)
153. - متفق علیه صحته. [↑](#footnote-ref-153)
154. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 11، صفحه: 191). [↑](#footnote-ref-154)
155. - فتاوى الطب و المرضى شيخ ابن باز (صفحه: 53). [↑](#footnote-ref-155)
156. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 5، صفحه: 258). [↑](#footnote-ref-156)
157. - نص حدیث: «إذَا مَرَّ الْمَارُّ بين يدي أَحَدِكُمْ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَدْفَعْهُ فَإِنْ أَبَى فَلْيَدْفَعْهُ فَإِنْ أَبَى فَلْيُقَاتِلْهُ فَإِنَّهُ شَيْطَانٌ» البخاري «1/581»: كتاب الصلاة: باب يرد المصلي من مر بين يديه «509»، ومسلم «1/362- 363»: كتاب الصلاة: باب منع المار بين يدي المصلي، «259»، وأبو داود «1/449»: كتاب الصلاة: باب ما يؤمر المصلي أن يدرأ عن الممر بين يديه «700»، ونسائي «2/66»: كتاب القبلة: باب التشديد في المرور بين يدي المصلي وبين سترته، وابن ماجة «1/307»: كتاب إقامة الصلاة: باب إدرأ ما استطعت، حديث «954»، وأحمد «3/63»، والدارمي «1/328». [↑](#footnote-ref-157)
158. - فتاوای شيخ ابن باز (جزء: 29، صفحه: 326). [↑](#footnote-ref-158)
159. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 6، صفحه: 229). [↑](#footnote-ref-159)
160. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 6، صفحه: 172). [↑](#footnote-ref-160)
161. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 1، صفحه: 202). [↑](#footnote-ref-161)
162. - مسلم در «صحيحش» (1975) كتاب الأضاحي - باب ادخار لحوم الأضاحي فوق ثلاث، وأصحاب «السنن»، از حديث بريدة س. [↑](#footnote-ref-162)
163. - إسنادش صحيح است بر شرط مسلم، رجالش ثقه هستند رجال الشيخين به جز سليمان ابن بريدة ومعاوية بن هشام -و او القصَّار الكوفي است- از رجال مسلم. أبو أحمد: که اسمش محمد بن عبد الله الأسدي الزُّبيري است، وسفيان: که ابن سعيد الثوري است. و أبو بكر الخَلال في کتاب «السنة» آورده (1080) از طريق أحمد بن حنبل، با این إسناد. [↑](#footnote-ref-163)
164. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 7، صفحه: 441). [↑](#footnote-ref-164)
165. - بخاري 1 / 7 - 15 در بدء الوحي، و در الإيمان، باب ما جاء أن الأعمال بالنية والحسبة ولكل امرئ ما نوى، و در العتق، باب الخطأ والنسيان في العتاقة والطلاق ونحوه، ودر فضائل أصحاب النبي ج، باب هجرة النبي ج وأصحابه إلى المدينة، و در النكاح، باب من هاجر أو عمل خيراً لتزويج امرأة فله ما نوى، و در الأيمان والنذور، باب النية في الأيمان، و در الحيل، باب في ترك الحيل وأن لكل امرئ ما نوى، و مسلم (1907) در الإمارة، باب قوله ج: «إنما الأعمال بالنية»، وأبو داود (2201) در الطلاق، باب فيما عنى به الطلاق والنيات، و ترمذي (1647) در فضائل الجهاد، باب ما جاء فيمن يقاتل رياء وللدنيا، و نسائي 1 / 59 و 60 در الطهارة، باب النية في الوضوء. [↑](#footnote-ref-165)
166. - مسلم 2/809. [↑](#footnote-ref-166)
167. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 16، صفحه: 184). [↑](#footnote-ref-167)
168. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 16، صفحه: 276). [↑](#footnote-ref-168)
169. - ترمذي (2520) در صفة القيامة، باب شماره (61)، و نسائي 8 / 327 و 328 در الأشربة، باب الحث على ترك الشبهات، وإسنادش صحيح است، و همچنین أحمد و غیره روایت کرده‌اند. [↑](#footnote-ref-169)
170. - بخاري (52)، و مسلم (1599). [↑](#footnote-ref-170)
171. - البحوث الاسلامية (جزء: 30، صفحه: 116). [↑](#footnote-ref-171)
172. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 16، صفحه: 224). [↑](#footnote-ref-172)
173. - صحيح بخاري باب قول النبي ج إذا رأيتم الهلال 3/27. [↑](#footnote-ref-173)
174. - فتاوى ابن عثيمين (جزء: 19 صفحه: 44). [↑](#footnote-ref-174)
175. - اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 308). [↑](#footnote-ref-175)
176. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 16،صفحه: 225). [↑](#footnote-ref-176)
177. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10، صفحه: 272). [↑](#footnote-ref-177)
178. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 5، صفحه: 130). [↑](#footnote-ref-178)
179. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 9، صفحه: 199). [↑](#footnote-ref-179)
180. - فتاوى شيخ عبد العزيز بن باز (جزء: 15، صفحه: 313). [↑](#footnote-ref-180)
181. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 1 صفحه: 642). [↑](#footnote-ref-181)
182. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 10 صفحه: 259). [↑](#footnote-ref-182)
183. - قبلاً تخریج شد. [↑](#footnote-ref-183)
184. - قبلاً تخریج شد. [↑](#footnote-ref-184)
185. - فتاوى نور على الدرب (جزء: 17، صفحه: 309). [↑](#footnote-ref-185)
186. - سنن أبي داود . شيخ ألباني گفته: صحيح است. [↑](#footnote-ref-186)
187. - فتاوى اللجنة الدائمة (جزء: 9، صفحه: 117). [↑](#footnote-ref-187)
188. - إسنادش ضعيف است به خاطر مجهول بودن نبيط بن عمر، تنها عبد الرحمن بن أبي الرجال از او روایت کرده است، و ابن حبان او را در کتاب «ثقاته» 5/483، ذکر کرده است. [↑](#footnote-ref-188)
189. - بخاري 3 / 54 در التطوع، باب فضل الصلاة في مسجد مكة والمدينة، و مسلم (1394) در الحج، باب فضل الصلاة بمسجدي مكة والمدينة، و الموطأ 1 / 196 في القبلة، باب ما جاء في مسجد النبي ج، و ترمذي (325) در الصلاة، باب ما جاء في أي المساجد أفضل، و نسائي 2 / 35 در المساجد، باب فضل مسجد النبي صلى الله عليه وسلم والصلاة فيه. [↑](#footnote-ref-189)
190. - فتاوى شيخ ابن باز (جزء: 26، صفحه: 286). [↑](#footnote-ref-190)